

زبان فارسی در جهان

انگلستان

جلد ۱



۵۸

۱۰۰

ISBN: 964 - 6371 - 01 - 9
SET: 964 - 6371 - 00 - 0

قیمت ۳۵۰۰ ریال

شابک: ۹۶۴-۶۳۷۱-۰۱-۹
تور: ۹۶۴-۶۳۷۱-۰۰-۰

مؤسسه فرهنگی و ادبی

زبان فارسی در جهان

انکسلیان جلد اول

زبان و ادب فارسی در جهان

« انگلیسی »

۷۸۰۸۶۰

دبیرخانه شورای گسترش زبان و ادب فارسی

۱۳۷۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دبیرخانه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی در خارج

نام کتاب: زبان و ادب فارسی در جهان: انگلیس
تهیه شده در: واحد پژوهش، با همکاری کیومرث امیری (دستیار: ف. سعیدیان)
تعداد: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول، زمستان ۱۳۷۵
حروف چینی و صفحه آرایی: جمیله کوکبی
طرح جلد: مسعود محسن زاده
چاپ و صحافی: چاپ محمد

فهرست مطالب

مقدمه ناشر	الف
فصل اول: دورنمای تحولات تاریخی زبان و ادب فارسی در انگلیس ۱	
روابط ایران و انگلیس در سده هفتم و هشتم هجری.....	۲
توجه جهانگردان انگلیسی به زبان فارسی	۳
برادران شرلی در ایران	۵
گرایش انگلیسیها به فارسی آموزی	۸
رشد و گسترش زبان و ادبیات فارسی در میان انگلیسیها	۹
نخستین ایران شناسان انگلیس	۱۰
فارسی دانان و ایران شناسان قرن هیجدهم	۱۱
اولین دانشجویان ایرانی در لندن	۱۴
دومین کاروان دانشجویان ایرانی در انگلستان	۱۷
 فصل دوم: گسترش زبان و ادب فارسی در بین ایران شناسان انگلیسی ۱۹	
ایران شناسان انگلیسی در قرن نوزدهم	۱۹

ایران شناسان انگلیسی در قرن بیستم..... ۲۹

فصل سوم: کارنامه انگلیسیان دربارهٔ زبان و ادب فارسی ۴۳

ترجمه آثار سعدی ۴۳

ترجمه دیوان حافظ ۴۷

پژوهشهای انگلیسیان دربارهٔ شاهنامهٔ فردوسی ۴۹

نظامی گنجوی ۵۱

آثار انگلیسیان دربارهٔ زبان فارسی ۵۱

سفرنامه‌های انگلیسیها دربارهٔ سرزمین، فرهنگ و مردم ایران ۵۴

فصل چهارم: زبان و ادب فارسی در دانشگاهها ۵۷

دانشگاه آکسفورد ۵۸

دانشگاه کمبریج ۶۱

وضعیت تحصیل در کمبریج ۶۵

مدرسهٔ مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن ۶۵

دانشگاه منچستر ۶۷

دانشگاه ادینبورگ «اسکاتلند» ۶۹

مطالعات ایرانی در دانشگاه دورهام ۷۰

وضعیت تدریس فارسی در دانشگاههای انگلیس ۷۰

شیوه آموزش دانشکده شرق شناسی دانشگاه کمبریج ۷۱

فصل پنجم: ایران شناسان و استادان زبان و ادبیات فارسی انگلیس ۷۳

فصل ششم: ایرانیان مقیم انگلیس و زبان فارسی	۸۱
مراکز و انجمنهای فرهنگی و هنری ایرانیان در انگلستان	۸۲
مراکز آموزش زبان فارسی در انگلیس	۸۳
مراکز انتشاراتی چاپ کتابهای فارسی	۸۵
نشریات فارسی منتشر شده در انگلیس (۷۵-۱۳۵۷)	۸۷
سمینارها و گردهماییهای فارسی در انگلیس	۹۱

فصل هفتم: سخن آخر و چند پیشنهاد	۹۹
استادان زبان و ادب فارسی	۱۰۰
ایران شناسان انگلیسی	۱۰۰
بخش فارسی دانشگاهها	۱۰۲
ایرانیان مقیم انگلیس	۱۰۳

فهرست اعلام	۱۰۵
-------------------	-----

گزیده منابع و مأخذ	۱۲۴
--------------------------	-----

مقدمه

زبان و ادبیات فارسی به عنوان دومین زبان جهان اسلام و زبان حوزه فرهنگ و تمدن ایرانی، با هزاران آثار گران سنگ در زمینه‌های مختلف ادبی، عرفانی، فلسفی، کلامی، تاریخی، هنری و مذهبی همواره مورد اعتنا و اعتقاد ایرانیان و مردمان سرزمینهای دور و نزدیک بوده است. علیرغم حوادث و رویدادهای پر تب و تاب و گاه ناخوشایند سه سده اخیر، باز هم این زبان شیرین و دلنشین در دورترین نقاط جهان امروز حضور و نفوذ دارد. این حضور و نفوذ حکایت از آن دارد که در ژرفای زبان و ادب فارسی آنقدر معانی بلند و مضامین دلنشین علمی، ادبی، اخلاقی و انسانی وجود دارد، که هر انسان سلیم الطبعی با اطلاع و آگاهی از آنها، خود بخود به فارسی و ذخایر مندرج در آن دل می‌سپرد. اگر چنین نبود، ترجمه و تألیف هزاران کتاب و مقاله از سوی خارجیان درباره آثار جاودان و جهانی ادب فارسی مانند؛ شاهنامه فردوسی، خمسه حکیم نظامی گنجوی، گلستان و بوستان شیخ اجل، مثنوی مولانا جلال الدین بلخی، غزلیات خواجه حافظ شیرازی و رباعیات حکیم عمر خیام چهره نمی‌بست و هزاران ایران شناس و ایران دوست غیر ایرانی دل و عمر بر سر شناخت، فهم، تفسیر و ترجمه این آثار ارزنده در نمی‌باختند. واقع آن است که نکات نغز و حکمت‌های بدیع و درسهای انسانیت، بزرگواری، اخلاق و مردم دوستی در ادب فارسی آنقدر حلاوت و لطافت دارد که می‌تواند عطش تمام تشنه کامان وادی

معرفت و حیرت را یک تنه به آب عَذْب خویش سیراب گرداند.

چنین می‌نماید که جمهوری اسلامی ایران نباید نسبت به نیاز و علاقه شیفتگان و دل‌باختگان زبان و ادب فارسی در سراسر جهان بی‌اعتنا بماند و آتش شوق و اشتیاق فارسی‌دانان و ادب‌دوستان غیر ایرانی را نادیده بگیرد.

از این رو، برای ساماندهی، تقویت و توسعه زبان و ادب فارسی در خارج از کشور، شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی را بنیاد نهاده و شورا هم بر اساس وظایف محوله، ایجاد هماهنگی، سیاستگذاری، هدایت و برنامه‌ریزی در باب زبان و ادب فارسی را وجهه همّت خود قرار داده است.

دبیرخانه شورا، برای نیل به اهداف و وظایف خود به آگاهی از ریشه‌ها، تحولات و چگونگی ورود، حضور و نفوذ و وضع کنونی زبان و ادب فارسی در جهان نیاز دارد. بدین خاطر، دبیرخانه دست به اقدام پژوهشگرانه‌ای در زمینه شناخت آخرین وضعیت زبان و ادب فارسی در کشورهایی که فارسی به آن سرزمین‌ها پا نهاد، زده است و این مهم در مدتی کوتاه جامه عمل پوشیده و نتیجه آن اینک به صورت تنظیم و تدوین پژوهشنامه‌هایی درباره کشورها با عنوان «زبان فارسی در جهان» انتشار می‌یابد.

از آن جا که این مجموعه با استفاده از منابع و مآخذ در دسترس فراهم آمده، به طور مسلم نقایص و کمبودهایی دارد. لذا، از محققان، صاحب‌نظران و ایران‌شناسان درخواست می‌شود تا با ارائه نظرات، اطلاعات و پیشنهادات خود ما را در ارائه تصویری کامل و جامع از سیر تحول فارسی و آخرین وضعیت آن در خارج از کشور مدد رسانند.

سید کمال حاج سید جواد

دبیر شورای گسترش زبان و ادب فارسی

فصل اول

دور نمای تحولات تاریخی زبان و ادب فارسی در انگلیس

■ روابط ایران و انگلیس در سده پنجم هجری

با آنکه پای انگلیسی زبانان از دوره صفوی، سده دهم هجری قمری، رفته رفته به ایران باز شد، ولی آغاز آشنایی دانشمندان انگلیسی با علوم و حکمت اسلامی ایران، که بخش مهمی از فرهنگ جهان اسلامی شمرده می شود، باید در نیمه دوم سده پنجم و آغاز سده ششم هجری / سده دوازدهم میلادی جستجو کرد.

در همین زمان بود که ترجمه آثار دانشمندانی چون؛ محمد بن زکریای رازی، ابونصر فارابی، ابو علی سینا و امام محمد غزالی از دو زبان پارسی و عربی به لاتین، آشنایی اروپائیان را با علوم اسلامی ایران پررنگ تر کرد و نه تنها دانشمندان انگلیس با علوم پزشکی، ریاضی، نجوم و الهیات ایران آشنایی

یافتند، بلکه با فرهنگ خاور زمین نیز رشته دوستی محکمتر کردند. از این دوره به بعد، اندک اندک نوشته‌های جهانگردانی که در خلال سده‌های ششم و هفتم هجری از ایران دیدار کرده بودند، ظاهر شد و انگلیسیان از این طریق نیز با فرهنگ و زبان ایران آشناتر شدند.^(۱)

■ روابط ایران و انگلیس در سده هفتم و هشتم هجری

در سال (۶۹۰ ه. ق / ۱۲۹۰ م) نخستین هیأت سیاسی *ادوارد اول* پادشاه انگلیس به سرپرستی *جفری دولانگی* و *نیکلاس دوشارتر* به ایران آمد، این سفارت در جواب نامه‌ای انجام گرفته بود که *ارغون شاه* به شاه انگلیس نوشته بود و در آن، از وی خواستار چند شاهین شده بود. پیش از رسیدن هیأت، *ارغون* درگذشت، بنابراین، مأموریت هیأت اعزامی پادشاه انگلیس منتفی گردید. اما با این همه، هیأت در سال ۱۲۹۲ میلادی از ایران خارج شد و در اوایل سال ۱۲۹۳ میلادی به حضور شاه انگلیس رسید.^(۲)

در دوران *غازان خان*، روابط سیاسی و فرهنگی ایران و انگلیس ادامه یافت. *جیمز دوم* پادشاه *آراگن* «اسپانیا» در رمضان سال ۷۰۰ هجری نامه‌ای به *غازان* نوشت و او را مقتدرترین سلطان مغول و شاهنشاه مشرق زمین خواند و به *غازان خان* اطلاع داد که رعایای وی طالب زیارت بیت المقدس اند و آمادگی دارند تا در رکاب او برای جهاد با مسلمین شمشیر زنند. *جیمز دوم* در نامه خود از

۱- ابوالقاسم طاهری، *سیر فرهنگ ایران در بریتانیا* (تهران: انتشارات دنیا، ۱۳۵۲) ص ۱.

۲- عبدالحسین نوایی، *تاریخ روابط فرهنگی ایران از حمله مغول تا پایان سلسله قاجار*، (تهران: انتشارات روابط فرهنگی، ۱۳۵۶) ص ۶۸.

غازان درخواست کرد تا به زوار اهل آراگن اجازه دهد تا بدون پرداخت مالیات به زیارت بیت المقدس نائل آیند و ایلخان یک پنجم از اراضی مقدس را به عیسویان واگذار کند. ظاهراً، غازان با این پیشنهادها راضی شد تا در برابر آن اتحادی را که میان سلاطین عیسوی مذهب و ایلخانان پدید آمده بود، تجدید کند. وی بدین منظور، سفیرانی به اروپا اعزام داشت تا با ادوارد دوم پادشاه انگلیس و پاپ کلمان پنجم پادشاه فرانسه، مذاکره کنند. ولی، از این سفارت چیزی جز تعارفات سیاسی بر دفتر روابط فرهنگی دو کشور افزوده نشد.

ابو سعید بهادر خان پسر و جانشین اولجایتو که در سال (۷۰۶ ه. ق) بر مسند ایلخانی تکیه زد، گرفتار تر از آن بود که به روابط سیاسی و فرهنگی با انگلیس بیندیشد. بنابراین، سفیری به دربارهای اروپا گسیل نکرد، ولیکن، پاپ در ژوئیه (۱۳۲۲ م/ ۲۷ جمادی الثانی ۷۲۲ هجری قمری) از شهر آوین یون نامه ای بدو نوشت و او را به کمک ارمنستان در برابر مسلمانان دعوت کرد و در نامه دیگر او را به قبول مذهب مسیح فراخواند.^(۱)

■ توجه جهانگردان انگلیسی به زبان فارسی

آنتونی جنکینسون اولین سفیر رسمی انگلیس که از طریق شرکت تجاری مسکوی به دربار شاه طهماسب فرستاده شد، در سال ۱۵۶۲ م. در قزوین به خدمت شاه رسید و نامه‌ها و هدایایی از طرف ملکه الیزابت به پادشاه ایران تقدیم کرد. نامه او به سه زبان لاتین، ایتالیایی و عبری نوشته شده بود، ولی در

آن موقع، کسی به این زبانها آشنایی نداشت. شاه طهماسب به دلیل اینکه آنتونی جنکینسن کافر است و ایران احتیاجی به اشخاصی مثل او ندارد، اولین فرستاده انگلیس را به خواری از نزد خود راند.

آنتونی جنکینسن، در بازگشت از مسافرتهايش، سفرنامه خود را منتشر ساخت که مرجع مهمی برای نویسندگان بنام انگلیسی چون کریستوفر مارلو (۱۵۱۳-۱۵۶۴) و ویلیام شکسپیر (۱۵۶۴-۱۶۱۶) در آمد.

مارلو در نمایشنامه مشهور تیمور بزرگ که در واقع شرح زندگی تیمور لنگ است، به روابط تجاری ایران و انگلیس اشاره می‌کند. ویلیام شکسپیر هم تحت تأثیر نوشته‌های او و سایر مسافران انگلیسی، به خصوص سیر آنتونی شرلی قرار گرفته است.

یکی از اولین جهانگردان انگلیسی که در سال ۱۶۰۹ به اصفهان مسافرت کرده، جوزف سال بنک است.

جان کارفرایت نویسنده کتاب «مسافرتهاى یک کشیش» که در سال ۱۶۱۱ به چاپ رسید، اصفهان را شهر صد دروازه می‌نامد.

یکی از مهمترین و تیزبین‌ترین مسافران انگلیسی که به اصفهان مسافرت کرده، توماس هربرت می‌باشد. او در سال ۱۶۲۱ به همراه سرژد مورکاتن سفیر رسمی انگلیس به ایران آمد. وی در سفرنامه خود تحت عنوان «گزارشی از سالهای مسافرت در آفریقا و آسیای کبیر به ویژه سرزمینهای ایران و هند شرقی»، که در سال ۱۶۲۶ منتشر شد، علاوه بر گزارشهای دقیق درباره شاه عباس، بخشی را نیز به شهر اصفهان و اصفهانیان اختصاص داده که به نام «شرحی از سپاهان» انتشار یافته است.

یکی از آخرین مسافران انگلیسی قرن ۱۷ که یک سالی (۱۶۷۶-۱۶۷۷) را به مسافرت در ایران گذراند، جان فریار نام دارد.

ویلیام کالینز (۱۷۲۱-۱۷۵۹) نیز اولین شاعری بود که تحت تأثیر زبان و ادب فارسی منظومه‌ای کاملاً شرقی از ایران به زبان انگلیسی نوشت. سیر توماس مور (۱۷۷۹-۱۸۵۲)، از اولین شاعران دوره رومانتیک، تحت تأثیر زبان و ادبیات فارسی بود و در یک بخش از منظومه مشهور شرقی خود، به نام *لاله سرخ*، غزلی سروده که بوسیله یکی از شخصیت‌های داستان در «دستگاه اصفهان» خوانده می‌شود. گویا برخی قسمت‌های این منظومه در قرن ۱۸ به فارسی ترجمه شده بود^(۱).

■ برادران شرلی در ایران

در روزگار شاه عباس اول رشته‌های دوستی و هم‌پیمانی با انگلستان از سال ۱۰۰۷ / ۱۵۹۸ به وسیله برادران شرلی به شیوه‌ای بنیادی درآمد. این دو برادر، آنتونی و رابرت، که برای پدید آوردن پیوند دوستی میان انگلیس و ایران و آماده کردن شاه عباس برای جنگ با عثمانی به ایران آمده بودند، حدود سال (۱۰۰۶ ه‍.ق / ۱۵۹۸م) با بیست و شش نفر از همراهانشان در قزوین به حضور شاه عباس رسیدند. اینان با همراهان خود در برابر مهمان‌نوازی شاه صفوی به تعلیم و تربیت سپاه ایران پرداختند و به سرعت افراد ارتش ایران را با وسایل جدید جنگی غرب آشنا کردند^(۲).

۱- برای اطلاع بیشتر رک: پروین توتونی، اصفهان و خاندان صفویه از دیدگاه نویسندگان و جهانگردان انگلیسی در قرن ۱۶، ۱۷، ۱۸ میلادی، سبمرغ، سال دوم، شماره ۱ و ۲، ۱۳۷۴، ص ۴۳-۳۳۴.

۲- طاهری: سیر فرهنگ ایران در بریتانیا، ص ۱۰۵.

بعدها کار رابرت شرلی بالا گرفت و در سال ۱۶۰۸م، به عنوان سفیر شاه ایران، به انگلیس اعزام گشت و یک سال در آنجا ماند. رابرت، دیگر بار در سال ۱۶۲۳م به دستور شاه عباس به سفارت اروپا اعزام گشت، این سفارت نیز در توسعه روابط سیاسی، تجاری و فرهنگی ایران و کشورهای غرب از جمله انگلستان مؤثر نیفتاد.^(۱)

دکتر عبدالهادی حائری دربارهٔ علاقه شاه صفوی به شرلی چنین می نویسد:
 «شاه صفوی، آنتونی را بر صندلی خود نشاند و او را بوسیده گفت:
 برادر فی الحقیقه تو شایسته اینجا هستی. شاه عباس به همو نیز
 می گفت: که از وقت آمدن شما به نزد من، من تقریباً عیسوی هستم.»
 دوستی شاه عباس اول با انگلیس ادامه یافت تا جایی که شاه در سال
 ۱۰۲۵ / ۱۶۱۶ م نزد ادوارد کنوک، که از سوی کمپانی هند شرقی برای بنیاد
 نهادن یک کارخانه به ایران آمده بود، جیمز پادشاه انگلیس را برادر بزرگ خود
 خواند، و در سال ۱۰۳۲ / ۱۶۲۰-۲۲ م با کمک انگلیسیها جزایر اشغال
 شدهٔ خلیج فارس را از چنگ پرتغال و اسپانیا که از سال ۹۸۹ / ۱۵۸۱ م با
 یکدیگر همساز شده و یک امپراطوری تشکیل داده بودند، درآورد.

نوشته‌ها و نامه‌های به جا مانده که بین شاه عباس اول و فرمانروایان
 اروپا مبادله شده، تقریباً همه گزارشگر آن است که دولت ایران با دولتهای
 مسیحی اروپا هم پیمان و دوست بوده و دشمن مشترک آنان، عثمانی در نظر
 گرفته می شده و آنان مصمم بوده‌اند که در جنگ بر ضد دشمنشان همساز و هم
 آوا شوند.

۱-دنيس رايت، ایرانیان در میان انگلیسیها، ترجمه منوچهر طاهریا (تهران: انتشارات آشتیانی، ۱۳۶۴) ص ۲۸.

بد نیست یاد آور شویم که خواست بنیادی شاه عباس اول از جنگ با عثمانی باز پس گرفتن استانهای ایران بود که بگاه جنگهای عثمانی با شاهان پیشین ایران از دست رفته بود و البته به این خواست خویش نیز دست یافت. آنچه روشن است اینکه بیشتر پادشاهان صفوی با دولتهای اروپایی بویژه انگلیس پیوندی دوستانه داشتند و آثار این دوستی تا روزگار شاه سلطان حسین صفوی به خوبی به چشم می خورد.

نکته در خور نگرش اینجاست که برادران شرلی و سیاحتگران و بازرگانان پرشمار دیگری که از کشورهای اروپایی به ایران آمدند برای خود و کشورشان سودهایی فراوان اندوختند. آنان، افزون بر خرید و فروشهای سود آور، آگاهیهای پیرامون راهها، کوهها، رودخانه ها، شهرها و روستاها، خلق و خوی مردم، ویژگیهای مربوط به پیوندهای سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه ایران، اوضاع دربار و اوضاع اقتصادی کشور بدست آورده، در اختیار سوداگران و سودگرایان کشورهای خویش گذاشتند.^(۱)

نقد علی بیگ، سفیر دیگر شاه عباس که گاهی از او به عنوان اولین سفیر ایران در انگلیس یاد می شود، در سال ۱۶۲۶ م. با کشتی کمپانی هند شرقی در بندر پرتسموت به همراه پسرش و یک تاجر به نام شهسوار پیاده شدند. او که حامل نامه ای برای برقراری روابط بازرگانی بین ایران و انگلیس بود، در آغاز ورود دریافت که رابرت شرلی مدعی مقام سفارت ایران در اروپاست، و از دو سال پیش با همین عنوان در دربار انگلیس مشغول انجام وظیفه است. در برخورد نقد

۱- عبدالهادی حائری، نخستین رویاروییهای اندیشگران ایران (تهران: انتشارات امیرکبیر،

علی بیگ با شرلی منازعه بالا گرفت و نقد علی بیگ نامه او را که در آن، از وی به عنوان سفیر شاه ایران در دربار انگلیس نام برده شده بود، پاره کرد. شاه انگلیس برای روشن شدن موضوع، رابرت و نقد علی بیگ را به همراه سفیری، مورکاتن، روانه ایران ساخت. در بین راه نقد علی جان سپرد، رابرت و مورکاتن در بهشهر به حضور شاه ایران رسیدند. پس از آن رابرت از چشم شاه ایران افتاد و دفتر حیات رابرت شرلی و مورکاتن نیز در همان سال (۱۶۲۷ م) به فاصله چند روز در قزوین بسته شد و هر دو به دیار باقی شتافتند.^(۱)

■ گرایش انگلیسیها به فارسی آموزی

نیروی دریایی انگلیس که به دلیل موقعیت جغرافیایی جزیره دورافتاده انگلیس و نیازهای آن برای ارتباط و مبادله کالا بوجود آمده و روز به روز تقویت شده بود اندک اندک به فکر کشورگشایی و حضور در مناطق دیگر افتاد. با ورود کشتی‌های انگلیسی به منطقه، پای ماجراجویان و دریانوردان به کرانه‌های خلیج فارس باز شد.

از سوی دیگر، آشنایی بیشتر اروپاییان با هنر، ادب، فرهنگ و دانش ایرانی، باعث بوجود آمدن دانش ایران‌شناسی و ظهور مستشرقین گردید. پس از استقرار ملل اروپایی در هند، با توجه به اینکه در سراسر هند، فرهنگ، ادب و تمدن ایرانی رواج داشت و زبان فارسی به عنوان زبان ادبی و دریاری هندیان مورد استفاده بود، اروپاییان و بخصوص انگلیسیان ناگزیر به آموختن زبان فارسی بودند.

۱- دنیس رایت: ایرانیان در میان انگلیسیها، ص ۳۷.

انگیزه استیلا و سودجویی از هندوستان، فرمانروایان انگلیسی آن سامان را به اهمیت فراگرفتن زبان فارسی راغب کرد. تأسیس کمپانی هند شرقی از طرف انگلیسیها و برقراری رابطه اجتماعی با هندیان لزوم آشنایی انگلیسیها را با زبان و ادبیات فارسی دو چندان کرد.^(۱)

■ رشد و گسترش زبان و ادبیات فارسی در میان انگلیسیها

مورخان و تاریخ ادبیات نویسان، رشد و گسترش زبان و ادب فارسی در اواسط قرن هجدهم میلادی در انگلستان و برخی مستعمرات سابق آن مانند هند را به دلیل وجود کمپانی هند شرقی دانسته‌اند. کارگزاران کمپانی هند شرقی دریافتند که بدون دانستن زبان و آشنایی با معتقدات مردم خاور زمین نمی‌توانند به آسانی انجام وظیفه کنند، لذا، با توجه به همین ضرورت عده‌ای از انگلیسیان و هندیان با هزینه کمپانی به فارسی آموزی روی آوردند و در صف اولین ایرانشناسان قرار گرفتند.

از نخستین اقدامات کمپانی، تأسیس دانشکده‌ای در انگلیس به نام هیلی بوری است. این دانشکده به منظور تدریس زبانهای خاور زمین و کانون تربیت فارسی دانان انگلیس بوجود آمد. مردانی چون فرانسیس گلادوین نخستین مترجم انگلیسی گلستان سعدی، وارن هستینگز ایران شناس و استاد ادب فارسی، ویل کینس استاد زبان فارسی و هنری رالینسون، نخستین ایرانشناسی که راز خط میخی را کشف کرد، در گسترش و رشد زبان فارسی بسیار کوشیدند

و موجب آشنایی مردم انگلیس با زبان و ادب فارسی شدند^(۱). یکی دیگر از برنامه‌ها و اقدامات انگلیسیها برای آشنایی با احوال اقوام و زبانهای دیگر تشکیل *انجمن آسیایی بنگال* بود. این انجمن در سال ۱۷۸۴م. توسط *وارن هستینگز* و به ریاست *ویلیام جونز* در کلکته پایه گذاری شد. *انجمن آسیایی بنگال* از با سابقه ترین و مهمترین انجمنهای علمی و ادبی انگلیس است. در کتابخانه این انجمن هزاران کتاب چاپی و خطی به زبانهای مختلف، من جمله زبان فارسی وجود دارد. این انجمن، تحقیقات خود را در مجله‌ای به نام *انجمن آسیایی بنگال* انتشار می‌داد.^(۲)

■ نخستین ایرانشناسان انگلیس

از نخستین فارسی دانان و استادان زبردست ادب فارسی قرن هفدهم که بعدها به نام ایران شناس مشهور شدند، دو برادر بنام *جان و توماس گریوز* بودند، که هر دو از دانشمندان نام آور عصر خود بودند. این دو برادر در دانشگاه کمبریج به تدریس و تحقیق درباره زبانهای خاورمیانه اشتغال داشتند. *جان گریوز* که به تدریس ریاضیات مشغول بود، کتاب دستور زبان فارسی برای انگلیسیان را در سال ۱۶۴۹م. در لندن تهیه و منتشر ساخت. *توماس گریوز* نیز که خود از پیشگامان، محققان و مدرسان زبان فارسی بود، چنانکه او را نخستین خاورشناس انگلیس دانسته اند، رساله هایی در ترجمه

۱- همان، ص ۱۸.

۲- کیورث امیری، زبان و ادب فارسی در هند (تهران: شورای گسترش زبان و ادبیات

فارسی، ۱۳۷۴) ص ۷۵.

کتاب مقدس مسیحیان به زبان فارسی انتشار داد، ظاهراً هر دو برادر در ترجمه از زبانهای عربی و فارسی با هم همکاری می کردند، و تا به امروز آنچه جان و توماس گریوز در زمینه ادبیات، ستاره شناسی و علوم ریاضی مسلمانان از فارسی و عربی به انگلیسی برگردانده اند، از بهترین تحقیقات انگلیسیان است که از چگونگی ورود زبان فارسی به جزیره انگلیس خبر می دهد^(۱).

اینک به اجمال نخستین استادان زبان و ادب فارسی و کسانی که به نحوی از انحاء در پیشرفت، گسترش و تقویت زبان و ادبیات فارسی در انگلیس سهیم بوده اند را معرفی می کنیم. ابتدا از ایران شناسان و فارسی دانان زیردست و برجسته قرن هجدهم آغاز می کنیم.

■ فارسی دانان و ایران شناسان قرن هجدهم

□ ویلیام جونز ۱۷۹۴-۱۷۴۶م.

برای اجتناب از تطویل کلام، ما در اینجا از شرح احوال و حوادث زندگی شخصی ویلیام جونز درمی گذریم و تنها به آن جنبه هایی از شخصیت او اشاره می کنیم که در ارتباط با زبان و ادب فارسی قرار دارد.

در سال ۱۷۶۸م. ویلیام جونز با دانشمند لهستانی، کنت رویچ کی سفیر کشورش در دربار انگلیس آشنا گردید. آنچه مایه محکم شدن این پیوند دوستی شد، علاقه مشترک آن دو به زبان و ادبیات فارسی بود. بین این دو ایران دوست نامه های زیادی مبادله شد. نخستین نامه ای که ظاهراً جونز به سال ۱۷۶۸م. به

۱- طاهری: سیر فرهنگ ایران در بریتانیا، ص ۱۵.

کنت رویج نگاشته، مالا مال از ستایش زیباییهای اشعار فارسی و مقایسه آنها با عالیت‌ترین غزلیات و اشعار یونانی است. محتوای نامه‌ها می‌نمایاند که آنان به خوبی به عمق لطافت و ظرافت تعابیر شاعرانه در اشعار حافظ پی برده بودند و برای امر خطیری چون ترجمه غزل‌های حافظ با یکدیگر مشورت می‌کردند و حتی یکی مشوق دیگری بود. عشقی که این دو به حافظ داشتند در نامه‌ی جونز که به سال ۱۷۶۸م. برای کنت رویج ارسال داشته، آشکار است. در این نامه، جونز پس از اظهار قدردانی از کنت رویج که مجال پاسخ دادن به وی را یافته بود، می‌نویسد:

«حافظِ محبوبِ ما، واقعاً سزاوار مائده بهشتی است و من همه روزه در میان شعرهای وی از دیدن ظرائف و زیباییهای نو، خوشوقتیم فزونی می‌یابد. اشکال مهمّ در ترجمه و انتشار این غزل‌هایی که شما در دست گرفته اید، آراستن آنها به فنون شاعرانه است؛ اما کار، آسانتر از آن است که می‌پندارید. زیرا در صدد ترجمه غزل‌هایی بر نخواهید آمد که مملو از اصطلاحات نامأنوس، استعارات پیچیده و پر آب و ابیات بی ربط باشد و این خود تا اندازه‌ای از بار طاقت فرسایی که بر دوش گرفته اید می‌کاهد.»

چند سال بعد که آگاهی و تسلط جونز به زبان و اصطلاحات فارسی قوت گرفت، او کتاب دستور زبان فارسی را در لندن انتشار داد. این کتاب که راهنمای چندین نسل از انگلیسیان برای فراگرفتن زبان فارسی گردید، علاوه بر قواعد دستوری، واژه‌نامه‌ای بسیار دقیق مشتمل بر ترجمه فصیحی از یک غزل حافظ و مقدمه‌ی شیوایی را که در حد خود بی نظیر است، در بر دارد. جونز در مقدمه خود بر این کتاب کوشیده است تا خوانندگان را به اهمیت گنجینه سرشار ادبیات فارسی واقف سازد، چکیده مطالب جونز بدین

شرح است:

«فارسی، زبانی است توانمند و لطیف و با غنای ویژه خود درگستره فرهنگ جهان. برای بیان معانی تازه و تعبیرات نو از بسیاری از زبانهای عالم آمادگی بیشتری دارد، و بدین روی این زبان توانسته چندین صد سال در بخش بزرگی از قاره آسیا به عنوان زبان رسمی و زبان نوشتار و گفتار به کار گرفته آید و گروهی از حکیمان، عارفان، عالمان، مورخان، شاعران و نویسندگان اندیشه های عالی و تخیلات ظریف و فرضیه ها و فلسفه های حکمت آموز خود را در قالب زبان فارسی در جلوه آورند و احساسات رقیق خود را به ظهور رسانند.»^(۱)

جونز که مطالعه گلستان سعدی را برای درک لطایف و زیباییهای زبان فارسی لازم می شمرد، بعدها با انتشار شش رساله در باره شعر و ادب آسیایی نخستین گام را در شناخت و معرفی زبان و فرهنگ این منطقه از جهان برداشت. بدیهی است که غنی ترین و عمیق ترین این رسالات به زبان و ادب فارسی اختصاص داشت. این رساله نمایانگر مهارت و تسلط جونز به زبان فارسی و ادب و هنر ایرانی بود. پس از آن، جونز گزیده ای از شاهنامه فردوسی را نیز به زبان انگلیسی سامان داد. ابیات انتخابی و نحوه تدوین مطالب از ذوق سرشار وی حکایت می کند، شاید این ترجمه نخستین ترجمه شاهنامه به زبان انگلیسی باشد.

تأسیس انجمن آسیایی بنگال (۱۷۸۴م.) از دیگر اقدامات جونز بود، وی از طریق این انجمن نیز به ترویج و اشاعه ادب فارسی همت گماشت. او و

گروهی از دوستداران زبان و ادب فارسی، ابتدا در کلکته و سپس در بمبئی به چاپ کتابهای فارسی و دیوانهای شاعران مشهور ایرانی دست یازیدند. چنانکه برای نخستین بار در سال ۱۷۹۱م. دیوان حافظ و سپس کلیات سعدی را در چاپخانه کمپانی هند شرقی به زیور طبع آراستند.

از دیگر آثاری که با کوشش جونز انتشار یافت، می توان از لیلی و مجنون نظامی گنجوی (در سال ۱۷۸۸م. در کلکته)، ترجمه عصمت بخارایی، خمسه نظامی، هاتف و مقایسه مقام مولوی با شکسپیر نام برد.

جونز در میان شاعران ایران، برای نظامی اهمیت ویژه‌ای قائل بود. وی در این باره می نویسد:

«هر چند نظامی در روانی سخن از فردوسی، در تنوع مطالب و زنده دلی از مولوی، در لطافت کلام و سادگی از سعدی پیشی نمی جوید، اما در تخیل شاعرانه و کنایات و استعارات زیبا از همه شاعران ایران برتر است.»^(۱)

در اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم، پدیده‌ای در انگلستان چهره بست که بعدها در رواج و گسترش زبان و ادب فارسی مؤثر بوده است. این پدیده، ورود دانشجویان ایرانی به انگلیس است.

■ اولین دانشجویان ایرانی در لندن

نخستین کاروان ایرانی که برای کسب معرفت و تحصیل علوم جدید اروپا به آن دیار رفت مرکب از دو نفر بود. یکی محمد کاظم پسر نقاشباشی

عباس میرزا و دیگری میرزا حاجی بابا افشار، پسر یکی از صاحب منصبان ایرانی.

حاجی بابا برای فراگیری طب و دارو سازی و محمد کاظم برای آشنایی با روشهای نوین نقاشی به همراهی سفیر بریتانیا در ذی الحجه سال ۱۲۲۳ از تهران عزیمت کردند. اسناد موجود نشان می‌دهد که محمد کاظم استعداد فراوانی در کار نشان داد و مورد توجه سرپرست خود قرار گرفت. ولی در مورد حاجی بابا، سرپرست وی اظهار نظر کرد که قبل از هر چیز باید زبان انگلیسی را فراگیرد و بعد به تحصیل طب پردازد. در این باره نامه‌ای از سرگرد سوترلند سرپرست آنان در دست است که وی درباره این دو نوشته است:

«جای تأسف است که این دو جوان نوشتن و خواندن فارسی را نمی‌دانند و این مسأله موجب می‌شود که انگلیسی را هم به سختی یاد گیرند.»

به نظر می‌آید اظهار عقیده این سرگرد انگلیسی مغرضانه باشد. زیرا نمی‌توان باور کرد به با آن همه دقت عباس میرزا و میرزا بزرگ و علاقه آنان به این که جوانان ایرانی برای وطن خود علوم و فنون جدید به ارمغان برند، دو نفر را انتخاب کرده باشند که حتی سواد نوشتن و خواندن فارسی را نداشته باشند. مؤید این مطلب آن که همین سرگرد سوترلند در پایان نامه خود می‌نویسد:

«هر دو جوان تا به حال در تحصیلات خود ترقی کرده‌اند و از تعلیماتی که یک معلم باید در این مورد بدهد به حداکثر استفاده کرده‌اند.»

سرهارد فورד جونز این دو جوان را به مؤسسه کوک سپرد. صورت حسابهایی که مؤسسه مزبور در مورد مخارج آن دو جوان تنظیم کرده بود، باقی است و می‌رساند که بدبختانه انگلیسیها در نگهداشت این دو جوان، امین و صدیق و راست و درست نبوده‌اند.

متأسفانه محمد کاظم پس از هجده ماه اقامت در لندن در سال ۱۸۱۳/۱۲۲۸ به علت بیماری سل جان سپرد. نامه‌ای در بایگانی وزارت خارجه انگلیس به خط حاجی بابا و به زبان انگلیسی موجود است که در آن حاجی بابا لزوم تهیه سنگ قبر برای مزار دوست ناکامش را بر طبق قرارداد معهود یادآور می‌شود. بعلاوه خود کتیبه‌ای برای سنگ مزار پیشنهاد کرده است. این قبر هنوز در محله پانکراس لندن باقی است.

پس از رسیدن خبر فوت محمد کاظم، نایب السلطنه عباس میرزا از جیمز موریه انگلیسی خواست تا حاجی بابا را به ایران برگرداند. ولی حاجی بابا در جواب نامه موریه می‌نویسد که تا پایان تحصیلاتش در لندن خواهد ماند. موریه نیز موضوع را به اطلاع عباس میرزا رسانید و او نیز با تمدید اقامت وی مخالفت نکرد. این حاجی بابای افشار همان کسی است که موریه ناجوانمرده اسم او را بر روی کتاب سراپافحش و ناسزای خود گذارده و به همین جهت حاجی بابا نسبت به وی نفرتی فراوان داشته است. حاجی بابا در غره شوال سال ۱۲۳۴ با چند محصل دیگر ایرانی به عزم مراجعت به وطن به کشتی نشست و در طی راه نیز به طبابت و پرستاری از همراهان خود که گرفتار بیماری دریا شده بودند، اشتغال داشت و سرانجام در سوم محرم ۱۲۳۵ به ایران رسید. حاجی بابا، از زمان ورود به تبریز در همین سال ۱۲۳۵، به خدمت عباس میرزا در آمد و به سمت معاونت دکتر کارمک انگلیسی، طبیب مخصوص ولیعهد، به کار مشغول شد و این شغل وی تا چند ماه قبل از مرگ عباس میرزا ادامه یافت. او در آن هنگام به دستور ولیعهد به تبریز آمده بود تا جزو هیأت سفارتی عازم روسیه شود که این سفر به مناسبت مرگ عباس میرزا صورت نگرفت. از آن پس حاجی بابا، با همین سمت در نزد محمد میرزا که سال بعد به عنوان محمد شاه بر تخت نشست باقی ماند.

■ دومین کاروان دانشجویان ایرانی در انگلستان

با این که مخارج محصلین دوره اول کم نبود، خصوصاً که انگلیسیها نادرستی هم کرده بودند، پس از چند سال، بار دیگر عباس میرزا کاروان دیگری به سوی مغرب زمین فرستاد. بدین معنی که وقتی کلنل دارسی، از افسران انگلیسی دستگاه نایب السلطنه عباس میرزا، قصد بازگشت به کشور خود را داشت، عباس میرزا پنج نفر از جوانان ایرانی را همراه وی کرد.

بد نیست بدانید که ایرانیان این افسر را به مناسبت درجه اش در نظام و به مناسبت لقبِ خانِ که عباس میرزا به وی داده بود، قولونل خان می خواندند. روز جمعه دهم جمادی الاخر سال ۱۲۳۵ قولونل خان با پنج نفر از جوانان ایرانی از تبریز به سوی انگلستان روانه شد، اسامی این پنج نفر از این قرار است: ۱. میرزا سنید جعفر، پسر میرزا تقی وزیر تبریز، برای تحصیل در رشته مهندسی. این مرد همان است که بعدها مهندس باشی و مشیرالدوله لقب یافت و در زمان ناصرالدین شاه و محمد شاه به مقامات مهمی رسید و رساله سرحدیه را در تنظیم و تعیین سرحدات ایران نوشت.

۲. میرزا صالح شیرازی کازرونی، پسر حاجی باقر خان، برای تحصیل در رشته زبانهای خارجی و حکمت طبیعی و تاریخ. او کسی است که نخستین روزنامه را در تهران دایر کرد. وی سفرنامه ای دارد که کمال دقت نظر و علاقه او را در جستجوی مسائل جدید می رساند، وی منشی لیندسی افسر انگلیسی بود.

۳. میرزا محمد جعفر برای آموختن علم طب و شیمی.

۴. میرزا رضا سلطان توپخانه، برای تکمیل توپخانه.

۵. استاد محمد علی چخماق ساز، شاگرد جبه خانه تبریز، برای فراگرفتن آهنگری و کلید سازی و چخماق سازی.

این پنج نفر از روزی که وارد انگلستان شدند به علت طمع ورزی کلنل داری و غرض ورزی جیمز موریه دچار مشکلات فراوان گردیدند. قولونل خان می خواست برای سرپرستی آنان، هم از انگلستان پول بگیرد هم از ایران. موریه هم چشم دیدن هیچ ایرانی رانداشت و بالطبع مایل نبود که ایرانیان با علوم جدید آشنا شوند. ولی هر پنج نفر با کوششی فراوان و تحمل سختیها، به راهنمایی حاجی بابا افشار، به خوبی درس خواندند و در سال ۱۲۳۵ به تبریز بازگشتند و هر یک در رشته تحصیلی خود به خدمت مشغول شدند.

میرزا سید جعفر، مهندس باشی شد. میرزا صالح، مترجم و استاد محمد علی در کارخانه و میرزا رضا در نظام. عبدالرزاق بیک دنبلی در کتاب مآثر السلطانیه، این نوآوریهای عباس میرزا را دقیقاً ذکر کرده است.^(۱)

۱- عبدالحسین نوایی: تاریخ روابط فرهنگی ایران، ص ۵-۱۳۲.

فصل دوم

گسترش زبان و ادب فارسی در بین ایران شناسان انگلیسی

■ ایران شناسان انگلیسی در قرن نوزدهم

□ ویلیام اوزلی ۱۸۴۲-۱۷۶۷

ویلیام اوزلی پس از آشنایی با آثار شاعران ایرانی دلبستگی خاصی به زبان و ادب فارسی پیدا کرد و شوق وافری برای فراگیری زبان و ادبیات فارسی در وجودش روئید، سالی بر نیامد که محل اقامت خود را ترک گفت و در سال ۱۷۸۸م. به ارتش انگلستان پیوست. بر خورد او با دوک آف یورک، سردار سپاهیان انگلیس، چنان در وی مؤثر آمد که به دستور او در لیدن، حوزه علمی هلند و یکی از مراکز مهم تدریس ادبیات خاورمیانه در اروپا، به پژوهش در زبان و ادبیات فارسی همت بر میان بست.

هنوز یکسال از اقامت او در لیدن نگذشته بود که نخستین اثر ادبی خود را به نام «مجموعه‌ای از نوشته‌های فارسی» انتشار داد و کتاب را به مارکوس اف هستینگز اهدا کرد. این کتاب که می‌توانست نخستین راهنمای خط و خطاطان ایران در انگلستان باشد؛ علاقه‌مندان به زبان و خط فارسی را با نمونه‌هایی از خط نسخ، نستعلیق و شکسته آشنا کرد و نمونه‌های گوناگونی از هنر خوشنویسان ایرانی را در دسترس همگان نهاد.

علاوه بر آن، او زلی کوشید تا دشواری خط فارسی را از میان بردارد و مسائل و غموض ناشناخته زبان و ادبیات فارسی را هموارگرداند و آن را درخور فهم همگان سازد.

آشنایی او زلی با زبان و ادب فارسی ایران آتش شوق دیدار از ایران را چنان در وی برافروخت که در نامه‌ای که به لرد چی چستر در ششم ماه دسامبر سال ۱۸۰۱ م. نوشت، بزرگترین آرزوی خود را دیدار از ایران یاد کرد. وی در این نامه از چی چستر درخواست کرد تا شرایط مسافرت به ایران را برای او مهیاگرداند، لیکن کوشش لرد چی چستر مؤثر نیافتاد، تا آنکه برادر کوچکترش سرگور او زلی که از سیاستمداران و خاورشناسان نامبردار انگلیس بود، باتنی چند، از جمله داری تاد به عنوان دبیر سفارت رهسپار ایران گردید.

از آنجا که مأموریت آنان، مأموریتی سیاسی و تحمیل عهدنامه گلستان بر ایران در سال ۱۲۲۷ هجری/ ۱۸۱۲ میلادی بود، ویلیام روزبه روز در فراگرفتن زبان فارسی کوشا تر شد، و سعی داشت تا پیش نویس معاهده را به امضای عباس میرزا، پسر فتحعلیشاه قاجار، برساند و آن را با خود به لندن برگرداند.

نکته اینجاست که ویلیام او زلی پیش از آمدن به ایران در سال ۱۲۲۵ هـ.ق/ ۱۸۱۰ م بیش از سه ماه همه روزه به خانه میرزا ابوالحسن خان، سفیر فتحعلیشاه در لندن آمد و شد داشت و سعی می‌کرد تا از وی و دبیران سفارت،

فارسی را به نیکی بیاموزد. مراودات او با ایرانیان پس از بازگشت از سفارت ایران نیز همچنان ادامه یافت تا آنکه وی در زبان و ادب فارسی استادی ورزیده شد و در ادب و تاریخ و جغرافیای ایران بینش کامل پیدا کرد.

اوزلی هنگام مسافرت در ایران به هر جا که می رسید پیشینه تاریخی آن مکان را به قلم می آورد و بارها از نوشته های موزخان و جغرافی دانان یونانی و رومی مانند *هروودوت*، *استرابون* و محققان ایرانی و عرب مانند *ابن حوقل*، *زکریای رازی*، *حمدالله مستوفی* و *امین احمد رازی* شواهدی گویا و ارزنده در نوشته های خود به دست می داد.

ویلیام اوزلی نتیجه دیدار خود از ایران را در سفرنامه ای سه جلدی به رشته نگارش کشید که از ژرف بینی او در تاریخ و جغرافیای ایران حکایت می کند و نیز نمایانگر دانش وسیع او در واژه شناسی، باستان شناسی، گیاه شناسی و مردم شناسی است. دقت و وسواسی که وی در بیان ریزه کاریهای آداب دینی و باورداشتهای زرتشتیان ایران به ظهور رسانیده، در علاقه مند کردن انگلیسی زبانان به دانستن غرائب احوال خاور زمینیان نقشی شایان ذکر داشته است.

پس از **ویلیام جونز**، **اوزلی** نخستین انگلیسی ای است که جمله ها و اشعار فارسی را در نوشته های خود به عنوان شاهد مثال نقل می کند. **اوزلی** پس از سفر به ایران فهرستی از کتابهای خطی فارسی تهیه کرد و در سال ۱۸۳۱م در لندن به چاپ رسانید. **اوزلی** پیش از سفر به ایران، دو کتاب به نامهای «مجموعه ای از داستانها و برگزیده ای از اشعار شعرای عرب و ترک و فارسی زبان» و «خلاصه تاریخ ایران» بود، منتشر ساخت. **اوزلی** همچنین مطالب جهان آرای غفاری را به نثر فصیح انگلیسی در آورد و کتاب *مسالک و ممالک* را که شامل اطلاعات جغرافیایی بود، ترجمه کرد. وی به ترجمه *بختیار نامه* نیز همت

گماشت. (۱)

□ سرجان ملکم ۱۸۳۳-۱۷۶۹م.

جان ملکم در سال ۱۷۶۹ م. در خانواده‌ای اسکاتلندی بدنیا آمد، وی خواندن و نوشتن را در خانه فراگرفت و در ۱۲ سالگی مدرسه را ترک کرد و به استخدام کمپانی هند شرقی در آمد و در سال ۱۷۸۲م. به سوی هندوستان حرکت کرد. سرجان در ۱۴ سالگی به خدمت ارتش انگلیس در آمد و به رموز دیپلماتیک و نظامی آشنا شد.

ملکم در سال ۱۷۹۱م. به دفاع از ادبیات شرق می‌پرداخت و در محافل علمی؛ تدریس فارسی و فارسی آموزی را تشویق می‌کرد و خود نیز به فراگیری زبان فارسی علاقه وافر نشان می‌داد، تا جائیکه به عنوان مترجم برگزیده شد و به مقامهای بالای سیاسی دست یافت. ملکم در سال ۱۷۹۹م. عازم ایران شد و به حضور فتحعلیشاه بار یافت و توانست در اثر فعالیت های خود اثرات سیاسی فراوانی در روابط ایران و انگلستان بر جای گذارد.

او به سال ۱۸۱۲م. دست به تألیف کتاب تاریخ ایران زد و به گردآوری نسخه های دست نبشته در ایران پرداخت و آنها را با خود به انگلستان برد. چندین نسخه قدیمی مانند؛ شاهنامه فردوسی، تاریخ طبری، مسالک و ممالک، حبیب السیر، تاریخ ظفر نامه، احسن التواریخ، تاریخ رشیدی و تاریخ نادری که به دست او به انگلیس برده شد، هم اکنون در موزه بریتانیا موجود است. از کارهای حائز اهمیت سرجان ملکم یافتن هویت واقعی افراد شاهنامه

و مقایسه آن با *آدیسه هومر* است. از دیگر آثار وی می توان خلاصه ای از *خاطرات ایران* را نام برد که در سال ۱۸۲۷ م. در دو جلد منتشر گردید.^(۱)

□ ادوارد فیتز جرالده ۱۸۸۳-۱۸۰۹ م.

آشنایی *جرالد* با زبان و ادبیات فارسی به تشویق دوستش *پرفسور کاول* صورت گرفت. *کاول* که خود شیفته آثار سخن سرایان ایران بود و از قریحه ذوقی *جرالد* آگاهی داشت، او را به سوی ادبیات ایران رهنمون ساخت. از خلال نامه‌هایی که بین این دو دوست رد و بدل شده، چنین بر می آید که فیتز با همه علاقه‌ای که به اشعار *مولوی* و *نظامی* داشته هرگز به خود جرأت ترجمه مثنوی و غزل‌های *شمس تبریزی* را نداده است.

وی داستانهای *عطار* را لطیف و شیوه نظم و سبک نگارشش را دلپذیر یافته بود. *جرالد* در سال ۱۸۵۶ م. به ترجمه *سلامان و آبسال اثر عبدالرحمن بن احمد جامی* همت گماشت و آن را در سال ۱۸۷۱ م. منتشر ساخت و بعد خلاصه ای از داستان *منطق الطیر عطار* را نیز به نظم کشید، سپس به رباعیات *خیام* روی آورد و پنج رباعی او را ترجمه کرد. اهمیت اقدامات *جرالد* وقتی معلوم می‌گردد که بدانیم در این دوره، اینگونه اشعار و طرز تفکر، کفر به حساب می‌آمد. بنابراین، چاپ کتاب وی زیاد مورد استقبال واقع نشد، این عدم موفقیت او را مأیوس نکرد و او از پای نشست و این بار بیست و شش رباعی دیگر را نیز ترجمه کرد و به چاپ رسانید.

فیتز جرالده برای نخستین بار *خیام* شاعر ایرانی را به مردم انگلیس

شناسانید. ترجمه رباعیات خیام باعث محبوبیت و شهرت خیام در انگلیس شد و ناشر آن در صدد چاپ‌های بعدی این کتاب برآمد. علاقه و گرایش جرالد به خیام باعث رونق و رشد ادب فارسی در انگلیس گردید. این نیز گفتنی است که در آن دوره این کتاب به صورت یکی از پرفروش‌ترین آثار ادبی انگلیس در آمد.

تشکیل باشگاه خیام، که هنوز هم بشکل محفل ادبی دایر است، از دیگر کارهای فیتز جرالد است. وی معتقد بود تشکیل مرکزی برای گرد آمدن شاعران جوان و بررسی فلسفه خیام و ادبیات فارسی لازم است^(۱).

□ متیو آرنولد ۱۸۸۸-۱۸۲۲

آرنولد از سالهای ۱۸۴۱ تا ۱۸۴۴ در بالیول کالج آکسفورد درس خواند و به دریافت دو جایزه از آن دانشگاه نایل آمد و در سال ۱۸۴۰ پس از انتشار نخستین شعر خود جایزه‌ای دریافت کرد.

آرنولد در سال ۱۸۴۵ به عضویت هیأت علمی دانشکده اوریل برگزیده شد. و در سال ۱۸۸۶ بازنشسته گردید.

آرنولد که به اشعار حماسی پارسی عشق می‌ورزید، با آشنایی با ترجمه خلاصه‌ای از شاهنامه که در ۱۸۱۰ به چاپ رسیده بود، چنان شوری در دلش افتاد که انگیزه اصلی او در ساختن منظومه سهراب و رستم گردید. او این داستان را با چنان سوز و گدازهای قهرمانانه در قالب نظم انگلیسی ریخت که اکنون منظومه سهراب و رستم آرنولد مانند غزل‌های شکسپیر و چکامه‌های ویلیام

۱- فرهنگ خاورشناسان (تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۲) ص ۹۱.

وردورث، شلی و بایرون از آثار درخشان و جاودانی زبان انگلیسی است. آرنولد مقاله‌ای نیز در باب تعزیه خوانی نوشت که در ۱۸۷۱ در ایران منتشر شد. مبنای این مقاله، کتاب «ادیان و آراء فلسفی در آسیای مرکزی»، اثر کنت دوگوبینو بود. وی در این مقاله بنای تکایا و شیوه تعزیه خوانی را با دقت خاصی توصیف کرده است.^(۱)

□ ادوین آرنولد ۱۸۳۲-۱۹۰۴

آرنولد که در ۱۰ ژوئن ۱۸۳۲ به دنیا آمد، تحصیلات مقدماتی خود را در لینگز کالج لندن و یونیورسیتی کالج آکسفورد به اتمام رساند. وی در سال ۱۸۵۲ به خاطر شعر ضیافت بلشعتر برنده جایزه دانشگاهی نیودیکیت شد. پس از آن، در ۱۸۵۴ از آکسفورد دوره لیسانس و در ۱۸۵۶ از آکسفورد دوره فوق لیسانس را پشت سر گذاشت.

مدتی در بیرمنگام در مدرسه کینگ ادوارد به تدریس پرداخت و سپس به هند سفر کرد. در هند از سالهای ۱۸۵۶ تا ۱۸۶۱ رئیس دانشکده دولتی دکن کالج پونا بود. آرنولد در ۱۸۶۱ از هند به انگلیس مراجعت کرد و به عضویت هیأت تحریریه روزنامه دیلی تلگراف لندن در آمد و در ۱۸۷۳ سر دبیر آن روزنامه شد.

برخی از آثار او:

۱. با سعدی در بوستان یا کتاب عشق (سومین باب از بوستان سعدی)

۱۸۸۸

۲. شرق و غرب

۳. گلستان سعدی (ترجمه چهار باب اول به نظم و نثر)^(۱)

□ نی. اچ. وینفیلد

یکسال پس از مرگ فیتز جرالد شاعری خاور شناس به نام نی. اچ. وینفیلد که از کارگزاران حکومت بنگال بود، دومین ترجمه انگلیسی رباعیات خیّام را منتشر ساخت (۱۸۸۴). وینفیلد که از آغاز جوانی با زبان و ادبیات فارسی آشنایی داشت، کار ترجمه را با برگردانیدن برخی از ابیات مثنوی مولوی، لواط جامی، گلشن راز شیخ محمود شبستری شروع کرد و چون از میزان عشق و علاقه مردم انگلیس به رباعیات خیّام آگاهی یافت، مصمم گردید ترجمه‌ای دقیق تر و فصیح تر از ترجمه فیتز جرالد در دسترس علاقمندان بگذارد. مهمترین کار وینفیلد انتخاب رباعیاتی بود که منتقدان از آن خیّام دانسته بودند. در خلال ده سال فاصله بین انتشار چاپ اول و دوم، نسخه‌های دست نبشته فراوانی پیدا شده بود که وینفیلد پس از بررسی نسخه‌های قدیم و جدید ۲۶۷ رباعی را برگزید و یک یک آنها را به روشنی ترجمه کرد. او در روش خود رباعی‌هایی را که می‌پنداشت از نظر وزن معادل اصلی فارسی است، انتخاب می‌کرد. با این همه، او نتوانست خود را به موفقیتی که جرالد دست یافته بود برساند.

اینک که سخن از خیّام و ترجمه رباعیات اوست باید به ریچارد گوه‌لی
 ین نیز اشاره‌ای بکنیم.

در این باره باید گفت که چهارده سال پس از درگذشت فیتز جرالد یکی

دیگر از سخن سرایان چیره دست انگلیسی بنام ریچارد گوه لی ین دست به ترجمه رباعیات خیام و غزلهای حافظ زد که به سبب عدم تسلط به فارسی نتوانست موفقیتی کسب کند.^(۱)

▣ سرهنری رالینسون ۱۸۹۵-۱۸۱۰ م.

رالینسون پس از تکمیل تحصیلات مقدماتی به دبیرستان نظام فرستاده شد و هنوز هفده سال نداشت که به خدمت کمپانی هند شرقی در آمد و عازم بمبئی شد. بین راه با ژنرال سرجان ملکم آشنا شد و ملکم او را به فراگیری زبان فارسی تشویق کرد. او پس از پنج سال چنان بر زبان و ادبیات فارسی تسلط یافت که وی را مترجمی زیر دست و ایرانشناسی بزرگ می شمردند. زبان دانی و آشنایی رالینسون به رموز نظامی او را شایسته خدمت در ارتش ایران گردانید، بطوریکه به همراه هیئتی از افسران انگلیسی، برای آموزش سربازان ایرانی راهی این کشور شد. در توقف کوتاهی که افسران در شیراز داشتند، او با سنگ نبشته های تخت جمشید آشنا شد.

رالینسون در سال ۱۸۸۳ م. در قصر گلستان به حضور فتحعلیشاه رسید. شانزده ماه بعد فتحعلیشاه در گذشت و جانشین او محمد شاه تاج بر سر نهاد. رالینسون به عنوان رایزن نظامی از طرف شاه ایران عازم کرمان شد و در مدت اقامت ۳ ساله اش در ایران به رموز پیچیده خطوط سنگ نبشته های طاق بستان و کوه بیستون دست پیدا کرد؛ وی همچنین به راز خط میخی پی برد و سنگ نبشته های کوه بیستون را که به خط میخی بود، ترجمه کرد و تمام

۱- طاهری: سیر فرهنگ ایران در بریتانیا، ص ۱۱۰-۳.

نوشته‌های او در دو جلد به عنوان ضمیمه مجله انجمن سلطنتی آسیایی لندن در سال ۱۸۵۰ و ۱۸۵۳ م. به چاپ رسید.

او دو سال بعد مجدداً عازم ایران شد و مسیر دیگری را در پیش گرفت و سفرنامه‌ای تنظیم کرد و به سال ۱۸۴۰ م. آن را در نخستین شماره مجله انجمن سلطنتی جغرافیایی لندن به چاپ رسانید.

والیسنون نیز در دو نوبتی که ناصرالدین شاه به انگلیس آمده بود (۱۸۸۹ و ۱۸۷۳) عنوان مهماندار رسمی و مترجم وی را عهده دار بود.^(۱)

□ هرمن بیکنل ۱۸۷۵-۱۸۳۰

این شرقشناس صاحب‌نظر در دوم آوریل ۱۸۳۰ در انگلستان متولد شد و پس از فراغت از تحصیل موفق به دریافت دانشنامه پزشکی از کالج جراحان شد. او دوره پزشکی را طی کرد و سپس به ارتش پیوست. پس از چندی، از ارتش استعفا داد و بقیه عمر را به سیاحت و مطالعه گذراند، به طوریکه تمام جهان را زیر پا گذاشت. وی علاقه وافری به حافظ و اشعارش نشان می‌داد. این علاقه به آن حد شدت داشت که اشعار برگزیده حافظ را به انگلیسی ترجمه کرد و به سال ۱۸۷۵ در لندن به چاپ رسانید. دفتر حیات این انگلیسی‌فارسی دان به سال ۱۸۷۵ بسته شد.^(۲)

۱- همان، ص ۱۳۳-۱۲۲.

۲- حسینعلی ملاح، «هرمان بیکنل»، هنر و مردم، سال ۱۳۵۶، ش ۱۸۲، ص ۲.

■ ایران شناسان انگلیسی در قرن بیستم

□ ادوارد براون ۱۸۶۲-۱۹۲۶ م.

ادوارد براون در کمبریج به تحصیل در رشته طب پرداخت و به آموختن زبان ترکی علاقمند شد. وی سپس به آموزش زبان عربی رو نمود و یک سال بعد، به فراگرفتن فارسی و خواندن گلستان روی آورد و پس از آن به فراگرفتن زبان هندی پرداخت.

براون هنگامی که در تابستان ۱۸۸۴ به استانبول رفت با زبانهای ترکی، عربی، فارسی و هندی آشنا بود و از این زبانها برای رفع نیازهای خود استفاده می‌کرد.

ظاهراً سفر به ترکیه، ادوارد براون را به تکمیل تحصیلات فارسی‌اش تشویق کرد و سفر به استانبول در وی انگیزه سفر به ایران و دیدار از شیراز را برانگیخت. در سفر به ایران، وی احاطه به زبان فارسی را ضروری دانست. در این دوره از عمر براون، فراگیری زبان خارجی تنها هدف او بود. غرض وی در این مرحله، آن بود که با افکار، عادات و آداب و سنن ملتی که به زبان آنها علاقه داشت، آشنا گردد. همین که براون به ایران آمد و با ایرانیان به حشر و نشر پرداخت، به آنان علاقه مند گشت و به طور گسترده به آموختن زبان فارسی همت گماشت و تا جایی آموزش را ادامه داد که به فارسی می‌اندیشید و می‌نوشت.

پس از بازگشت به کمبریج، براون با شور و علاقه زیاده‌تری تحصیل زبان فارسی را دنبال کرد. این بار با پیرمرد دانشمندی بنام «میرزا محمد باقر بواناتی» مشهور به «ابراهیم جان معطر» آشنا گردید. ادوارد برخورد با چنین معلم جهان

دیده‌ای را مغتنم شمرد و نزد وی به آموختن رموز دیوان حافظ مشغول گشت. ولی *بواناتی* به این شرط معلمی ادوارد را پذیرفت که وی شنونده قابل‌ی برای عقاید و آراء او باشد و آن را به انگلیسی ترجمه کند.

براون در اکتبر ۱۸۸۷ م. سفری به ایران کرد، که یک سال به درازا کشید. او در خلال این سفر به تمام اطراف و اکناف ایران مسافرت کرد و با تمام طبقات ایران آشنا گشت و بهتر از هر اروپایی دیگر به طرز فکر، ویژگی‌های اخلاقی، آداب و سنن ایرانیان آگاهی یافت. مسلماً تا آن زمان هیچ ایرانی هرگز ندیده بود که یک جوان بیست و پنج ساله اروپایی بتواند زبان فارسی را با روانی و بدون لکنت و تأمل صحبت کند و در هر جمله اش به شعر یا ضرب المثل و آیه ای از قرآن استشهاد کند.

ره آورد سفر براون به ایران کتاب یک سال در میان ایرانیان بود که نخستین بار در سال ۱۸۹۳ م. منتشر گردید، این کتاب سند زنده و دقیق اوضاع ایران در آغاز سده چهاردهم هجری است. براون در سفر خود به ایران بیشتر شهرهای مهم مانند؛ تبریز، تهران، شیراز، اصفهان، یزد و کرمان را دیده است و درباره هر یک از این شهرها در سفرنامه خود مشاهداتش را آورده است.

براون هنگام بازگشت از ایران، به سمت دانشیار زبان فارسی در دانشگاه کمبریج انتخاب گردید و چون در آن زمان دانشجویان علاقمند به زبان فارسی زیاد نبودند، بیشتر اوقات براون صرف تدوین مآخذ و یادداشت‌هایی گردید که وی ضمن سفر به ایران گرد آورده بود.

پژوهشهای ادوارد براون شامل دو بخش بود: یکی مقالاتی که *مجله انجمن سلطنتی آسیای منتشر می‌کرد* و دیگری گردآوری بزرگترین مجموعه کتابهای خطی درباره بهائیان و شیخیه در کمبریج.

در سال ۱۸۹۵، یعنی درست دو سال پس از انتشار کتاب یک سال در

میان ایرانیان، *براون* به نگارش *تاریخ ادبیات ایران* مشغول شد. تدوین این کتاب پنج سال به درازا کشید و سرانجام جلد اول آن در سال ۱۹۰۲م. انتشار یافت. در این کتاب، *براون* پیشینه تاریخ ادبی ایران، از کهن ترین دوره ها تا آغاز هجوم مغول را مورد بررسی قرار داده است. وی سپس به تصحیح و نوشتن حاشیه بر تذکره دولتشاه سمرقندی، لباب الباب عوفی و تذکره الاولیای عطار پرداخت و پس از چهار سال، جلد دوم و جلد سوم و چهارم آن را به سالهای ۱۹۰۶ و ۱۹۲۴ و ۱۹۲۶م. به چاپ رسانید. کتاب تاریخ ادبیات ایران نزدیک به دو هزار و سیصد صفحه است. دو کتاب مهم دیگر *براون*، *انقلاب ایران* و *جراید و اشعار ایران جدید*، بر نسخه خطی نوشته میرزا محمد علی خان تربیت در تبریز مبتنی است. این کتاب در سال ۱۹۱۴ به چاپ رسید. از دیگر آثار *براون* می توان به مقالاتی تحقیقی و سیاسی، بیست و دو رساله در موضوعات مختلف، کتاب طب اسلامی، تاریخ سفالگری عثمانی، ترجمه چهار مقاله نظامی عروضی که در سال ۱۹۰۰ به چاپ رسید، خلاصه تاریخ طبرستان اثر محمد بن حسن اسفندیار و گلچینی از اشعار فارسی به همراه مقدمه و توضیحات با عنوان *گلچین ادب فارسی* که در ۱۹۲۱ انتشار داد، اشاره کرد.

هنگامی که انقلاب مشروطیت آغاز شد، *براون* به یک مبارز آتشین مزاج تبدیل شد به طوری که در طول ۸ سال انقلاب، از نمایندگان دو حزب سیاسی انگلیس کمیته مشترکی بنام *کمیته ایران* تشکیل داد و مقالات آتشی در روزنامه ها به چاپ رسانید و دو کتاب تحت عنوانهای «*خلاصه ای از رویدادهای اخیر ایران*» و «*تاریخ انقلاب ایران*» را انتشار داد.

ادوارد براون که صاحب سومین کرسی قدیمی دانشگاه کمبریج یعنی استادی زبان عربی بود به زبانهای فارسی، عربی و ترکی می نوشت، می خواند و تکلم می کرد. فرانسه و آلمانی را نیز خوب می دانست، اما نه به خوبی و روانی

فارسی، عربی و ترکی.

او علاوه بر استادی کرسی عربی و تدریس ادبیات فارسی تا زمان حیاتش، رییس و راهنمای *انجمن اوقاف گیب* بود. *اوقاف گیب* را خانواده وی به یاد جوان از دست رفته *شان ای. جی. و. گیب* که به زبان و فرهنگ ترکی، عربی و فارسی علاقه فراوان داشت، بنیاد نهاده بودند تا از عواید آن مخارج تصحیح، ترجمه و چاپ کتابهای مهم ادبی و فرهنگی ترکی، فارسی و عربی تأمین شود. حاصل آنکه، *براون* پس از سالها تلاش در راه شناساندن ایران و ادبیات فارسی به انگلیسیها سرانجام در سال ۱۹۲۶ دیده از جهان فرو بست.^(۱)

□ جورج ناتانیل کرزن ۱۹۲۵-۱۸۵۹ م.

جورج کرزن در سن بیست و هشت سالگی سفرهای خود را آغاز کرد و در عرض هشت سال کشورهای: کانادا، آمریکا، ژاپن، چین، سیلان (سری لانکا)، هندوستان، روسیه، ترکستان، ایران و افغانستان را زیر پانهاد و در طول سفر از دیده‌ها و تجربیات خود مقالاتی را در روزنامه تایمز لندن بچاپ رسانید. وی همچنین کتاب ایران و مسئله ایران را در خلال سالهای ۱۸۸۹ و ۱۸۹۰ تألیف کرد.^(۲)

۱- همان، ص ۱۵۶-۱۳۶. و برای آگاهی بیشتر بنگرید به:

احمد جلالی، *کرسی‌های زبان و فرهنگ ایران در دانشگاههای انگلستان*، نامه فرهنگ، سال اول، ش اول، ص ۷۱-۶۹.

۲- طاهری: *سیر فرهنگ ایران در بریتانیا*، ص ۸-۱۶۱.

□ توماس واکر آرنولد ۱۹۳۰-۱۸۶۴ م.

از آنجا که در نیمه دوم سده نوزدهم و اوائل قرن بیستم جوانان تحصیل کرده انگلیسی همچنان برای نیل به مقامهای بلند و کسب شهرت متوجه هندوستان می شدند، آرنولد نیز در ۲۳ سالگی رنج این سفر را بر خود هموار ساخت و در آنجا به عنوان استاد به تدریس سرگرم شد. آرنولد در سال ۱۸۹۸ تدریس فلسفه در دانشکده زبانهای شرقی لاهور را به عهده گرفت و در این فاصله کتابی تحت عنوان *تعالیم اسلام* منتشر ساخت.

در سال ۱۹۰۴، او به طور تصادفی با نقاشی ایران آشنا شد و با دل و جان در پی آگاهی از نقاشی ایران روان گردید. نخستین گام او در راه شناساندن هنر مینیاتور ایران تألیف کتاب، *سبک مینیاتور در ایران*، به سال ۱۹۱۲ در لندن بود. وی همچنین آثاری در زمینه نقاشی ایران بوجود آورد. *علامه اقبال لاهوری* تحت تأثیر اندیشه و افکار آرنولد قرار گرفت و همین آرنولد بود که اقبال را به اروپا دعوت کرد و کتاب او را به انگلیسی ترجمه کرد^(۱).

□ سِرِ پرسی سایکس ۱۹۴۵-۱۸۶۷

در سال ۱۸۹۳ *سایکس* بیست و شش ساله نخستین سفرش را در ایران از کرانه های مازندران و کرمان آغاز کرد. او سپس در سال ۱۸۹۴ در سفر بعدی خود به منظور افتتاح کنسولگری انگلیس در کرمان و بلوچستان به ایران آمد. وی در مدت اقامت در ایران کتابی تحت عنوان، *ده هزار مایل سفر، یا داستان*

هشت سال اقامت در ایران، منتشر ساخت. ارتباط مستقیم سایکس با ایرانیان که نزدیک به پنجاه سال به درازا کشید، به سه دوره متمایز تقسیم می‌شود: دوره اول؛ سفرهایش در قسمت مشرق ایران، تأسیس کنسولگری بریتانیا در ناحیه بلوچستان و همکاری با سر توماس هولدیج در کمیسیون تعیین مرز ایران و بلوچستان.

دوره دوم؛ دوره ای که از ۱۹۰۶ آغاز می‌شود. در این دوره سایکس به عنوان ژنرال کنسول بریتانیا در خراسان انجام وظیفه می‌کرد. دوره سوم؛ بین سالهای ۱۹۲۰-۱۹۱۶ بود که سایکس به غائله شورشیان فارس پایان داد و ایران را ترک کرد.

از آثار او می‌توان به کتاب «تاریخ مفصل ایران» که جلد اول آن مشتمل بر پنجاه و نه فصل است، اشاره کرد. این کتاب با اوضاع جغرافیایی و شرایط اقلیمی فلات ایران آغاز می‌شود و به مذاهب و اخلاقیاتِ مادها، پارسها و لیدی و... می‌پردازد. جلد دوم آن مشتمل بر نود فصل است که از عهد اسلام تا دوران معاصر را در بر می‌گیرد. از دیگر آثار و نوشته‌های او می‌توان کتابهایی مانند؛ تاریخ مختصر ایران، تاریخچه کرمان، کشاورزی از خراسان، تاریخ افغانستان را نام برد.^(۱)

□ دنیسون راس ۱۸۷۱-۱۹۴۰

راس بنیانگذار دانشکده زبانهای شرقی و آفریقایی لندن بود که امروزه یکی از بزرگترین مراکز تعلیم و تدریس زبانهای مشرق زمین است. او از سال ۱۸۹۶ تا ۱۹۰۱ در دانشگاه لندن به تدریس زبان و ادبیات فارسی مشغول بود.

بیشتر کارهای مهم دنیسون دربارهٔ ایران به دوران سی و چهل سالگی او تعلق دارد. از آثار او رسالهٔ *آغاز دورهٔ زندگی شاه اسماعیل*، مقدمه‌ای بر کتاب *اشعاری از دیوان حافظ*، *قلب آسیا*، *دیوان اشعار ترکی و فارسی بایرام خان*، و مجموعه *اشعار ظهیرالدین محمد بابر* را می‌توان نام برد.

▣ خدمات نیکلسون به زبان و ادب فارسی

هرگونه بحث دربارهٔ زبان و ادب فارسی در انگلیس بدون اشاره به اقدامات و خدمات نیکلسون نارسا و ناقص خواهد بود. از این رو، اندکی درنگ می‌کنیم و به تلاشها و تکاپوهای علمی و ادبی او نظر می‌اندازیم. نیکلسون برای نخستین بار در کتابخانهٔ پدر بزرگش با کتابهای دست نبشته عربی و فارسی آشنا گردید. وی که عشق و علاقه به فراگرفتن زبان فارسی در دلش افتاده بود، در دانشگاه کمبریج با *ادوارد براون* آشنا شد. علاقه‌ای که بین این دو پدید آمد به مدت سی و پنج سال پایدار ماند. نیکلسون که مدتی به تدریس زبان فارسی در دانشگاه لندن مشغول بود، برای پایان نامهٔ دکترای خود، *تصحیح دیوان شمس تبریزی* را انتخاب کرد.

او در سال ۱۸۹۸ ترجمهٔ برخی از *غزلیات دیوان شمس* را به همراه متن فارسی‌اش منتشر کرد. از دیگر تألیفات او می‌توان به *تاریخ ادبیات ایران* ۱۹۰۷، *عرفای اسلام* ۱۹۱۴، *ترجمه مثنوی مولانا* که تألیف آن از سال ۱۹۴۰-۱۹۲۵ به مدت پانزده سال به درازا کشید، *تحقیقاتی درباره اشعار اسلامی* که اشاره به آغاز رواج ادبیات فارسی کرده است و *شرح حال ابوسعید ابوالخیر* که کامل ترین بیوگرافی *ابوالخیر* بشمار می‌رود، اشاره کرد. نیکلسون تا سال ۱۹۲۶ تدریس زبان و ادبیات را در دانشگاه کمبریج به

عهده داشت. بارزترین و برجسته‌ترین اثر نیکلسون، ترجمه و شرح مثنوی مولانا جلال‌الدین است، که وی در بارهٔ او می‌نویسد:

«جلال‌الدین مولوی عالیت‌ترین ترجمان نبوغ عارفانه ایرانی بوده است. در چشم انداز پهناور ادبیات عرفانی ایران، مولوی به منزله کوهی است که بسیاری از شاعران ایران در مقام مقایسه با او حکم کوهپایه‌هایی را دارند.»

در خرداد ۱۳۲۲ شمسی اعضای فرهنگستان ایران به پاس خدمات نیکلسون او رابه عضویت فرهنگستان در آوردند. نیکلسون در نامه‌ای به دکتر صدیق رئیس فرهنگستان وقت چنین آورد:

«از اینکه من به فرهنگستان ایران وابستگی پیدا کرده‌ام مشعوف‌ام؛ بزرگترین افتخاری که ممکن بود، نصیب من بشود همین است که کارهایم در زمینه ادبیات و مذهب ایرانی نزد آن فرهنگستان مقبول افتاده است.»

پس از مرگ براون، رینولد آلن نیکلسون، شاگردش کرسی استادی زبان عربی در دانشگاه کمبریج را در اختیار گرفت. نیکلسون زبان و ادبیات عرب را نزد رویرتسون اسمیتز و زبان ادبیات فارسی را نزد ادوارد براون آموخته بود. وی که به راستی درویشانه زندگی می‌کرد، عمری را به تحقیق و تفکر در تصوف و عرفان اسلامی به سر آورد. این مرد که آثار علمی و تحقیقی او در مطالعات اسلامی به حق مورد توجه و تحسین دانشمندان جهان اسلام قرار گرفت، حتی برای یکبار هم به مشرق زمین سفر نکرد. او تنها چند سفر به خارج از انگلستان داشت، آن هم نه برای تفریح بلکه برای شرکت در کنفرانسهای علمی که در مسیر تحقیقاتی، او را مفید افتادند. وی از دور شدن از کنار کتابهایش بیزار بود، بر خلاف ادوارد براون که زندگی پر حادثه و پرماجرایی داشت.

نیکلسون در سال ۱۸۸۷ به قصد ادامه تحصیلات در ادبیات کلاسیک، وارد کالج ترینتی کمبریج شد و در این میدان درخشید. وی به دنبال یک تحول روحی به مطالعات شرقی روی آورد و برای زنده نگاهداشتن خاطر پدر بزرگش که زبان عربی را می‌دانست، به آموختن زبان عربی و فارسی پرداخت. در سال ۱۸۹۲ در امتحانات مخصوص زبان هندی رتبهٔ اوّل را بدست آورد. بعداً او چند سالی به مطالعه و تدریس اشعار مولانا جلال‌الدین رومی مشغول بود. حاصل این دوران در ۱۸۹۸ به صورت اولین کتاب او به نام *منتخبی از اشعار دیوان شمس تبریزی* انتشار یافت. ویرایش متن فارسی اشعار منتخب، ترجمه، حواشی و مقدمهٔ پر محتوا و فاضلانهٔ این کتاب، موقعیت آن را به عنوان اثری ماندگار و کلاسیک تثبیت کرد. ترجمهٔ اشعار مولوی در این کتاب به نثر روان و روشن آمده است و در توضیح عمق معانی و شرح ابیات دشوار و ذکر رموز آن یادداشتهای سودمند اضافه شده است.

نیکلسون در مواردی، ترجمهٔ خود را به زیور نظم، وزن و آهنگ آراسته و از عهدهٔ این کار به خوبی برآمده است و به گواهی ادوارد براون، تنها معدودی از برگردانهای شعر مشرق زمین به زبان انگلیسی را می‌توان یافت که در آن علاوه بر دقت در ترجمه، متن از ظاهر و آهنگی چنین زیبا برخوردار باشد.

در سال ۱۹۰۱ نیکلسون به ضرورت تأمین معاش با کراخت به لندن آمد و آموزگاری زبان فارسی در یونیورسیتی کالج دانشگاه لندن را عهده دار شد. در سال ۱۹۰۲ وقتی که ادوارد براون به جای سر توماس آدامز کرسی زبان عربی را اشغال کرد و جای براون خالی شد، نیکلسون به کمبریج برگشت و آموزگاری زبان و ادب فارسی را بر عهده گرفت. او بیست و چهار سال در این سمت خدمت کرد. اسناد موجود در دانشگاه کمبریج نشان می‌دهد که مواجب سالانهٔ او در مدت بیست سال از این بیست و چهار سال، جمعاً حدود پنجاه پوند بوده

است.

نیکلسون پس از اولین کتابش، مقالات عالمانه‌ای نوشت که از آن میان می‌توان از مقاله مفصلش در باب *رساله الغفران* اثر شاعر و فیلسوف نابینای سوری *ابوالعلامری* نام برد. پس از آن، او در سال ۱۹۰۶ نوشتار ارزشمند خود را تحت عنوان «*پژوهشی تاریخی در باب مبدأ و رشد تصوف*» به چاپ رسانید. این اثر عمق و دقت کار او را در این میدان، در مقایسه با پیشینیانش شاخص کرد. بطوریکه مقام علمی و ادبی‌اش در محافل علمای شرق و غرب مورد توجه و قبول واقع شد. او در همین ایام، سخت به کار ویرایش و تصحیح *تذکره الاولیاء* اثر *فریدالدین عطار* مشغول بود. این اثر به سال ۱۹۰۷ پایان یافت و با مقدمه ارزشمند *میرزا محمد خان قزوینی* در دو جلد به چاپ رسید. در همین زمان نیکلسون دومین اثر کلاسیک خود یعنی «*تاریخ ادبیات عرب*» را نوشت. این کتاب هر چند کامل و خالی از اشکال نیست، ولی در جای خود بسیار ارزشمند است و تاکنون چاپهای متعدد از آن انتشار یافته و به زبان عربی نیز ترجمه شده است.

نیکلسون درباره اشکال ترجمه و ارائه تصویر کاملی از شعر قدیم عرب، سخن جالبی دارد که شنیدنی است:

«فرهنگ جدید بشر می‌تواند فردوسی، خیام، سعدی و حافظ را تحسین کند و ارج بگذارد، زیرا وسعت مفاهیم انسانی مندرج در شعر آنها با بسیاری از نقاط حساس روح، تماس پیدا می‌کند و مرتبط می‌شود. اما شعر کلاسیک عرب با همه شایانی و برجستگی‌اش، هرگز در زمانه همه گیر نخواهد شد.»

نیکلسون در فاصله سالهای ۱۱-۱۹۰۷ چند کتاب درسی عربی مقدماتی و در ۱۹۱۱ ترجمه تحسین انگیز «*کشف المحجوب*» را به انجام

رسانید و نیز در همین سال، ویرایش و ترجمه همراه با شرح ترجمان الاشراق اثر محی الدین عربی را پایان برد. این دو کتاب و بخصوص دومی، نقطه عطف مهمی در زندگی او محسوب می‌شوند. از این زمان به بعد، روحیه درویشانه در او تقویت شد و به عنوان عالمی متبحر و دل سپرده به کار علمی، بهره‌وری از لذات و کامجویی های مادی را جز در آن حد که برای رفع ملال ضروری است، به کنار نهاد.

در سال ۱۹۱۴، ویرایش و تصحیح کتاب «اللمع» یکی از کهن ترین و مهمترین منابع تصوف به زبان عربی را در چهار صد و هفتاد و دو صفحه به انجام رسانید و خلاصه بسیار با ارزشی از آن را به انگلیسی فراهم آورد و اطلاعات بسیار ذقیمت و کمیابی را به همراه کتاب در دسترس مردم گذاشت. در همین سال کتاب «عرفان در اسلام» را نیز نوشت.

نیکلسون تا آخرین روزهای عمر همچنان امیدوار بود که بتواند تاریخ عمومی تصوف اسلامی را تدوین کند. پس از مرگش، طرح این کتاب در میان کاغذهایش پیدا شد.

در سال ۱۹۰۲ ترجمه اسرار خودی متفکر معاصر اسلامی اقبال لاهوری را چاپ کرد. این تنها کار نیکلسون در ادبیات معاصر مشرق زمین بود. این کتاب فلسفه سیاسی و دینی متفکر پاکستانی محمد اقبال را بیان می‌داشت. نیکلسون اولین عالم غربی بود که اهمیت اجتماعی احیای فکر دینی توسط اقبال را درک کرد. وی پیش از شروع به ترجمه اسرار خودی، برای درک روشن تر نظریاتی که در شعر اقبال مندرج بود، با او وارد مکاتبه شد. نامه‌ای از اقبال که نیکلسون در مقدمه کتاب اسرار خودی آورده است، یکی از مهمترین نوشته های این فیلسوف و شاعر مسلمان است. نیکلسون در مورد تأثیر فکر دینی اقبال نوشت:

«باید منتظر ماند و دید که بیداری فکری ناشی از کار اقبال، در کدام

جهت حرکت خواهد کرد. آیا نسل مخاطب اقبال را، صرف رسیدن به تصویری شکوهمند اما دور (از واقعیت) از شهر خدا ارضا خواهد کرد و یا اینکه آنان را در جهت نیل به غایاتی که (در زندگی علمی و اجتماعی) منظور اقبال بوده است، بحرکت در خواهد آورد؟»

در ۱۹۲۱ دو کتاب «مطالعاتی در شعر اسلامی» و «مطالعاتی در عرفان اسلامی» از او به چاپ رسید و در ۱۹۲۲ کتاب دیگرش، «ترجمه هایی از شعر و نثر مشرق زمین» بیرون آمد و در ۱۹۲۳ کتاب «معنای شخصیت در تصوف» از او انتشار یافت.

همانگونه که پیش از این گفته شد مهمترین اثر نیکلسون که نام او را همواره بلند و زنده نگاهداشته است، تصحیح و چاپ متن کامل فارسی مثنوی معنوی و ترجمه تمام آن به انگلیسی و شرح و تعلیقاتی است که بدان افزوده است. نیکلسون از ۱۹۲۰ تحقیقات و تهیه یادداشتهای خود برای تدوین این کار بزرگ را آغاز کرده بود. او تنها و بدون هیچ گونه کمک مالی، بیست سال از عمر خود را بر این کار مهم و طاقت فرسا مصروف داشت، هزینه سنگین عکس برداری از نسخ خطی قدیم و جمع آوری شروحی را که بر مثنوی نوشته شده بود، خود می پرداخت. سرانجام این کار بزرگ پایان رسید و متن ویرایش شده فارسی و ترجمه ۲۵۰۰۰ بیت مثنوی به همراه تعلیقات بسیار سودمند مجموعاً در هشت جلد، در فاصله سالهای ۱۹۲۵ تا ۱۹۴۰ انتشار یافت. در سال ۱۹۳۱ کتاب «داستانهای عرفانی» را که حاوی ترجمه پنجاه و یک داستان مثنوی بود، برای استفاده گروه وسیعتری از مخاطبان خود منتشر ساخت.

سرانجام، در ۲۷ اوت ۱۹۴۵ عمر پربرکت و آکنده از تلاش و خلوص علمی این مرد بزرگ و این شیفته ادب و عرفان ایرانی پایان رسید. آخرین اثر نیکلسون «رومی شاعر و عارف» نام داشت که پس از مرگش با ویراستاری

شاگردش ای. جی. آربری به سال ۱۹۵۰ انتشار یافت. مرحوم بدیع الزمان فروزانفر در رثای او شعر بلندی سرود که ترجمه کامل آن به انگلیسی در کتاب مقالات شرق شناسی اثر آربری آمده است. پس از مرگ نیکلسون در بسیاری از سرزمینهای اسلامی به یادبودش مراسم بزرگداشت تشکیل گردید.^(۱)

□ الول سیاتن

وی متخصص در زمینه ادبیات و فرهنگ ایران بود. از آثار او می توان به قصه های مشدی گلین خانم، تأثیر قصه ها و ادبیات عامیانه در ادبیات نوین ایران، منابع ادبی تعزیه، روابط خانوادگی در ادبیات عامه ایران و مطبوعات ایران از سال ۱۳۲۶ تا ۱۳۳۰ اشاره کرد.

۱- احمد جلالی: کرسی زبان و فرهنگ ایران در دانشگاههای انگلستان، ص ۶۹-۷۱.

فصل سوم

کارنامه انگلیسیان درباره زبان و ادب فارسی

■ ترجمه آثار سعدی

فرانسیس گلادوین: وی اولین کسی بود که به سال ۱۷۸۰، اندرزه‌ای
شیخ اجل سعدی راتحت عنوان «پندنامه شیخ سعدی» از فارسی به انگلیسی، در
کلکته منتشر ساخت.

جیمس دیومولین: او در سال ۱۸۰۷ بخشی از کتاب گلستان را در کلکته
انتشار داد.

جیمس راس: وی در سال ۱۸۲۳ ترجمه دیگری از گلستان و دیباجه‌ای
از شرح حال و جزئیات سعدی را در انگلستان به چاپ رسانید.

فوربز فالكونر: او به سال ۱۸۳۸ بخشی از کتاب بوستان راتحت عنوان
«نیکمرد و گناهکار» برای دانشجویان زبان فارسی برگزید و متن ترجمه شده را
یک سال بعد یعنی در سال ۱۸۳۹ منتشر کرد.

- ادوارد ایست ویک: او نیز که فریفته نثر فارسی گردیده بود، در سال ۱۸۵۰ متن صحیح‌تری از گلستان را به همراه واژه‌نامه مفصلی بچاپ رسانید.
- سرادوین آرنولد: وی منظومه خود را زیر عنوان «عشق» یا «سومین باب از بوستان سعدی» در سال ۱۸۸۸ در لندن چاپ کرد.
- فرانسیس جانسون: او گلستان را تصحیح کرد و متن فارسی آن را در سال ۱۸۶۳ در بنگاه انتشارات هارتفورد منتشر ساخت.
- نیسان لیس: او گلستان را تصحیح، اعراب و نقطه‌گذاری کرد و در سال ۱۸۷۱ در کلکته به چاپ رسانید.
- روین لوی: در سال ۱۹۲۸ قسمتهایی از بوستان را بنام «داستانهایی از بوستان» در لندن منتشر ساخت.
- ج. تی. پلاس: وی در سال ۱۸۸۹ ترجمه گلستان را در سیصد و پنجاه و شش صفحه در لندن به چاپ رسانید.
- سرآرتور ولاستون: او به سال ۱۹۰۶ برگزیده‌ای از بوستان سعدی را، زیر عنوان «پندنامه سعدی» به انگلیسی ترجمه کرد و در نود و نه صفحه در لندن منتشر ساخت.
- سرلوکاس وایت: او در سال ۱۹۲۶ کتاب بدایع سعدی را با ترجمه سرلوکاس وایت و در آمد کوتاهی از رینولد نیکلسون در لندن منتشر کرد.
- سر ریچارد برتون: او از دیگر مترجمان گلستان است که ترجمه وی در سال ۱۹۲۸ در انگلستان منتشر شد.
- پرفسور آربری: او دو باب از گلستان را تحت عنوان «در سیرت پادشاهان و اخلاق درویشان» در سال ۱۹۵۴ ترجمه و در لندن منتشر کرد.
- ادوارد رهاث سک: او به سال ۱۹۶۴ ترجمه گلستان سعدی را در لندن

به چاپ رسانید.

سرهارد فورد جونز: وی کتاب «تاریخ قدیم و جدید ایران» «تاریخ پادشاهان قاجار» را در سال ۱۸۳۴ منتشر ساخت.

جیمز موریه: او کتاب «حاجی بابای اصفهانی» را تألیف کرد.

ویلیام مورلی: وی به سال ۱۸۴۸ کتاب «تاریخ اتابکان فارس» را به انضمام شرح مختصری از رویدادهای سایر نقاط ایران به چاپ رسانید.

دیوید شی: در سال ۱۸۳۲ ترجمه ای را تحت عنوان «تاریخ نخستین پادشاهان ایران» در لندن منتشر کرد.

کاپیتان هنت: در سال ۱۸۷۵ کتاب «جنگ انگلیس و ایران بر سر هرات» را در لندن منتشر کرد.

جورج رالینسون: تاریخ پنج سلطنت بزرگ مشرق زمین را تألیف کرد و آن را در سال ۱۸۶۷ در لندن منتشر ساخت.

رابرت گرانٹ واتسون: وی کتاب «تاریخ ایران» را تألیف کرد و آن را در سال ۱۸۶۶ در لندن به چاپ رسانید.

ل. س. کوستلو: در سال ۱۸۴۵ کتاب «گلزار ایران» را تألیف کرد.

جان کیتو: در سال ۱۸۵۰ کتاب «کشور و مردم ایران» را نوشته است.

ج. پیگوت: در سال ۱۸۷۴ راهنمایی تحت عنوان «ایران قدیم و جدید» را به چاپ رسانید.

استانلی پول: در سال ۱۸۸۷ کتاب «سکه های شاهان ایران» را تألیف کرد.

ادوارد رها تسک: در سالهای ۴-۱۸۹۱ به ترجمه «روضه الصفاء» در پنج جلد همت گماشت.

توماس هولدیچ: در سالهای ۲-۱۸۹۱ کتاب «تاریخ و نژاد نگاری

مکران» را تألیف کرد.

مورتیمر دوراند: در سال ۱۹۰۸ کتابی را در احوال نادر شاه، در لندن چاپ کرد.

جان بویل: وی که استاد تاریخ ایران در دانشگاه منچستر بود، «تاریخ جهانگشای جوینی» را به انگلیسی ترجمه کرد.

پیتر آیوری: وی استاد بازنشسته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه کمبریج و صاحب جدیدترین کتاب «تاریخ معاصر» ایران است.

لورنس الول ساتن: او استاد بازنشسته زبان فارسی در دانشگاه ادینبورگ و مؤلف کتابهای «دستور زبان فارسی» و «تاریخ ایران جدید» می باشد که آنها را در سال ۱۹۴۱ در لندن منتشر ساخت.

جان مارلو: وی در سال ۱۹۶۲ کتاب «راهنمای سیاسی» را که درباره رویدادهای سیاسی جنگ جهانی اول، انقلاب مشروطیت و شرح حال بنیانگذار دودمان پهلوی رضاشاه بود، منتشر کرده است. او همچنین کتاب «خلیج فارس در سده بیستم» و «ایران نوین» را در سال ۱۹۶۵ در لندن به چاپ رسانید.

پرفسور فیشور: او در سال ۱۹۶۸ کتاب «تاریخ ایران» را با همکاری بیست تن از محققان در پنج جلد منتشر کرد.

پرفسور بازورث: وی استاد دانشگاه منچستر و صاحب مقاله‌های فراوانی پیرامون جنبه‌های مختلف تاریخ ایران و نیز صاحب کتاب «ایران و اسلام» است که در سال ۱۹۷۱ در لندن به چاپ رسیده است.

جورج اسکات دیوی: وی قطعات پراکنده‌ای از آثار سعدی را ترجمه کرده است.

سیدنی چرچیل: او درباره ادبیات ایران در عهد قاجار مقالات مبسوطی نگاشته است.

■ ترجمه دیوان حافظ

تاماس هاید: او نخستین استاد انگلیسی است که با غزل‌های خواجه حافظ شیرازی آشنا شد و به ترویج آن همت گماشت. در سال ۱۶۵۸ تاماس هاید به دانشگاه آکسفورد راه یافت و با جدیت به مطالعه ادبیات فارسی و اشعار حافظ گرایش پیدا کرد. وی همچنین مؤلف کتاب «تاریخ ادیان باستانی ایران» است.

جان ریچاردسون: وی نخستین اثر خود را به هنگام تحصیل در آکسفورد تحت عنوان «نمونه ای از اشعار فارسی» تألیف کرد. این اثر شامل نخستین واژه نامه فارسی و چند غزل از حافظ بود. او، واژه نامه را در سال ۱۷۷۷ و مجموعه غزل‌های حافظ را، به سال ۱۷۷۴ انتشار داد.

تاماس لا: او در سال ۱۷۸۵ یازده سال بعد از ریچاردسون، چند غزل از حافظ را در یکی از مجلات کلکته موسوم به «گلچین آسیایی»، (جلد اول) منتشر ساخت و یک سال بعد نیز جلد دوم آن را به چاپ رسانید.

جان نات: او در سال ۱۷۸۷ مجموعه مستقلی از اشعار خود، تحت عنوان «غزل‌هایی برگزیده از شاعر ایرانی حافظ» را در لندن منتشر کرد.

جان هدون هیندلی: در سال ۱۸۰۰ مجموعه ای از اشعار حافظ را با عنوان «غزل‌های فارسی» منتشر ساخت. وی پاره‌ای از اشعار زیبای امیر خسرو دهلوی را نیز ترجمه کرده است.

ادوارد هنری پالمر: او در سال ۱۸۷۷ مجموعه ای را تحت عنوان «آوای نی» منتشر ساخت. وی همچنین قطعاتی را از دو تن دیگر از شعرای ایران، انوری و فردوسی ترجمه کرده است.

دبلیو.س. جارت: وی ترجمه صحیحی از دیوان خواجه حافظ را ارائه داده است.

کلنل ویلبر فورس کلارک: وی نیز به ترجمه منشور دیوان حافظ همت گماشت.

جوس تین هانتلی مکاریتی: او در سال ۱۸۹۳، مجموعه ترجمه‌های خود را تحت عنوان «غزلهایی از دیوان حافظ» منتشر کرد.

گرتروث لوئیان بل: وی در سال ۱۸۹۷ سی غزل از غزلهای حافظ را به چاپ رسانید. وی همچنین سیزده غزل دیگر را به همراه سی غزل قبلی، که مجموعاً چهل و سه غزل می شوند، به زیور طبع آراست. وی دو اثر دیگر خود را با عنوان «سفرنامه» و «تصویرهایی از ایران» در سال ۱۸۹۴ در لندن منتشر ساخت.

والتریف: در سال ۱۸۹۸ مجموعه ای از ترجمه بیست و هشت غزل حافظ را در لندن به چاپ رسانید.

جان پین: در سال ۱۹۱۶ به انتشار مجموعه ای در سه جلد تحت عنوان «اشعار شمس الدین محمد حافظ شیرازی» دست زد. این مجموعه شامل ترجمه منظوم همه غزلهای حافظ بود که کامل ترین مجموعه دیوان حافظ محسوب می شد.

ریچارد لوگالی ین: به سال ۱۹۰۵ مجموعه ای از ترجمه انگلیسی یکصد غزل حافظ را ارائه داد.

گران مرینگ: وی که از علاقمندان زبان و ادبیات فارسی بود، به سال ۱۹۱۰ مجموعه ای تحت عنوان «ترجمه رباعیات حافظ» را به چاپ رسانید و ده سال بعد کتاب «گزیده ای از رباعیات و غزلهای حافظ» را منتشر ساخت.

الیزابت بریجز: دختر ملک الشعراء آن عهد انگلیس بود که در سال

۱۹۲۱ کتابچه کوچکی تحت عنوان «غزلها و ابیاتی چند از حافظ» را انتشار داد. وی گاهی آثارش را با نام مستعار داریوش منتشر ساخته است.

رابرت اوپارد: در سال ۱۹۲۲ مجموعه ای، تحت عنوان «خاطرات بیشتری از حافظ» را در شهر لاهور منتشر ساخت.

رینولد نیکلسون: مترجم مثنوی مولانا است که پاره ای از غزلیات حافظ را نیز ترجمه کرده است.

تاماس رایت: در سال ۱۹۲۵ برخی از اشعار حافظ را در قالب یکصد و یک رباعی ریخته و آنها را تحت عنوان «گل سرخ در نقاب» به چاپ رسانید.

پیتر آیوری و جان هیث استابز: این دو به سال ۱۹۵۲ سی غزل از دیوان حافظ را در کتابی با نام «حافظ شیرازی» در لندن منتشر کردند.

■ پژوهشهای انگلیسیان درباره شاهنامه فردوسی

سر ویلیام جونز: نخستین پژوهشگر اشعار شاهنامه است.

متیو آرنولد: داستان رستم و سهراب را ترجمه کرده است.

ژوزف چمپیون: در سال ۱۷۸۵ ابیاتی چند از شاهنامه فردوسی را ترجمه و به چاپ رسانید.

جیمس اتکینسون: وی که در سال ۱۸۱۸ دانشیار زبان فارسی در دانشکده فورت ویلیام بود، در سال ۱۸۲۰ خلاصه‌ای از شاهنامه فردوسی را به نثر و نظم در آورد.

ادوارد هنری پالمر: وی علاوه بر پژوهشهایی در باب دیوان حافظ و ترجمه ابیاتی از انوری، به شاهنامه فردوسی نیز توجه خاصی داشته است.

اوقسمتی از کتاب شاهنامه فردوسی تحت عنوان «رستم و اکوان دیو» و منظومه مشهوری به نام، «نامه اهل خراسان»، اثر انوری را ترجمه کرده است. سرگور و ویلیام اوزلی: آن دو به ترجمه هایی در زمینه آثار فردوسی، سعدی و ختیم پرداخته اند. ترجمه سرگور اوزلی در کتابی تحت عنوان «ملاحظات در بیان احوال و شرح زندگانی شعرای ایران» به سال ۱۸۴۶ در لندن منتشر گردید.

رابینسون: در سال ۱۸۲۳ به معرفی فردوسی و اهمیت شاهنامه توجه نشان داد. وی که در زنده ساختن زبان و حفظ ملیت ایرانی علاقه مند بود، کتابی را تحت عنوان «خلاصه ای در شرح احوال و اشعار فردوسی»، منتشر کرده است. پآوری (مشهور به باپسی): به سال ۱۹۳۰ به نشر کتابی تحت عنوان «زنان ایران باستان» یا «داستانهایی نقل از شاهنامه فردوسی» همت ورزید. کویاجی: وی در سال ۱۹۳۰ کتابش را با نام «داستانهایی که در شاهنامه آمده» به چاپ رسانده است.

نخستین فردی که متن شاهنامه فردوسی را منتشر ساخت، یک انگلیسی به نام لمسدن بود که البته فقط جلد اول شاهنامه را به حروف سربی نستعلیق در کلکته به طبع رسانید.

ماتیو لمسدن از معلمان انگلیسی زبانهای عربی و فارسی مدرسه فورد ویلیام کالج کلکته در سال ۱۸۱۱ بود. همکار ایرانی لمسدن، منشی میرزا مهدی الله داد، نام داشت.

بعد از او یک نفر انگلیسی دیگر به نام تریز میکن، شاهنامه را از روی همان نسخه هایی که لمسدن جمع آوری کرده بود، تصحیح کرد و در چهار جلد چاپ و منتشر کرد. این نیز گفتنی است که میکن یک صاحب منصب نظامی

انگلیسی کمپانی هند شرقی بود که در هند خدمت می کرد.

■ نظامی گنجوی

جیمس اتکینسون: نخستین ترجمان اشعار نظامی از وی می باشد. در سال ۱۸۳۶ به ترجمه لیلی و مجنون، تحت عنوان «شعری از اصل فارسی نظامی» پرداخت و هشت سال بعد در سال ۱۸۴۴، مخزن الاسرار را با تصحیح بلاند به چاپ رسانید.

کلنل ویلبر فورس کلارک: در سال ۱۸۸۱ ترجمه منظوم از اسکندرنامه را به چاپ رسانید.

رابینسون: وی در سال ۱۸۸۳ شرح حال و اشعار فردوسی را در کتاب «ادبیات ایران» نوشت و بخشی را به اهمیت مقام نظامی، شیرینی اشعار، داستانهای گوناگون و ارزش منظومه وی اختصاص داده است.

سی.ای. ویلسون: در سال ۱۹۲۴ «هفت پیکر نظامی» را با تفسیر و توضیحات جامعی به زیر چاپ برد.

لارنس بین یون: یکی از بزرگترین مینیاتور شناسان سده اخیر است که رساله ای در مقام توضیح و تفسیر داستانهای خمسه نظامی با عنوان «منظومه های نظامی» را به چاپ رسانیده است.

■ آثار انگلیسیان درباره زبان فارسی

جان میس: در سال ۱۹۶۲ کتابی را تحت عنوان «خود آموز فارسی نو» در لندن منتشر ساخت.

لارنس الول ساتن: در سال ۱۹۶۳ کتاب «خودآموز دستور زبان فارسی» را در کمبریج منتشر کرد که هنوز در بیشتر آموزشگاههای زبان فارسی، دبیرستانها و دانشکدههای انگلستان مورد استفاده قرار می گیرد.

پرفسور لمبتون: در سال ۱۹۶۷ کتاب «کلید دستور زبان فارسی» را در کمبریج منتشر ساخت.

تی. رویاک: در سال ۱۸۲۴ در کلکته مجموعه نسبتاً بزرگی از «اصطلاحات و ضرب المثلهای زبان فارسی» را منتشر کرد.

ویلیام تورن هیل باکر: در سال ۱۸۵۰ به انتشار واژه نامه جیبی انگلیسی و فارسی دست زد.

ادوارد پالمز: در سال ۱۸۶۰ واژه نامه ای را به انگلیسی و فارسی تألیف کرد.

آفیلد: وی مؤلف کتاب «ادبیات ایران» در ۱۹۱۲ و «فرهنگی از کلمات قصار شرقی به فارسی و عربی» در ۱۹۱۱ در لندن می باشد.

پرفسور روبن لوی: او در سال ۱۹۵۱ کتاب «زبان فارسی» را تألیف کرد. آرتور جان آربری: وی «قرائت فارسی نو» را در سال ۱۹۴۴، مجموعه «رباعیات باباطاهر» را در سال ۱۹۳۷ و ترجمه پاره ای از منظومه های عرفانی فخر الدین عراقی، شاعر سده هفتم را با عنوان «آواز عشاق» در سال ۱۹۳۹ به چاپ رسانیده است.

خانم سی. ال. هاکر: کتاب «نوشتن و سخن گفتن به فارسی» را در سال ۱۹۴۱ به چاپ رسانیده است.

فرانسیس گلاوین: او در سال ۱۷۹۹ کتاب «منشی ایرانی» را در لندن به چاپ رسانید و سپس در سال ۱۸۰۰ دست به تألیف کتاب «راهنمای زبان فارسی» زد.

ادوارد فیتز جرالده: نخستین فردی است که منطق الطیر را تحت عنوان، «کنگاشستان پرندگان» معرفی کرد و به ترجمه، «سلامان و آبسال» اثر جامی پرداخت.

آر. پی. مسانی: وی به سال ۱۹۲۴ منظومه منطق الطیر عطار را تحت عنوان، «کنفرانس پرندگان، تفسیر صوفیانه» ترجمه کرد. از وی دو اثر دیگر نیز دیده می شود که یکی درباره «عقاید متصوفه ایران» و دیگری در باب «عرفان اسلامی» است.

دان کان فوربز: او در سال ۱۸۳۰ کتاب «ماجرای حاتم طایی» و در سال ۱۸۶۱ کتاب، «دستور زبان فارسی» را به نگارش در آورد.

آ. اچ. بلیک: در سال ۱۸۵۷ کتاب، «دستور مختصر زبان فارسی» را تألیف کرد.

فریتز روزن: او کتاب، «دستور فارسی نو» را در سال ۱۸۹۸ در لندن به چاپ رسانید.

رن کینگ: در سال ۱۹۰۷ کتاب، «نخستین گام در راه فراگرفتن فارسی» را تألیف کرد.

د. فیلات: کتاب، «دستور زبان فارسی» را در سال ۱۹۱۹ منتشر ساخت. سی. ای. ویلسون: وی از پیشگامان ترجمه بخشی از بهارستان جامی است، که آن را در سال ۱۸۸۳ منتشر کرد.

سی. ج. پیکر نیک: او در سال ۱۸۹۰ در مجله ناشنال ری ویو درباره ادبیات ایران مقالاتی به چاپ رسانده است و همچنین مقاله مفصلی درباره حکیم عمر خیّام از خود به یادگار گذاشته است.

ای. سی. برنتون: در ۱۹۰۲ اشعار باباطاهر را در کتابی تحت عنوان زاری باباطاهر به شعر هجایی برگردانید.

کاترین لمبتون: وی دانشیار زبان فارسی در دانشکده مطالعات شرقی

لندن بود. از آثار او می توان به کتابهای: «گوشه های سه گانه ایرانی» ۱۹۳۸، «مالک و زارع در ایران» ۱۹۵۳ و کتاب «اصلاحات ارضی در ایران» ۱۹۶۹، اشاره کرد.

مری بایرون: در سال ۱۹۱۲ کتاب «نور در مشرق» یا «منتخبی از آثار نویسندگان ایرانی را در لندن به چاپ رسانید».

● سفرنامه های انگلیسیها درباره سرزمین، فرهنگ و مردم ایران

انگلیسیانی که به ایران سفر کرده اند، اغلب تحت تأثیر جاذبه های فرهنگی و سنت های مذهبی و غنای ادبیات فارسی قرار گرفته اند و از خود آثاری به یادگار گذاشته اند. برخی از این آثار که به صورت سفرنامه انتشار یافته اند، بدین شرح اند:

فیلیپ وارد: در سال ۱۹۷۱ کتاب «سفر در ایران» را تألیف کرد.

فریا استارک: وی که علاقه مند به زبان فارسی و تاریخ ایران بود، در سال ۱۹۳۴ کتاب «دره حشاشین» را تألیف کرد.

ویلفرید بلانت: کتابهای «یک بهار ایران» را در سال ۱۹۵۷ و «اصفهان، دُر ایران» را در سال ۱۹۶۶ انتشار داد.

اسمیت: «ماهی سفید کور در ایران» را که درباره کرمان است در سال ۱۹۵۳ منتشر کرد.

مایکل کارول: «از چای خانه ای ایرانی» را سال ۱۹۶۰ تألیف کرده است.

سررید بولارد: سفیر انگلیس در تهران. عنوان سفرنامه او «اشتران باید به حرکت در آیند» بود که آن را در سال ۱۹۶۱ چاپ کرد.

سرکلر مونت اسکیرین: کنسول انگلیس در مشهد بود. کتابش «جنگ جهانی در ایران» نام دارد که در سال ۱۹۶۲ منتشر شد.

سر راجر اتی ولس: کتاب «سرزمین صوفی بزرگ» را سال ۱۹۶۲ به چاپ رسانید.

کارس ول: کتاب «جلفای جدید» را سال ۱۹۶۸ در آکسفورد منتشر کرد.

پرفسور ج. کلارک: درباره شیراز پژوهشهای دقیقی بعمل آورده است.

پرفسور ب. کلارک: درباره کرمانشاه تحقیقاتی دقیق انجام داده است.

ویکتور یاسک ویل وست: او سفرنامه خود را تحت عنوان «مسافر تهران» در سال ۱۹۲۶ منتشر کرد.

جان مکدانلدز کدنیز: وی در سال ۱۸۱۳ کتاب «یادداشتی جغرافیائی درباره کشور ایران» را به چاپ رسانید.

اییس فولرتون: این خانم به همراه دوست گیاه شناس خود، سه سال پیش از وقوع جنگ جهانی دوم به ایران سفر کرد و در سال ۱۹۳۸ سفرنامه خود را با نام «به جستجوی گل در ایران» انتشار داد.

جیمس بیلی فریزر: او سفرنامه خود را زیر عنوان «سفری در زمستان از قسطنطنیه تا تهران» در دو جلد در سال ۱۸۳۸ به چاپ رسانید و همچنین کتاب تاریخ نادر شاه را در سال ۱۷۳۲ منتشر ساخت.^(۱)

۱- بخشی از مطالب این بخش از کتاب سیر فرهنگ ایران در بریتانیا بویژه صفحات ۲۷۰ تا ۴۰۴ برگرفته شده است.

فصل چهارم

زبان و ادب فارسی در دانشگاهها

دانشگاههایی که در حال حاضر در آنها زبان و ادبیات فارسی به عنوان رشته اصلی و رشته های فرعی تدریس می شود، عبارتند از:

۱. دانشگاه آکسفورد
۲. دانشگاه کمبریج
۳. دانشگاه منچستر
۴. دانشگاه ادینبورگ
۵. دانشگاه دورهام
۶. دانشگاه لندن (مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی sosa)

□ دانشگاه آکسفورد^(۱)

تاریخ تدریس فارسی در دانشگاههای انگلستان به سالهای آخر قرن شانزدهم باز می‌گردد. در سال ۱۵۹۰، سال جلوس شاه عباس اول، شخصی به نام ویلیام بدول در دانشگاه آکسفورد به تدریس زبانهای عربی و فارسی اشتغال داشت. پس از وی، ادوارد پکوک دنباله کار او را گرفت و توانست در حفظ و گسترش زبان و ادب فارسی در دانشگاه آکسفورد کوشا باشد. پکوک که کشیش بود، به هنگامی که در استخدام شرکت تجارتی لوانت اوقات می‌گذرانید، در سواحل ترکیه و از میر، در اثر رفت و آمد با بازرگانان ایرانی، فارسی آموخت و سپس به تدریس آن همت گماشت.

پس از او شاگردش توماس هید که کتابدار کتابخانه معروف و بزرگ بادلیان آکسفورد بود، جانشین وی گشت و کار تدریس زبان فارسی را پی گرفت. وی که کتابی درباره تاریخ ایران باستان به لاتین نوشته است، نقش مهمی در تثبیت تدریس زبان فارسی و فرهنگ ایران باستان در دانشگاه آکسفورد و دانشگاه کمبریج داشت. در حدود سال ۱۷۶۰، دوران کریمخان زند در ایران، ویلیام جونز در آکسفورد فارسی آموخت و سپس استادی این زبان را در آن دانشگاه بر عهده گرفت. وی بعدها به استخدام کمپانی هند شرقی در آمد. این شرکت را که بازرگانان انگلیسی بوجود آورده بودند، می‌توان قدرت اول اقتصادی هند در آن روزگار به حساب آورد.

ویلیام جونز طی دورانی که در کلکته در استخدام این شرکت بود، روی متون قدیمی فارسی بسیار کار کرد. وی دیوان حافظ را به انگلیسی برگردانید و

1. The University of Oxford.

تاریخ دوران *نادرشاه افشار* را نگاشت. در سال ۱۸۴۹، اوایل سلطنت *ناصرالدین شاه قاجار*، مردی بنام *ای. بی. کاول* پس از فراغت از تحصیل در دانشگاه کمبریج، به آکسفورد آمد و به آموختن زبان فارسی پرداخت. همو بود که در کتابخانهٔ بادلین نسخه قدیمی معروف *رباعیات خیّام* را پیدا کرد. همین نسخه بود که مورد توجه و استفاده *ادوارد فیتز جرالد* دوست نزدیک *کاول* قرار گرفت و شاهکاری ماندنی در ترجمه *رباعیات خیّام* به زبان انگلیسی بوجود آورد. *کاول* به همراه همسرش که بسیار مورد ستایش *فیتز جرالد* بود، آکسفورد را ترک کرد و ریاست *کالج کلکته* را عهده دار شد. هجرت این دو از آکسفورد حالتی عاطفی را در *فیتز جرالد* برانگیخت که داستانی شنیدنی دارد. حالتی که به ترجمه *رباعیات خیّام* انجامید. بعدها *رینولد آلن نیکلسون* مقدمه فاضلانه‌ای بر آن نگاشت و پس از ویرایش دقیق به سال ۱۹۰۹ به چاپ رسانید.

هم اکنون مؤسسه مطالعات شرقی این دانشگاه، وارث آن سنت و سابقه است. در حال حاضر اعضای علمی ثابت و تمام وقت بخش فارسی و مطالعات ایرانی این مؤسسه استادان مشهوری چون، *دکتر جان گرنی*، *دکتر جولیا میثمی*، *پروفسور علیرضا شیخ الاسلامی* هستند. *دکتر جان گرنی* که تخصص‌اش تاریخ و فرهنگ ایران در دوران قاجار است، به تاریخ اجتماعی و ادبیات دوران مشروطه و ادبیات معاصر ایران علاقه خاصی دارد. وی که فارسی را بسیار خوب فراگرفته و به آن تکلم و تدریس می‌کند، در دفاع از فرهنگ، زبان و ادب ایران بسیار سخت کوش است. ایشان چند سال است که در امر تدوین کتابی پیرامون شرح احوالات و آثار و زندگانی *ادوارد گرانویل براون* استاد معروف زبان فارسی و عربی دانشگاه کمبریج، به تحقیق مشغول است. عضو دیگر ثابت بخش فارسی دانشگاه آکسفورد، خانم *دکتر جولیا میثمی* است. وی که اصلاً آمریکایی است، تدریس ادبیات کلاسیک فارسی را بر عهده دارد.

دکتر علیرضا شیخ الاسلامی که دکترای علوم سیاسی است، در تاریخ ایران در دوران قاجار تخصص دارد و مقالات او بیشتر حول موضوعات سازمان اداری ایران در دوران قاجاریه و مذهب و انقلاب است.

در سال ۱۳۶۵ یک ایرانی ثروتمند، فریدون سودآور، مبلغ کلانی بصورت وقف در اختیار دانشگاه قرار داد، تا از عواید آن کرسی مطالعات ایرانی بر پا بماند و فعالیتهای این بخش متوقف نگردد. وی همچنین بخش زیادی از اموال خود را در اختیار کمیته امداد امام قرار داد تا به مصرف امور خیریه و ساختن بیمارستان برسد. اقدام فرهنگی واقف سبب شد تا امکانات بیشتری در اختیار بخش فارسی مطالعات ایرانی دانشگاه آکسفورد قرار گیرد. در چهار کتابخانه دانشگاه آکسفورد کتابهای خطی و چاپی، اسناد فارسی و کتاب و مقالات مربوط به ایران وجود دارد. این کتابخانه ها شامل: کتابخانه بزرگ بادلین، که بیشترین کتب خطی، چاپی، اسناد فارسی و کتابهای مربوط به ایران را در خود جای داده است و کتابخانه های موسسه مطالعات شرقی، مرکز مطالعات خاورمیانه، وابسته به کالج سنت آنتونی و وادهام کولی است، که هر کدام بخش مخصوص کتابهای فارسی و کتب مربوط به ایران به زبان انگلیسی دارند.^(۱)

این نیز گفتنی است که کتابخانه وادهام کولی دارای بخش فارسی است. درباره این کتابخانه باید گفت که پس از کتابخانه بریتانیا بزرگترین و مهمترین کتابخانه انگلیس است. هر کتابی که در انگلیس منتشر می شود، یک جلد آن به طور رایگان به این کتابخانه فرستاده می شود. در حال حاضر، حدود ۷۰۰۰۰ نسخه خطی به زبانهای مختلف و چهار میلیون و هشتصد هزار کتاب چاپی در

۱. احمد جلالی: کرسی های زبان و فرهنگ ایران در دانشگاههای انگلیس. ص ۸-۶۷.

این کتابخانه موجود است. تعداد کارمندان آن هم نزدیک به ۴۰۰ تن می‌رسد. یکی از کتابهای خطی که در آنجا موجود است، اشعار ابوطالب اصفهانی مؤلف مسیر طالبی است که در تهران به چاپ رسیده است. اهمیت این اثر از این لحاظ است که مؤلفش یکی از اشخاصی است که انگلستان را در قرن ۱۹ میلادی به فارسی زبانها شناسانده است^(۱)

۵ دانشگاه کمبریج^(۲)

۱- ایرج افشار: یادداشت‌های سفر آکسفورد. آینده، ۱۳۶۲. ج نهم، ص ۷۵۷.

۲- قدمت بنیاد دانشگاه کمبریج از نظر تاریخی و حتی نظام کهن آموزشی به قرون وسطی برمی‌گردد، اما این قدمت بر خلاف تداول آن در پندار و زبان ما، به هیچ وجه به معنی کهنه پرستی و عقب ماندگی فکری و فرهنگی تلقی نمی‌شود. به این معنی که در عین ارتباط تام این مراکز با نظام کلیسایی و در عین اولویت دادن به دانشهای مربوط به کلیسا، توانسته‌اند خود را با پیشرفت صریح و سریع فکر و فرهنگ نه تنها هماهنگ کنند، بلکه به سرمایه اوقاف همان کلیساهای قرون وسطی، رشته‌های مدرن و پیشرفته بازکنند و حتی به تدریس و تحقیق در علومی بپردازند که مآلاً ضد کلیسایی است و در برابر نظام بسته فکر در قرون وسطی لب به اعتراض بکشایند و در این مسیر پیشرفتهای شایسته و درخوری هم بدست آورند. آنچه که شهر دانشگاهی کمبریج را پس از دانشگاه کهن آن مشهور می‌کند، رودخانه کوچک، آرام و مصفای کم، است، که بصورت مارپیچ و همچون گلوبند نفیسی مرصع به جواهر پلها و قابلهای کوچک بر سینه برآمده و مرمرین شهر ریخته واز بناگوش شفاف و زمردین آن با چین و شکنجی فربنده به سوی شمال ره گشوده است. نام این رودخانه همان است که در جزء اول نام شهر نیز هست، و جزء دوم آن، بریج، به معنی پل، می‌باشد. نخستین رئیس این

سالهای آخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم دوران رونق تدریس زبان و ادب فارسی در کمبریج بوده است. در تاریخ تدریس و کار بر زبان و ادب فارسی در انگلستان، در این شهر کوچک به مشهورترین نامها برمیخوریم. اولین نام معروف، ادوارد هنری پالمر است که در سال ۱۸۸۳ فرهنگ فارسی به انگلیسی و انگلیسی به فارسی خود را به چاپ رسانید و به کار تحقیق درباره تصوف بر اساس منابع فارسی پرداخت. او در اصل صاحب کرسی قدیمی زبان عربی دانشگاه کمبریج بود، اما فارسی را هم درس می داد. آربری در کتابش تحت عنوان، *مقالات شرق شناسی چهره هفت عالم*، توانایی های مختلف علمی و کارآیی روش تدریس او در زبان عربی و فارسی را می ستاید و بیان می دارد که چگونه او توانست ظرف یک ترم بیش از آنچه که در مدت پنج سال و نیم لاتین و یونانی آموخته بود، نزد او عربی بیاموزد.

پس از پالمر، کسان دیگری، کار تدریس فارسی را در کمبریج ادامه دادند. تا نوبت به ادوارد گرانویل براون، متولد سال ۱۸۶۲، رسید، که مشهورترین آموزگار زبان و ادب فارسی در انگلستان است. او فارسی را نزد

مجتمع دانشگاهی به سال ۱۲۴۶م. انتخاب شد، و اولین کالجی که در اواخر قرن سیزدهم به این ترتیب به توسط، هوگ دوبلشن اسقف ایلسی، پی افکنده شد، پیتز هوس بود. تعداد کالجه در سال ۱۴۷۴ به ۱۲ رسید و هم اکنون دانشگاه کمبریج با ۳۵ کالج و سیزده هزار دانشجو یکی از معتبرترین دانشگاههای انگلستان و بلکه جهان را تشکیل می دهد.

نرینتی کالج و سنت جان کالج، دانشگاه کمبریج جزء ثروتمندترین مراکز علمی انگلستان محسوب می شود. «نقل از، دکتر محمدجعفر یاحقی، *جزیره بی آفتاب* (تهران: بی نا،

ای.بی. کوئل و اج.ای پالمرو نیز میرزا محمد باقر یواناتی آموخته بود. مجتبی مینوی در مقالات خود و نیز آرتور جان آربری در مقاله خواندنی خود تحت عنوان ادوارد گرانویل براون ایرانی در کتاب مقالات شرق شناسی داستان فارسی آموختن براون نزد میرزا محمد باقر یواناتی را بسیار شیرین بقلم آورده است.

در سپتامبر ۱۹۱۳ بنا به توصیه میرزا محمد خان قزوینی، براون از کاظم زاده ایرانشهر دعوت کرد تا در کمبریج به تدریس زبان و ادبیات فارسی مشغول گردد. ایرانشهر تا ژانویه ۱۹۱۵ که به دعوت تقی زاده برای پیوستن به کمیته ملی ایران در برلین، کمبریج را ترک کرد، بدان کار اشتغال داشت. او در کتاب خاطرات خود، در وصف میهمانی نهاری که براون در اوایل ورود او به کمبریج ترتیب داده بود، می نویسد:

«پس از اینکه سر میز شام نشستیم، خانم پرفسور شیشه شراب را برداشته به جام هر یک از حضرات می ریخت، همینکه خواست جام مرا هم پر کند، پرفسور گفت که کاظم زاده مسلمان است و شراب نمی خورد. من هم حرف ایشان را تصدیق کردم ولی براستی در نظر داشتم که آن شراب را بخورم، اما پیش وجدان، خود را محاکمه کرده گفتم جایی که این استاد محترم در حق من این عقیده خوب را دارد، زهی نامردی و بی وجدانی می شود اگر من برخلاف عقیده رفتار کنم. پس با خود عهد کردم و تا روزی که در انگلستان بودم، هرگز قطره ای شراب ننوشیدم.»

پس از ادوارد براون یکی از شاگردانش، رینولد آلن نیکلسون، متولد به سال ۱۸۶۸، کرسی استادی زبان عربی دانشگاه کمبریج را در اختیار گرفت. نیکلسون زبان و ادبیات عرب را نزد روبرتسون اسمیتز و زبان و ادبیات فارسی را نزد ادوارد براون آموخته بود.

آخرین مرد نام آور تدریس زبان و ادب فارسی در دانشگاه کمبریج آرتور جان آبربی است که به سال ۱۹۰۵، سال شروع انقلاب مشروطه، تولد یافت. او عربی و فارسی را بسیار خوب می دانست.

نگاهی به مجموعه نفیس آثار براون پرکاری، پشتکار و فرزاندگی اش را نمایان می سازد. دانشگاه کمبریج به جهت داشتن چنین سابقه ای درخشان و نیز به دلیل وجود گنجینه نفیس کتابهای ادوارد براون در کتابخانه آن، صاحب شهرت و سنت است. در سالهای اخیر اداره بخش فارسی به عهده پیتراوری بود. پیتراوری تنها عضو تمام وقت و ثابت این بخش، نیز در پایان سال ۱۳۶۸ بازنشسته شد.

مسئولان بخش مطالعات خاور میانه دانشگاه کمبریج که بخش فارسی نیز در آن جای دارد، پس از تلاش فراوان، توانستند بودجه موقتی، برای پنج سال، از منابع خارج از دانشگاه، برای استخدام یک استاد تمام وقت تأمین کنند. پس از آقای آیوری، آقای جان کوپر که یک انگلیسی مسلمان و شیعه است، به این سمت برگزیده شد. جان کوپر که فارسی و عربی را خوب می داند، جلد اول تفسیر طبری را از عربی به انگلیسی برگردانیده که از سوی انتشارات دانشگاه آکسفورد به چاپ رسیده است.

تا چند سال پیش آقای پرفسور هیوبرت دارک، نیز در بخش فارسی دانشگاه تدریس می کرد. تصحیح و چاپ سیرالملوک به زبان انگلیسی و چاپ آن، در سال ۱۹۶۰، از کارهای ایشان است.

علاوه بر این استادان، آقای چارلز ملویل، که زمینه اصلی کار او تدریس زبان عربی است، به کار تدریس زبان فارسی در دانشگاه کمبریج مشغول است و با دانشگاه همکاری جنبی دارد.

در باب چگونگی درسها و واحدهای درسی بخش فارسی کمبریج باید خاطرنشان کرد که در دانشگاه کمبریج بعضی از دانشجویان، ادبیات فارسی را

به عنوان رشته اصلی و بعضی به عنوان رشته فرعی همراه با زبان دیگر یا تاریخ و مطالعات شرق شناسی بر می‌گزینند. برای آنان که زبان فارسی رشته اصلی است در دوره لیسانس فارسی قرار دارند، دوره تحصیل سه سال خواهد بود.^(۱)

۵ وضعیت تحصیل در کمبریج

طول دوره لیسانس در رشته شرقشناسی کمبریج سه تا چهار سال است. در این مرحله زبان فارسی، ادبیات و تاریخ ایران با یک درس مانند، زبانهای عربی و هندی در رشته های ایرانشناسی ترکیب می‌گردد. دروس رشته های ایرانشناسی کمبریج هم شامل: گزیده ای از اوستا، فارسی باستان، فارسی دری و زبانهای پارسی، سغدی، خوطانی و اوستی است. کتابخانه دانشگاه کمبریج یکی از کتابخانه های مهم و ممتاز انگلیس است که دارای مجموعه بی نظیری از اسناد و منابع ذیقیمت درباره ایران و ایرانشناسی است. کتابخانه اتحادیه هندو، یک سازمان خیریه مستقل است که یک مجموعه استثنایی و بی نظیر از کتابهایی مربوط به زبانهای ایرانی دارد. بخش تاریخ دانشگاه کمبریج تاکنون شش جلد از هفت جلد کتاب تاریخ ایران را به دست چاپ سپرده است.

۵ مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن^(۲)

این مدرسه از مراکز با سابقه شرق شناسی، مطالعات اسلامی و تدریس

۱- احمد جلالی: کرسی های زبان و فرهنگ ایران در دانشگاه های انگلیس. ص ۶۷-۷۲.

زبانهای شرقی در انگلستان است. چهره سرشناس بخش فارسی این مدرسه در سه دهه گذشته خانم لمبتون بوده که کتابها و مقالات زیادی در باره ایران و تاریخ ایران نوشته است. آخرین کتاب او به ایران زمان قاجار می‌پردازد و با عنوان *ایران دوره قاجاریه* در سال ۱۹۸۷ به چاپ رسیده است.

پیش از آن نیز خانم لمبتون در سال ۱۹۵۳ کتاب *مالک و زارع در ایران*، در سال ۱۹۵۴ کتاب *جامعه اسلامی در ایران* و در سال ۱۹۱۴ کتاب *اصلاحات ارضی در ایران* را انتشار داد. پرفسور لمبتون گرچه باز نشسته شده است، ولی کتاب *دستور زبان و روش و تدریس فارسی*، که در سال ۱۹۵۳ از سوی انتشارات کمبریج منتشر شد، و نیز *فرهنگ فارسی به انگلیسی* او، همچنان مورد استفاده دانشجویان و مراکز تدریس زبان فارسی در انگلستان قرار می‌گیرد. در حال حاضر، دکتر *تورخان گنجه‌ای* و آقای مرتون استادان تمام وقت بخش فارسی مدرسه مطالعات شرقی‌اند. دکتر *گنجه‌ای* که ایرانی است و در تبریز تحصیلات خود را به اتمام رسانده، کار اصلیش در زمینه ادبیات ترکی و قفقازی است، ولی با این همه بعضی دروس فارسی را نیز آموزش می‌دهد. آقای مرتون که جایگزین و جانشین خانم پرفسور لمبتون است. بیشتر، علائق تاریخی دارد و به تدریس متون تاریخی فارسی اشتغال دارد.

برنامه درسی این بخش کمابیش مانند بخش فارسی دانشگاه کمبریج است، ولی به لحاظ مالی مشکلات کمبریج را ندارد و به لحاظ تهیه کتاب و منابع هم از امکانات خوبی برخوردار است.

این رانیز باید افزود که کتابخانه مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن یکی از غنی‌ترین کتابخانه‌های شرق‌شناسی در اروپاست.

□ دانشگاه منچستر^(۱)

بخش فارسی دانشگاه منچستر که چند سال تعطیل بود، در اکتبر سال ۱۹۸۷ با استخدام آقای ادموند. ام. هرزیگ، که خود فارغ التحصیل آکسفورد است، بازگشایی شد. پس از آن، در اکتبر سال ۱۹۸۹ دکتر لفت استاد تمام وقت و دائمی دانشگاه دورهام، به علت بسته شدن بخش فارسی، به دانشگاه منچستر منتقل شد و همین امر باعث تقویت بخش فارسی منچستر گردید.

در این دانشگاه دوره‌های لیسانس، فوق لیسانس و دکترا برپاست و دانشجویان دوره چهار ساله لیسانس مطالعات خاورمیانه‌ای، موظفند دو زبان از زبانهای خاورمیانه را نیز بیاموزند. بنابر این، کسانی که فارسی را برمی‌گزینند، علاوه بر فارسی، آموزش تاریخ، فرهنگ و ادب ایران را نیز می‌آموزند. در واقع، آنها خود را برای مکالمه، آموزش، تدریس و پژوهشهای ایران‌شناسی آماده می‌کنند. در سال اول این رشته بر آموختن زبان فارسی تأکید می‌شود، ولی در سالهای بالاتر، اشعار کلاسیک و معاصر فارسی، تاریخ معاصر و تاریخ اندیشه سیاسی اجتماعی ایران تدریس می‌شود. گاه اتفاق می‌افتد که آموزش زبان فارسی در دوره لیسانس و در بخش زبانهای خاورمیانه و اروپایی برقرار می‌گردد. در این صورت دانشجو همزمان، دو زبان فارسی و فرانسه را با هم می‌آموزد.

بخش مطالعات خاورمیانه‌ای دانشگاه منچستر که بخش فارسی در آن قرار دارد، دوره مطالعات خاورمیانه‌ای در رشته مطالعه تطبیقی مذاهب یا زبان‌شناسی کشورهای خاورمیانه را نیز برنامه‌ریزی کرده است. در این صورت

دانشجویانی که به این رشته‌ها تمایل دارند می‌توانند مثلاً ترکیب درسهای زبان فارسی و اسلام و یا زبان فارسی و زبانشناسی را برگزینند.

در دوره یکساله فوق لیسانس این رشته، دانشجویان رساله‌ای را ارائه خواهند داد که باید به تصویب شورای سنجش دانشگاه برسد. دانشجویان دوره دکترا هم رساله‌ای متناسب با سطح مدرک دکترا خواهند نوشت. چنانچه استاد راهنما و منابع و مدارک فراهم باشد، دانشجویان دوره دکترا می‌توانند جنبه‌های مختلف ادبیات فارسی، تاریخ و فرهنگ ایران را به عنوان موضوع رساله دکتری خود برگزینند.

از آن جاکه چنین روشی اعمال می‌شود، به طور طبیعی، زبان و تاریخ و فرهنگ یک کشور، در دوره‌های لیسانس و فوق لیسانس و دکترا در دانشگاه منچستر آموزش داده می‌شود. بدین خاطر، دانشجو در هر سه دوره زبان و تاریخ و فرهنگ یک کشور را به خوبی فرا می‌گیرد. از این رو، فارغ التحصیلان زبان، ادب و فرهنگ ایرانی در این دانشگاه احتمالاً در مقایسه با سایر دانشگاههای انگلستان بیشتر است.

طول مدت تحصیل و رشته‌های دانشگاه منچستر چنین است:

دوره‌های آموزشی:

۱. لیسانس رشته تاریخ باستان و باستان شناسی ایران، ۳ سال.
۲. لیسانس در رشته ادیان تطبیقی، ۳ سال. در این دوره، ادیان اسلام و زرتشت به همراه زبانهای اوستا و پهلوی تدریس می‌گردد.
۳. لیسانس در رشته مطالعات خاورمیانه، چهار سال. در دروس این دوره، زبان^۴

و ادبیات فارسی نیز گنجانیده شده ولی به علت کمبود استاد و عدم تمایل دانشجویان تدریس نمی‌شود.

۴. فوق لیسانس در رشته‌های باستان‌شناسی ایران، تاریخ اسلام، زرتشت و آئین میترا، حداقل دو سال.

۵. دکترا در رشته‌های باستان‌شناسی ایران، زرتشت و آئین میترا، حداقل ۳ سال. این را بیفزاییم که کتابخانه دانشگاه جان ریلاندس منچستر یکی از نفیس‌ترین مجموعه‌های خطی را داراست و در آن بیش از هزار نسخه خطی فارسی نگهداری می‌شود. ضمن آن که جدیدترین آثار در زمینه اسلام‌شناسی و ایران‌شناسی را نیز تدارک می‌بیند.

□ دانشگاه ادینبورگ «اسکاتلند»^(۱)

چهره سرشناس بخش فارسی دانشگاه ادینبورگ الول ساتن بوده است و متأسفانه پس از درگذشت وی، کسی که آشنایی و نفوذ شخصی و علمی او را داشته باشد و مانند او بتواند این بخش را قوی و فعال نگاهدارد، بوجود نیامده است. با این همه، کتاب دستور زبان و روش تدریس فارسی که الول ساتن سه دهه پیش تهیه کرده، همچنان مورد استفاده بخشهای فارسی دانشگاههای انگلستان است. در حال حاضر تنها استاد زبان فارسی این دانشگاه دکتر صبری تبریزی است که ایرانی‌الاصل است. دکتر صبری بر روی آثار اقبال لاهوری تحقیق می‌کند و مقالاتی در این زمینه به چاپ رسانیده است. این را نیز باید افزود که دانشجویان این دانشگاه نیز فارسی را بعنوان درس اصلی یا فرعی

می‌آموزند.

▣ مطالعات ایرانی در دانشگاه دوره‌ها

طول مدت تحصیل در دورهٔ لیسانس در رشته‌های ایران‌شناسی جدید در این دانشگاه ۳ یا ۴ سال خواهد بود و درسهایی مانند؛ زبان فارسی، ادبیات، تاریخ، اقتصاد، جغرافیا، سیاست و جامعه‌شناسی ایران تدریس می‌شود. دورهٔ لیسانس در زبانهای خاورمیانه ۴ سال است و در این سالها، زبان فارسی و ادبیات ترکی یا عربی و تاریخ خاورمیانه تدریس می‌گردد. بعلاوه در مدرسه مطالعات شرقی دانشگاه لندن دروس تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران بویژه در قرون نوزدهم و بیستم هم ارائه می‌شود.

▣ وضعیت تدریس فارسی در دانشگاههای انگلیس

الف - لیسانس

در هر یک از دانشگاههای دوره‌ها و لندن، کلاس‌های جداگانه برای آموزش زبان فارسی برپاست، و در آنها زبان و ادبیات فارسی، کلاسیک و معاصر، به همراه درس تاریخ اسلام تدریس می‌شود که معمولاً دورهٔ آن ۳ تا ۴ سال به طول می‌انجامد.

افزون بر آن، کلاسی هم تحت عنوان «مطالعات ایرانی» در دانشگاه کمبریج دایر است که در آن زبانهای باستانی ایران آموزش داده می‌شود. طول دورهٔ این کلاسها ۳ تا ۴ سال می‌باشد. در همین دانشگاهها، درس ایران معاصر نیز که در آن تاریخ، جغرافیا و اقتصاد ایران تدریس می‌شود، ارائه می‌گردد.

نحوه ورود دانشجویان به رشته‌ها و درسهای زبان فارسی و مطالعات ایرانی در دانشگاههای انگلیس چنین است که دانشجو باید در درجه A، مدارس G.L.E را با نمرات در دو درس پایان رسانیده باشد و تقاضا نامه تحصیلی خود را به اداره مرکزی پذیرش دانشگاهها ارسال داشته باشد.

ب - فوق لیسانس

در این مرحله، کلاسهای رشته ایرانشناسی به شکل کلاسهای یک تا دو ساله بر پا می‌شود و در پایان دوره معمولاً درجاتی مثل استاد هنر و یا استاد فلسفه در ایران‌شناسی باستان و ایران‌شناسی به دانشجویان داده می‌شود. نکته در خور اهمیت این است که در مرحله اول تحصیلی، مجوز ورود برای تمامی رشته‌ها میسر است. البته در برخی مواقع، گذراندن دروس پیش نیاز در مقطع فوق لیسانس و آگاهی از زبان فارسی نیز الزامی تلقی می‌شود. در دوره فوق لیسانس علاوه بر شرکت در کلاسهای آموزشی ارائه یک رساله تحقیقی، حضور در سمینارها و گذراندن دروس و انجام امتحانات ضروری است.

❑ شیوه آموزش دانشکده شرق‌شناسی دانشگاه کمبریج

مراحل اول: زبان تحصیل در دوره لیسانس در رشته‌های شرق‌شناسی ۳ تا ۴ سال به طول خواهد انجامید و دروس آن شامل، زبان فارسی، ادبیات، تاریخ ایران و زبانهای عربی اردو و یا هندی خواهد بود. در سالهای پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در این دانشکده گزیده‌ای از اوستا، فارسی باستان،

فارسی پارتی، زبان مغولی، خوطانی و اوستی تدریس می‌شد، اما امروزه، این دروس تدریس نمی‌گردد.

طول مدت تحصیل در رشته‌های ایران‌شناسی و ادبیات فارسی حداقل ۲ سال و حداکثر ۳ سال بوده و هم اکنون دکتری این رشته‌ها نیز برقرار است.

فصل پنجم

ایران‌شناسان و استادان زبان و ادبیات فارسی انگلیس

آنا عنایت

همسر مرحوم دکتر حمید عنایت. ایشان در حال حاضر در مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه لندن به پژوهش اشتغال دارند.

دکتر تورخان گنج‌ای

استاد گنج‌ای در مدرسه‌ السنه شرقی لندن به تدریس زبانهای فارسی و ترکی اشتغال دارند.

آثار:

۱. تصحیح دیوان شاه اسماعیل صفوی، متخلص به خطایی
۲. لغات ترکی در فارسی پیش از مغول، انتشار یافته در نشریه مدرسه‌ السنه شرقی لندن

مک لاخلان

استاد مک لاخلان که به زبان فارسی آشنایی و تسلط کامل دارد، استاد دانشگاه لندن است.

آثار:

۱. قنات در خاورمیانه و شمال آفریقا

۲. کشاورزی ایران یا باغ غفلت زده

۳. مرزهای ایران

جولی اسکات میثمی

دکتر میثمی استاد انستیتوی شرق شناسی دانشگاه آکسفورد و عضو ثابت علمی و تمام وقت بخش فارسی و مطالعات ایرانی مؤسسه مطالعات شرقی است. نام و فامیل خانم میثمی حکایت از بستگی ایشان به یک خانواده شرقی دارد. وی آنچنان به ایران، زبان و ادبیات فارسی علاقمند است که گاه به هنگام ذکر و یاد شهرهای اصفهان و شیراز دچار تأثر می‌شود.

جان گرنی

وی که از پژوهندگان برجسته در تاریخ ایران است، به زبانهای فارسی، فرانسه، آلمانی و لاتین تسلط دارد و در حال حاضر استاد تاریخ ایران در دانشگاه آکسفورد است.

آثار:

۱. زندگی و آثار ادوارد براون

۲. تاریخ فرهنگی دارالفنون در ایران

۳. رویای استعماری اواخر قرن نوزدهم: میراث کرزن

۴. پیتردلاواله

سردنيس رایت

سفیر پیشین انگلیس در ایران و رئیس سابق موسسه تحقیقات ایرانی انگلستان. وی نخستین بار پس از قطع روابط سیاسی ایران و انگلیس، در دوران حکومت مصدق، به عنوان کاردار انگلیس و مأمور تهیه مقدمات تجدید روابط دو کشور تعیین گردید. او پس از انجام مأموریت خود، ده سال بعد با عنوان سفیر انگلیس به تهران بازگشت و مدت ۸ سال سفیر این کشور در ایران بود و پس از بازگشت به انگلیس و حتی در دوران بازنشستگی خود به مسائل ایران توجه نشان می‌دهد. وی در دو دهه گذشته چندین کتاب درباره ایران و مسائل آن انتشار داده است.

آثار:

۱. ایرانیان در میان انگلیسیها

۲. انگلیسیها در میان ایرانیان

۳. صحنه‌هایی از تاریخ مناسبات ایران و انگلیس

موضوع این کتاب بررسی مناسبات ایران و انگلیس از اواخر دوره صفویه تا پایان قاجاریه است. نویسنده در کتاب خود سرگذشت ایرانیانی را که با انگلیسیها زندگی کرده و با آنها حشر و نشر داشته اند، به تفصیل شرح داده است.

روبرت هیلی براند

تخصص وی در زمینه مینیاتورهای ایرانی است.

آثار:

۱. امپرسیون و تخیل در نقاشیهای ایرانی

رودیگر کلاین

آثار:

۱. بازرگانی کاروانی در ایران صفوی

چارلز ملویل

آثار:

۱. راهی که شاه عباس پیمود

جان امرسن

آثار:

۱. کتابشناسی آثار یوس خاورشناس آلمانی و مأموریت او در روسیه و ایران

آنتونی جی. گاردنر:

آثار:

۱. کتابشناسی جنگ عراق و ایران

The Iraq-Iran War - a Bibliography. London: Mansell Publishing Ltd., 1988 ,124

p.

خانم آتابل کیلر

دانشجوی دوره دکتری و استاد ادبیات فارسی دانشگاه کمبریج، به سال

۱۹۴۹ متولد شد و در سال ۱۹۹۱ به دریافت لیسانس زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه کمبریج نائل آمد. وی به زبانهای فرانسه، آلمانی و فارسی آشنایی دارد.

آثار:

۱. داستان حضرت ابراهیم در کشف الاسرار میدی، به زبان فارسی
۲. ظاهر و باطن در کشف الاسرار میدی، به زبان انگلیسی
۳. ایرانشناسی در انگلستان، وضع کنونی و آینده آن

پیتر آیوری

استاد سابق کرسی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کمبریج و عضو هیأت علمی تاریخ ایران کمبریج که خود کتابخانه بزرگ ایرانشناسی، بخصوص در زمینه ادبیات فارسی فراهم آورده است.

آثار:

۱. چاپ و نشر
۲. ادبیات معاصر ایران (مقاله)
۳. ترجمه رباعیات خیّام
۴. ایران نوین

سوفی کودریک

لیسانس زبان عربی و فارسی و دانشجوی دوره دکتری دانشگاه کمبریج. ایشان یک سخنرانی در دانشگاه کمبریج در مورد زبانشناسی تاریخی و تحلیل جملات زبان فارسی داشتند.

فرد هالیدی:

آثار:

۱. ایران، دیکتاتوری و عمران و توسعه سال ۱۹۷۹

کلیفورد ادموند باتسورث:

آثار:

۱. حکام محلی مکران و قُصدا در آغاز دوره اسلامی

۲. دو جلد تاریخ غزنویان

۳. همچنین بررسی تاریخ سیستان به زبان فارسی ترجمه شده است.

مورگان

وی استاد دانشگاه لندن است

آثار:

۱. مغولها ۱۹۸۶

۲. هفت قرن تاریخ ایران

پ، کرین بروک

آثار:

۱. کردها در یک بررسی معاصر

س. برنتجس

آثار:

تفکرات اقلیدسی در انتقال به زبان فارسی.

پیر آمیه

باستان شناس

آثار:

۱. گلدان مقدس ایرانی ۱۹۶۵
۲. تصاویر قدیمی از بناهای شوش ۱۹۵۹
۳. تزئینات ایرانی ۱۹۷۷
۴. موزه لوور و آثار عتیقه ایران ۱۹۷۷

پولیور واتسون

آثار:

۱. تغزل فارسی

هیوبرت دارک

دارک که حدود ۷۴ سال دارد، مصحح سیاستنامه است که بنگاه ترجمه و نشر در دههٔ چهل آن را انتشار داد. وی پس از براون و نیکلسون مشهورترین چهره‌های ایران شناسی کمبریج است. در حال حاضر، بیشتر وقت او را تاریخ ایران کمبریج می‌گیرد. وی ترجمهٔ کیمیای سعادت امام محمد غزالی را نیز به پایان آورده است.

کاترین لمبتون

وی دانشیار زبان فارسی در دانشکده مطالعات شرقی لندن بود. از آثار او می‌توان به کتابهای «گویشهای سه گانهٔ ایرانی» ۱۹۳۸، «مالک و زارع در ایران» ۱۹۵۳، «اصلاحات ارضی در ایران» ۱۹۶۹ و همچنین «اقطاع و فئودالیت» اشاره

کرد.

کتی اونس

آدام جیکابش

دکتر فرانکوئیز دبلویز

تیسن فاین

فصل ششم

ایرانیان مقیم انگلیس و زبان فارسی

در دو دهه گذشته جمعیت کثیری از ایرانیان، از قشرها و طبقات مختلف، در سرزمین انگلیس توطن گزیده‌اند. اینان که در شهرهای مختلف این کشور پراکنده‌اند، فعالیتهای مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و آموزشی از خود بروز می‌دهند. از بین اینان عده‌ای به تحصیل، برخی به تدریس و گروهی به تجارت مشغولند. اجتماع این گروه قابل توجه که همگی به زبان فارسی سخن می‌گویند، به فارسی می‌اندیشند و به فارسی می‌نویسند و شمار معتابهی از آنان از استادان با سابقه دانشگاه و روزنامه نگاران و نویسندگان معروف هستند، باعث می‌شود تا زبان و ادبیات فارسی در انگلیس ریشه بدواند و اندک اندک این نهال کوچک، سر بر آورد و عطش ایرانیان دور از وطن را فرو نشاند.

در حال حاضر، از سوی ایرانیان مقیم انگلیس دهها مرکز و انجمن، نشریه، محفل و مجلس بوجود آمده، گرچه در پیدایش شماری از آنها،

انگیزه‌های سیاسی و گاه حتی مخالفت با نظام مقدس اسلامی و دولت جمهوری اسلامی ایران دخالت داشته، ولی با این همه این مخالفت‌ها هم جز به زبان شیرین فارسی نبوده است و مغرضان و معاندان دانا و نادان علیرغم خواست خود به فارسی توجه نشان داده و در تقویت آن کوشیده‌اند.

از این رو، در اینجا، اسامی برخی از مهمترین و فعالترین مراکز و انجمنهای فرهنگی ایرانیان را که در آنها زبان فارسی مورد توجه بوده و یا آنکه به زبان فارسی می‌نویسند و تکلم می‌کنند، آورده می‌شود. مسلم است که برخی فعالتهای ناصواب و ضد انقلابی چند مرکز و انجمن فرهنگی معلوم الحال مورد تأیید و قبول بقیه مراکز نمی‌باشد. در اینجا نیز آرزو می‌کنیم، مراکز منحرف و گمراه به کانون گرم و آرام‌بخش اسلام و ایران بازگردند.

● مراکز و انجمن‌های فرهنگی و هنری ایرانیان در انگلستان

۱. شورای فرهنگی ایرانیان
۲. جامعه ایرانیان
۳. انجمن هنرمندان و نویسندگان ایرانی
۴. کارگاه نقد
۵. بخش ایران در انجمن بین‌المللی قلم
۶. سازمان جهانی زرتشتیان
۷. گروه تحقیق و نشر تاریخ فرهنگ ایران
۸. کانون ایرانیان لندن
۹. گروه بررسی مسائل روز ایران، سرپرست: دکتر پرویز اوصیاء

۱۰. کارگاه شعر و هنر، سرپرست: منصور پویان
۱۱. گروه شعر امروز
۱۲. جامعه ایرانیان غرب لندن
۱۳. کانون ایرانیان مقیم لندن
۱۴. انجمن دوستداران زبان فارسی
۱۵. انجمن مطالعات معاصر ایران
۱۶. انجمن ایرانیان امپریال کالج
۱۷. هنرکده هنرهای زیبای ایران
۱۸. خانه فرهنگ و هنر
۱۹. انجمن دوستداران زرتشت
۲۰. گروه افرا، سرپرست: داود اردلان
۲۱. خانقاه نعمت الهی، سرپرست: جواد نوریخس
۲۲. کانون هنری حورا
۲۳. انجمن دانشجویان ایرانی در بریتانیا
۲۴. سازمان زنان ایرانی در بریتانیا
۲۵. کانون ایرانیان
۲۶. کانون کتاب
۲۷. گروه کُر رودکی، سرپرست: فرید عمران

● مراکز آموزش زبان فارسی در انگلیس

۱. شورای فرهنگی ایرانیان
۲. جامعه ایرانیان

۳. کارگاه شعر و هنر

تأسیس: ۱۳۶۶

مدیر مسئول: منصور پویان

۴. گروه شعر امروز

۵. جامعه ایرانیان غرب لندن

فعالیت ها:

برپایی مراسم، جشنها و اعیاد ملی و حفظ سنتهای ایرانی

دایر کردن کلاسهای زبان فارسی برای کودکان ایرانی

چاپ کتاب فارسی برای سال اول ابتدایی

۶. انجمن دوستداران زبان فارسی

این انجمن به منظور جلوگیری از استحاله فرهنگی و تحلیل فارسی دانی کودکان

ایرانی از سوی گروهی از خانواده های ایرانی بوجود آمده است.

فعالیت ها:

کمک به دست اندرکاران کتابخانه مطالعات ایرانی

برپایی کلاس آموزش زبان فارسی

اهداء جوایز به فارسی آموزان

۷. آموزشگاه رستم: «تشکیل کلاسهای آموزش زبان فارسی»

۸. آموزشگاه تحصیل مکاتبه ای

فعالیت ها:

تشکیل کلاسهای آموزش زبان فارسی

تهیه کتابچه و جزوه درسی فارسی

ارسال جزوات آموزشی برای دانش آموزان و علاقه مندان

۹. خانه فرهنگ ایران

۱۰. آموزشگاه پارس:

تشکیل کلاس آموزش زبان فارسی

۱۱. آموزشگاه ایران نوین:

تشکیل کلاس آموزش زبان فارسی

۱۲. آموزشگاه حافظ:

تشکیل کلاس آموزش زبان فارسی

۱۳. مؤسسه گسترش فرهنگ ایران

بنیانگذار: رضا سخایی

فعالیت ها:

ایجاد کتابخانه ای با کتابهای فارسی

برگزاری کلاس آموزش فارسی

● مراکز انتشاراتی چاپ کتاب فارسی

مراکز و مؤسسات زیر در کار چاپ، نشر و توزیع کتاب و نشریات فارسی فعالیت گسترده ای دارند. این مراکز در سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۷۵-۱۳۵۷) حدود ۷۰۰ عنوان کتاب فارسی و ۸۵ نشریه فارسی زبان را در دسترس فارسی زبانان، مراکز ایران شناسی و ایرانیان خارج از کشور بخصوص انگلیسی قرار داده‌اند.

۱. انتشارات ارس

۲. انتشارات الساقی

۳. انتشارات اکباتان

۴. چاپخانه ایرانی

۵. انتشارات بیداری ایرانیان
۶. انتشارات بنیاد عرفان مولانا
۷. مرکز چاپ و نشر پیام
۸. چاپخانه پکا
۹. انتشارات پاکا
۱۰. انتشارات جبهه ملیون ایران
۱۱. انتشارات جبهه
۱۲. چاپخانه چاپار
۱۳. انتشارات خانقاه نعمت الهی
۱۴. انتشارات دفتر خاک
۱۵. انتشارات دوران
۱۶. انتشارات ساتراپ
۱۷. کتابفروشی سهراب
۱۸. انتشارات سوسیالیسم
۱۹. انتشارات شما
۲۰. چاپخانه شادی
۲۱. انتشارات غزال
۲۲. انتشارات کانون کتاب ایران
۲۳. انتشارات کتاب (Book press)
۲۴. انتشارات کاسپین
۲۵. انتشارات گروه تحقیق و نشر تاریخ و فرهنگ ایران
۲۶. مرکز نشر کتاب
۲۷. انتشارات نوید

۲۸. انتشارات نو آوران

۲۹. مؤسسه واژه ساز

۳۰. انتشارات واژه

۳۱. نشر هومن

● نشریات فارسی منتشر شده در انگلیس «۱۳۷۵-۱۳۵۷»

حضور جمع کثیری از ایرانیان، از سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۵ سبب شده تا حدود ۸۵ نشریه، شامل: فصلنامه، ماهنامه، گاهنامه، سالنامه، روزنامه، بولتن و خبرنامه از سوی ایرانیان مقیم انگلیس به زبان فارسی تهیه و توزیع گردیده است. نشریات فارسی زبان چاپ انگلیس عمدتاً به شش دسته مهم تقسیم می‌شوند:

۱. نشریات سیاسی

۲. نشریات علمی

۳. نشریات ادبی و فرهنگی

۴. نشریات طنز و فکاهی

۵. نشریات ورزشی

۶. نشریات خبری و تبلیغاتی

اینک عناوین برخی نشریات، سال شروع فعالیت و خط مشی آنها را با

هم می‌خوانیم:

سال تأسیس

روش یا موضوع

نام

۱۳۶۵

سیاسی

آزادی

۱۳۶۴	ایران	آزادی
۱۳۶۶	هنری - ادبی	آوند
۱۳۶۰	سیاسی	آهنگر در تبعید
۱۳۶۷	فرهنگی	آینده نیلق
۱۳۶۰	نظامی، سیاسی،	آرا
۱۳۶۹	فرهنگی - هنری	ارتباط
۱۳۶۹ دوره سوم	فرهنگی	ارشاد
۱۳۵۸	اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، طنز	اصغر آقا
۱۳۵۷	سیاسی	اعدام
۱۳۷۰	سیاسی	انترناسیونال
۱۳۶۹	سیاسی	ایران پست
۱۳۷۳	سیاسی، اجتماعی	ایران زمین
۱۳۶۰	فرهنگی، ادبی	ایران شهر
۱۳۶۳	فرهنگی	ایرانیان
		بابل و صبح ایران
۱۳۶۹	علمی	برانوش
۱۳۶۴	سیاسی	بلوچستان
۱۳۶۵	سیاسی، انتقادی	پرخاش
		پرچم خاورمیانه
۱۳۶۷	سیاسی	پست ایران
۱۳۶۸	فرهنگی، ادبی	پویشگران
۱۳۷۱	اجتماعی، تبلیغاتی	پیام
۱۳۶۲	سیاسی	پیام جنبش ناسیونالیستی

۱۳۷۲	سیاسی، فرهنگی	پیام امروز
۱۳۶۴	ادبی، فرهنگی	پیام فردا
۱۳۶۶	اجتماعی، فرهنگی، هنری	پیام مهاجر
۱۳۶۰	سیاسی	جبهه
۱۳۶۲	سیاسی	جوانان ناسیونالیست
۱۳۷۰	فرهنگی، ادبی	جوانه
۱۳۶۷	سیاسی	چه باید کرد
		خانه و خانواده
	کمونیستی، سیاسی	دانشجو
۱۳۶۱	سیاسی	دولت و انقلاب
		دنیای بانوان
۱۳۶۴	سیاسی	راه آینده
		راهنمای مشاغل ایرانیان اروپا
۱۳۶۹	ورزشی	رزم نامه
		روزگار نو
۱۳۶۹	اجتماعی، فرهنگی، هنری	رنگارنگ
۱۳۶۰	سیاسی	سام - سام امروز
۱۳۶۵		سپاهان
۱۳۶۸	سیاسی، تئوریک	سرود رزم
۱۳۶۹	فرهنگی، اجتماعی	شوهاز
۱۳۷۲	اجتماعی و فرهنگی	صدای زن
۱۳۶۹	سیاسی، فرهنگی	صدای وحدت
۱۳۶۰		صدای دانشجو

۱۳۶۹	فرهنگی	صوفی
۱۳۵۸	طنز	طاغوت
۱۳۶۷	فرهنگی، اجتماعی	فانوس
۱۳۶۷	فرهنگی، ادبی	فصل کتاب
۱۳۶۷	فرهنگی	فصل نامه (زنان)
۱۳۷۴	فرهنگی	فصلنامه ایران
۱۳۶۰	فرهنگی	فصلنامه کانون ایران
	فرهنگی	کارتون
۱۳۶۹	سیاسی، فرهنگی	کارگرسو سیالیست
۱۳۶۸	سیاسی، ادبی	کانون
۱۳۶۳	سیاسی، فرهنگی، اجتماعی	کیهان لندن
۱۳۶۴	فرهنگی، اجتماعی	گاهنامه
۱۳۶۷		گاهنامه
۱۳۶۴	سیاسی	مردم خاورمیانه
		مسائل بین المللی
۱۳۷۳	سیاسی	مشروعیت
۱۳۶۱	فرهنگی	مقاومت
۱۳۶۰		ممنوعه ها
۱۳۶۸	هنری، ادبی، ورزشی، اجتماعی	میدان
	فرهنگی	ناقوس
۱۳۶۲	ادبی، فرهنگی	نامه کانون ایران
۱۳۶۸	فرهنگی، سیاسی	نامه کانون نویسندگان
		ایران در تبعید

۱۳۶۶	سیاسی	نبرد برای دموکراسی
۱۳۶۰	سیاسی	نشریه اتحادیه انجمنهای
		اسلامی دانشجویان خارج از کشور
۱۳۷۳	خبری، تبلیغی	نیازمندیها
۱۳۶۸	سیاسی، اجتماعی	نیمروز
۱۳۶۷	ورزشی	ورزش
۱۳۶۶	اجتماعی	ویژه نامه
۱۳۶۱	اجتماعی، هنری، ورزشی	هفت روز هفته
امروزه شماری از این نشریات بدلائل مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی فعالیت خود را متوقف کرده‌اند.		

● سمینارها و گردهمایی‌های فارسی در انگلیس

از آنجا که در انگلیس، مراکز فرهنگی، هنری، ورزشی و مؤسسات انتشاراتی بسیاری از سوی ایرانیان مقیم انگلیس بنیاد یافته و هر کدام از این مراکز و مؤسسات به دلیل نیاز مخاطبان فارسی زبان خود فعالیتهایی صورت می‌دهند، یکی از این فعالیتهای برپایی و برگزاری میزگرد، کنفرانس، جلسه سخنرانی، و سمینار است. بدیهی است سخنرانان بیشتر این گردهمایی‌ها به زبان فارسی سخن می‌گویند، نفس برپایی چنین مراسمی خود به خود موجب گسترش و تقویت زبان فارسی می‌گردد.

اینک برای اطلاع از ابعاد این مسأله، شماری از این گردهمایی‌ها را که در سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی در انگلیس برگزار شده‌اند، معرفی می‌کنیم.

۱. سخنرانی نقاشی و هنر معاصر ایران

تاریخ برگزاری: ۱۹۸۸ م.

سخنران: محمود کیانوش

۲. سمینار تصوف و عرفان در ایران

تاریخ برگزاری: ۱۳۶۹ / ۱۹۹۰ م.

۳. دوازدهمین و سیزدهمین سخنرانی از مجموعه سخنرانیهای ماهانه

بنیاد فرهنگی محوی

تاریخ برگزاری: ۱۳۶۹ / ۱۹۹۰ م.

سخنرانان: دکتر جلال متینی: «مرزهای فرهنگی ایران»

الف. آویشن: «زبان از فرهنگ بود یا فرهنگ از زبان بود؟»

۴. سخنرانی شناخت شعر شاملو

سخنران: امیر افشار

۵. بزرگداشت بزرگ علوی

تاریخ برگزاری: ۱۳۶۹ / ۱۹۹۰ م.

سخنران: اسماعیل خوئی

۶. جلسه شعرخوانی

تاریخ برگزاری: ۱۳۶۹ / ۱۹۹۰ م.

سخنران: مهدی اخوان ثالث

۷. کنگره نظامی گنجوی

برگزارکننده: بنیاد فرهنگی محوی

تاریخ برگزاری: ۱۷-۱۵ شهریور ۱۳۷۰/۱۹۹۱ م.

سخنرانان: دکتر عبدالودود اظهر دهلوی

دکتر ثروتیان،

دکتر حمیدیان

دکتر اصغر دادبه

دکتر ذبیح الله صفا

دکتر حشمت مؤید

دکتر سید محمد ترابی

دکتر جاوید

دکتر خالقی مطلق

دکتر سیروس شمسیا (شعر و شاعری از نظر نظامی)

دکتر جلال متینی

۸. گردهمایی ادبیات نمایش ایرانیان در غربت

تاریخ برگزاری: ۱۳۷۰ / ۱۹۹۱ م.

سخنرانان: هادی سندی (شعر)

تقی مختار (ادبیات نمایشی ایرانیان در غربت)

رضا سجادی (آثار ملک الشعراء بهار)

۹. یادوارهٔ م. امید

برگزارکننده: رادیو بی بی سی

تاریخ برگزاری: ۱۳۷۰ / ۱۹۹۱ م.

سخنرانان: نادر نادرپور

جمال میرصادقی

داریوش آشوری

ابراهیم گلستان

۱۰. شعر خوانی

برگزارکننده: انجمن هنرمندان و نویسندگان ایرانی

تاریخ برگزاری: ۱۳۷۱ / ۱۹۹۲ م.

۱۱. گردهمایی سیزدهمین سال تأسیس کانون ایران

تاریخ برگزاری: ۱۳۷۳ / ۱۹۹۳ م.

۱۲. سخنرانی و داستان خوانی

تاریخ برگزاری: ۱۳۷۲ / ۱۹۹۳ م.

سخنران: بهمن فرسی

۱۳. سخنرانی تئوری شعر، عنصر مفقود شده نقد ادبی

تاریخ برگزاری: ۱۳۷۲ / ۱۹۹۳ م.

سخنران: اسماعیل نوری علاء

۱۴. سخنرانی نگاهی دیگر به تجدد و نوآوری در شعر فارسی

تاریخ برگزاری: ۱۳۷۲ / ۱۹۹۳ م.

سخنران: دکتر احمد کریمی حکاک

۱۵. سخنرانی ساعتی با مولانا (طوطی نقل و شکر)

تاریخ برگزاری: ۱۳۷۲ / ۱۹۹۳ م.

سخنران: دکتر محمد عاصمی

۱۶. سخنرانی وضعیت زنان

تاریخ برگزاری: ۱۳۷۲ / ۱۹۹۳ م.

سخنران: خانم عطیه

۱۷. سخنرانی تحولات اخیر شعر و ادب فارسی در تاجیکستان

تاریخ برگزاری: ۱۳۷۲ / ۱۹۹۳ م.

سخنران: دکتر پروان جمشید زاده

۱۸. سخنرانی درباره اندیشه زرتشت

برگزارکننده: انجمن دوستداران زرتشت

تاریخ برگزاری: ۱۳۷۲ / ۱۹۹۳ م.

سخنران: علی اکبر جعفری

۱۹. جشن پاسداری از فرهنگ و هنر ایران

تاریخ برگزاری: ۱۳۷۲ / ۱۹۹۳ م.

۲۱. ادبیات عرفانی ایران

تاریخ برگزاری: ۱۳۷۳ / ۱۹۹۴ م.

سخنرانان: اسماعیل خویی

دکتر حسین الهی قمشه‌ای

۲۲. سخنرانی تصحیح دیوان حافظ

تاریخ برگزاری: ۱۳۷۳ / ۱۹۹۴ م.

سخنران: هوشنگ ابتهاج

۲۳. سخنرانی سنت انجمنهای ادبی ایران

تاریخ برگزاری: ۱۳۷۳ / ۱۹۹۴ م.

سخنران: حمید مصدق

۲۴. شب شعر

تاریخ برگزاری: ۱۳۷۳ / ۱۹۹۴ م.

سخنران: مهرانگیز رساپور (نظری بر سالوسیان شعر حافظ)

۲۵. گردهمایی قصه خوانی

تاریخ برگزاری: ۱۳۷۳ / ۱۹۹۴ م.

۲۶. برپایی آیین جشن نوروز و جلسه سخنرانی فرهنگ ایران

تاریخ برگزاری: ۱۳۷۴ / ۱۹۹۵ م.

سخنران: همایون رنیک

ریچارد ملویل

۲۰. گردهمایی (سرود جنگل) شب شعر

تاریخ برگزاری: ۱۳۷۳ / ۱۹۹۵

سخنران: ژاله اصفهانی

فصل هفتم

سخن آخر و چند پیشنهاد

اکنون بر سر آنیم که با توجه به وضعیت کنونی، مسائل، مشکلات و جایگاه زبان و ادب فارسی در انگلیس راهکارهای اجرایی و پیشنهاداتی ارائه نمائیم.

واقعیت این است که در حال حاضر، عوامل زیر در سرنوشت و جایگاه و آینده زبان و ادب فارسی در انگلیس مؤثرند. این عوامل عبارتند از:

۱. ایرانیان مقیم انگلیس
 ۲. استادان زبان فارسی و ایران شناسان انگلیسی
 ۳. بخشهای فارسی دانشگاهها
- اینک، به یک یک این عوامل می‌پردازیم و تأثیر و نقش آنها را در گسترش و تقویت فارسی باز می‌نمائیم.

■ استادان زبان و ادب فارسی

استادان فارسی آموز به عنوان متولیان و پاسداران رسمی و حرفه‌ای زبان و ادب فارسی می‌توانند آغازگر، محرک و مشوق برنامه‌ها و اقدامات گسترده‌ای در زمینه موضوع و حرفه مورد علاقه خود باشند. اینان قادرند تا با برگزاری سمینارهای علمی، ادبی و هنری و برپائی جلسات و محافل شعرخوانی، تشکیل انجمن استادان فارسی انگلیس، انعقاد مجلس بزرگداشت مشاهیر ادبی ایران مانند؛ مولوی، سعدی، حافظ، نظامی، عطار، خیام، غزالی، فردوسی، عبید زاکانی، سهراب سپهری، ناصر خسرو و خواجه عبدالله انصاری، و فروزانفر و حتی بزرگداشت ایران شناسان و ایران دوستان انگلیسی مانند؛ ادوارد براون، رینولد نیکلسون، فیتزجرالد و پیتز آیوری و ... باعث رواج و رونق فارسی شوند.

همانگونه که گفته شد، عامل دیگری که به تقویت فارسی مدد خواهد رسانید، تشکیل انجمن استادان زبان و ادب فارسی در انگلیس است. در جهت تقویت این انجمن لازم است که تمام استادان فارسی آموز، چه ایرانی چه انگلیسی و چه پاکستانی و هندی، به عضویت انجمن استادان درآیند و جلسات سراسری انجمن حداقل سالی یکبار در یکی از مراکز آموزش فارسی برپا گردد. چنانچه انجمن بتواند در یکی از بخش‌های فارسی دو دانشگاه کمبریج و آکسفورد جایی برای خود بیابد و حتی نشریه‌ای سالانه انتشار دهد، بسیار مطلوب خواهد بود.

■ ایران شناسان انگلیسی

واقعیات تاریخی گواهی می‌دهند که در سده‌های گذشته زبان و ادبیات فارسی دغدغه و دلمشغولی اصلی گروه کثیری از نویسندگان، دانشمندان و فرهیختگان

انگلیسی بوده است. شدت علاقه و دلبستگی برخی از این افراد تا بدان حد بوده که زندگی خود را یکسره وقف مطالعه و تحقیق دربارهٔ زبان و ادبیات فارسی کرده‌اند. نیکلسون، آربری، آیوری و ... نمونه‌ای از این افراد هستند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که علت دلبستگی عمیق و شیفتگی اینان آن بوده است که اینان با معانی بلند و مضامین دلنشین جاری در ادب فارسی اندک آشنائی پیدا کرده‌اند و همینکه جرعه‌ای از آب حکمت و انسانیت ادب فارسی را چشیده‌اند، یکسره دل بدین کلمات بلند و گوهرهای معرفت آموز داده‌اند. تلاش‌ها، علائق، زمینه مطالعاتی و آثار منتشر شده بسیاری از ایران‌شناسان انگلیسی در سه دههٔ اخیر در زمینهٔ فرهنگ، هنر و ادب ایران چهره‌گویای این واقعیت است که این ایران‌شناسان علاقه‌مند به زبان و فرهنگ ایرانی، تمام عمر و همت خود را صرف شناسائی و معرفی فرهنگ، هنر، زبان و ادب ایران کرده‌اند.

اکنون که مسأله مطالعات ایرانی، ایران‌شناسان و شناخت زبان و ادب فارسی و فرهنگ ایرانی در میان انگلیسیان مطرح است، ناگزیر از ذکر این واقعیت تلخ تاریخی هستیم که برخی از ایران‌شناسان انگیزه‌های صرفاً سیاسی داشته‌اند، و متأسفانه در پشت پردهٔ فعالیت‌های علمی و تحقیقاتی این دسته، چهرهٔ زشت استعمار خود را پنهان کرده است. و مسلماً دانش ایران‌شناسی آنان در خدمت منافع امپراطوری انگلیس و وزارت مستعمرات آن بکار رفته است. از این رو، هدف اینان از فارسی‌آموزی و توجه به ادب و فرهنگ ایران بخاطر غنا و ارزش آن نبوده بلکه بدلیل نیازشان برای شناخت و نفوذ بیشتر بوده است. بخلاف این گروه از ایران‌شناسان، گروه دیگری از ایران‌شناسان بوده‌اند که با انگیزه‌های علمی و حتی با شیفتگی به فرهنگ و زبان ایران روی آورده‌اند. شخصیت، برجسته‌ای چون نیکلسون مثل اعلای این گروه است. اینان، با تکیه بر روش‌های علمی کوشیده‌اند تا با ظرایف و لطایف زبان و

ادب فارسی آشنا گردند. حاصل کوشش‌های صمیمانه و بیطرفانه این گروه از ایران‌شناسان، امروزه به صورت هزاران کتاب و مقاله ارزشمند در اختیار ماست.

■ بخش فارسی دانشگاهها

از آن جا که در ۶ دانشگاه انگلیس، بخش فارسی، کرسی ایران‌شناسی و یا مطالعات ایرانی به صورت بسیار فعال و یا به صورت نیمه فعال وجود دارد و در برخی دانشگاهها سابقه بخش فارسی و مطالعات ایرانی به چندین قرن می‌رسد.

از این رو، آنچه در وهله اول لازم می‌نماید این است که نسبت به تثبیت وضعیت موجود اقدام شود و تدابیر خاصی برای تقویت و گسترش آنها اندیشیده شود. برخی از برنامه‌ها و اقداماتی که می‌تواند جایگاه زبان و ادب فارسی را در دانشگاهها و مراکز آموزشی رسمی انگلیسی بهبود بخشد بدین قرارند:

۱. حضور استادان ایرانی و زبان و ادب فارسی در بخش‌های فارسی دانشگاهها
۲. اعطای بورس و یا کمک هزینه تحصیلی به دانشجویان دوره‌های فوق لیسانس و دکتری.

۳. تجهیز کتابخانه‌های بخش فارسی دانشگاهها با کتابهای فارسی.

۴. فراهم آوردن زمینه سفر دانشجویان زبان فارسی به ایران (سفرهای تشویقی کوتاه مدت)

۵. تهیه و تدوین متون آموزشی مناسب برای سطوح مختلف آموزشی

۶. حمایت از انتشار آثار استادان و دانشجویان زبان و ادب فارسی انگلیسی

۷. انتشار مجله‌ای ادبی به زبان‌های فارسی و انگلیسی از سوی بخش فارسی

دانشگاه کمبریج.

۸. برگزاری دوره‌های مکالمه فارسی برای دانشجویان فارسی آموز.
۹. ارسال شاهکارهای ادب فارسی برای دانشجویان فارسی.
۱۰. برگزاری سمینارها و جلسات تخصصی سالانه درباره زبان و ادب فارسی.
۱۱. تجهیز بخشهای فارسی به دستگاههای سمعی و بصری و نوارهای آموزشی فارسی.

■ ایرانیان مقیم انگلیس

جمعیت فراوان ایرانیان مقیم انگلیس با امکانات و علائق بسیارشان می‌توانند در سرنوشت و وضع فارسی بسیار مؤثر باشند. اینان دارای دهها نشریه، کتابفروشی، مدرسه و آموزشگاه هستند و سالانه هزاران جلسه سمینار، گردهمایی، شب شعر و محفل خانوادگی برگزار می‌کنند و طبیعتاً به زبان فارسی علاقمندند و حتی شماری از آنها به جد و جهد تمام در راه حفظ و تقویت زبان فارسی در بین نسل دوم ایرانیان می‌کوشند. بسیاری از خانواده‌های ایرانی نگران دور شدن فرزندانشان از فرهنگ و زبان ایرانی هستند و تلاش دارند تا فرزندان خود را در مدارس و آموزشگاههای ایرانی ثبت نام کنند. متأسفانه در برابر نیاز این گروه، امکانات و نیروی انسانی کافی در اختیار نیست و از طرف دیگر، برخی از نشریات فارسی که در انگلیس منتشر می‌شود، تغییر خط و الفبا و نحوه نگارش جدیدی مطرح می‌کنند. ضمن آنکه در بسیاری از نشریات مطالب مبتذل، مضحک و گاه عنادآمیز در رابطه با ارزشهای فرهنگ اسلامی و ذخایر ادبیات فارسی درج می‌گردد انتشار این مطالب هم به سردرگمی برخی از ایرانیان می‌انجامد و هم تضعیف فارسی را در پی دارد. برای بهبود وضعیت فارسی در بین ایرانیان اقدامات زیر ضروری است:

۱. ایجاد مرکز آموزش فارسی، به منظور آموزش نسل دوم ایرانیان.
۲. تجهیز کتابخانه‌های مراکز و انجمنهای علمی و آموزشی و پژوهشی ایرانیان.
۳. ارسال مواد مناسب آموزشی برای ۱۳ مرکز آموزش فارسی.
۴. تهیه و تدوین جزوات و کتابهای درسی برای سطوح مختلف آموزشی.
۵. اهداء جوایز به کودکان ایرانی از سوی رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی در انگلیس.
۶. برپائی جلسات منظم سخنرانی و برگزاری شب شعر به زبان فارسی.
۷. ارسال منظم کتاب فارسی به کتابفروشی‌ها و مراکز انتشاراتی انگلیس.
۸. فراهم آوردن امکانات، سفر تشویقی به ایران برای دانش آموزان و دانشجویان.
۹. تهیه و ارسال مواد آموزشی فارسی به صورت نوار ویدیویی، کاست و دیسک نوری.
۱۰. ایجاد مرکز ارائه فیلمهای فارسی به صورت نوار ویدئو.

فهرست اعلام

نام کسان

۹۲	افشار، امیر	۳۷	آدامز، سر توماس
۶۸	افشار، ایرج		آبربی ← آبربی، آرتور جان
۱۸، ۱۶، ۱۵	افشار، میرزا حاجی بابا	۶۳، ۶۲، ۵۲، ۴۴، ۴۱	آبربی، آرتور جان
۹۶	الهی قمشه‌ای، حسین	۱۰۰، ۶۴	
۳	الیزابت		آرنولد، ادوین ← آرنولد، سر ادوین
۷۶	امرسن، جان	۳۳	آرنولد، توماس واکر
۱۰	امیری، کیومرث	۴۴، ۲۵	آرنولد، سر ادوین
۱۰۰	انصاری، خواجه عبدالله	۴۹، ۲۵، ۲۴	آرنولد، متیو
۵۰، ۴۹، ۴۷	انوری	۹۴	آشوری، داریوش
۴۹	اوبارد، رابرت	۷۹	آمیة، پیر
۵۰، ۲۱، ۲۰	اوزلی، سرگور	۹۲	آویشن
۵۰، ۲۰، ۱۹	اوزلی، ویلیام	۱۰۲، ۱۰۰، ۷۷، ۶۴، ۴۹، ۴۶	آیوری، پیتر
۸۲	اوصیاء، پرویز	۹۶	ابتهاج، هوشنگ
۳	اولجایتو	۲۱	ابن حوقل
۸۰	اونس، کتی	۳۵	ابوالخیر، ابوسعید
۶۳	ایران‌شهر، کاظم زاده	۵۱، ۴۹	اتکین سون، جیمس
۴۴	ایست ویک، ادوارد	۵۵	اتی و تسن، سر راجر
۵۳	بابا طاهر	۹۲	اخوان ثالث، مهدی
۵۰	باپسی	۲	ادوارد اول
۷۸	باتسورث، کلیفورد ادموند	۳	ادوارد دوم
۴۸	بارت، دبلیو. س.	۸۳	اردلان، داور
۴۶	بازورث	۲	ارغون شاه
۵۲	باکر، ویلیام تورن هیل	۴۹	استابز، جان هیث
۲۵	بایرون	۵۴	استارک، فریا
۵۴	بایرون، مری	۲۱	استرابون
۱۴	بخارایی، عصمت	۳۱	اسفندیار، محمد بن حسن
۵۸	بدول، ویلیام	۵۵	اسکرین، سر کلرمونت
۳۵، ۳۲، ۳۱، ۳۰، ۲۹	براون، ادوارد گرانویل	۵۴	اسمیت
۱۰۰، ۷۹، ۶۴، ۶۳، ۵۹، ۳۷، ۳۶		۶۳، ۳۶	اسمیتز، روبرتسون
۴۴	برتون، سر ریچارد	۶۰	اصفهان‌ی، ابوطالب
۷۸	برنتجنس، س.	۹۷	اصفهان‌ی، ژاله
		۹۳	اظهر دهلوی، عبدالودود

۹۳	جاوید	۵۳	برنتون، ای. سی.
۹۵	جعفری، علی اکبر	۷۸	بروک، پ. کرین
۶۵، ۶۰، ۴۱، ۳۲	جلالی، احمد	۴۸	بریجز، الیزابت
۹۵	جمشید زاده، پروان	۵۴	بلانت، ویلفرید
۴، ۳	جنکینشن، آنتونی	۵۱	بلاند
۲۱، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰	جونز، سر ویلیام	۵۳	بلیک، آ. ج.
۵۸، ۴۹		۶۳، ۳۰، ۲۹	بواناتی، میرزا محمد باقر
۴۴، ۱۵	جونز، سرهارد فورد	۵۴	بولارد، سر رید
	جونز، ویلیام ← جونز، سر ویلیام	۴۶	بویل، جان
۸۰	جیکابش، آدام	۳	بهادرخان، ابوسعید
۶	جیمز	۱۸	بیک دنیلی، عبدالرزاق
۲	جیمز دوم	۸، ۷	بیک، نقد علی
۱۷	چخماق ساز، استاد محمد علی	۲۸	بیکنل، هرمن
۴۶	چرچیل، سیدنی	۵۱	بین یون، لارنس
۴۹	چمپیون، ژوزف	۳	پاپ کلماں پنجم
۷، ۶	حائری، عبدالهادی	۶۳، ۶۲، ۵۲، ۴۹، ۴۷	پالمر، ادوارد هنری
۱۷	حاجی باقرخان	۵۰	پاوری
۱۰۰، ۴۹، ۴۸، ۴۷، ۳۸، ۲۸، ۲۷، ۱۲	حافظ	۵۸	پکوک، ادوارد
۹۳	حمیدیان	۴۴	پلاس، جی. تی.
۹۳	خالقی مطلق	۴۵	پول، استانیلی
۷۳	خطابی	۸۴، ۸۳	پویان، منصور
۹۶، ۹۲	خوئی، اسماعیل	۵۳	پیکرنیک، سی. جی.
۵۳، ۵۰، ۳۸، ۲۷، ۲۶، ۲۴	خیام، حکیم عمر	۴۵	پیگوت، ج.
۱۰۰		۴۸	پین، جان
۹۳	دادبه، اصغر	۹۳	ترابی، سید محمد
۲۰	دارسی تاد	۳۱	تربیت، میرزا محمد علی خان
۱۸، ۱۷	دارسی، کلنل	۶۳	تقی زاده
۷۹، ۶۴	دارک، هیوبرت	۵	توتونی، پروین
۴۹	داربوش	۴	تیمور لنگ
۸۰	دبلیوز، فرانکوئیز	۹۳	ثروتیان
۶۳، ۶۲	دوبلشن، هوگ		جامی ← جامی، عبدالرحمن بن احمد
۴۶	دورانده، مورتیمر	۵۳، ۲۶، ۲۳	جامی، عبدالرحمن بن احمد
۲	دوشارتر، نیکلاس	۴۴	جانسون، فرانسیس

۹۳	سندی، هادی	۲	دولانگی، جفری
۱۵	سوترلند	۴۷	دهلوی، امیر خسرو
۵۹	سود آور، فریدون	۴۳	دیومولین، جیمس
۱	سینا، ابوعلی	۴۶	دیوی، جورج اسکات
۴، ۳	شاه طهماسب	۵۱، ۵۰، ۲۸، ۲۷، ۹	رایبسون، سر هنری
	شاه عباس ← شاه عباس اول		رایبسون، هنری ← رابینسون، سر هنری
۵۸، ۷، ۵، ۴	شاه عباس اول	۲۱	رازی، امین احمد
۲۶	شیبستری، شیخ محمود	۲۱، ۱	رازی، محمد بن زکریا
۸، ۷، ۶، ۵	شرلی، رابرت	۳۵، ۳۴	راس، دنیسون
۵، ۴	شرلی، سر آنتونی	۴۵	رالینسون، جورج
۲۴، ۱۴، ۴	شکسپیر، ویلیام	۴۹	رایت، تاماس
۲۳	شمس تبریزی		رایت، دنیس ← رایت، سر دنیس
۹۳	شمیسا، سیروس	۷۵، ۸، ۶	رایت، سر دنیس
۷	شهسوار	۹۶	رساپور، مهرانگیز
۶۰، ۵۹	شیخ الاسلامی، علیرضا	۴۶	رضا شاه
۴۵	شی، دیوید	۹۶	رنیک، همایون
۱۸، ۱۷	شیرازی کازرونی، میرزا صالح	۵۲	روباک، تی
۲۵	شلی	۵۳	روزن، فریتز
۶۹	صبری تبریزی	۳۷، ۳۶، ۲۳، ۱۴	رومی، مولانا جلال الدین
۳۶	صدیق	۱۰۰	
۹۳	صفا، ذبیح الله	۴۵	رهاتسک، ادوارد
۷۳	صفوی، شاه اسماعیل	۴۷	ریچاردسون، جان
۷	صفوی، شاه سلطان حسین	۱۰۰	زاکاتی، عبید
۶	طاهرینا، منوچهر	۵۸	زند، کریمخان
۳۲، ۲۷، ۲۲، ۱۱، ۹، ۵، ۲	طاهری، ابوالقاسم		سائین، لارنس الول ← سائین، لارنس الول
۹۵	عاصمی، محمد	۶۹، ۵۲، ۴۶، ۴۱	سائین، لارنس الول
۲۰، ۱۸، ۱۷، ۱۶، ۱۵	عباس میرزا	۴	سال بنک، جوزف
۵۲	عراقی، فخرالدین	۳۴، ۳۳	سایکس، سر پرسی
۳۹	عربی، محی الدین	۱۰۰	سپهری، سهراب
	عطار ← عطار، فریدالدین	۹۳	سجادی، رضا
۱۰۰، ۵۳، ۳۸، ۳۱، ۲۳	عطار، فریدالدین	۸۵	سخایی، رضا
۹۵	عطیه	۱۰۰، ۵۰، ۴۶، ۴۳، ۳۸، ۱۴	سعدی
۸۳	عمران، فرید	۴۴	سک، ادوارد رهات

۳۲	کرزن، جورج ناتانیل	۷۳	عنایت، حمید
۹۵	کریمی حکاک، احمد	۷۳	عنایت، آنا
۵۵	کلارک، ب.	۳۱	عوفی
۵۵	کلارک، ج.	۳، ۲	غازان خان
۵۱، ۴۸	کلارک، ویلیام فورس	۱۰۰، ۷۹، ۱	غزالی، امام محمد
۷۶	کلاین، رودیگر	۱	فارابی، ابو نصر
۲۵	کنت دوگوبینو	۴۳	فالكوتز، فوربز
۱۲، ۱۱	کنت رویج کی	۸۰	فاین، تیسن
۶	کنوک، ادوارد	۲۷، ۲۱، ۲۰	فتحعلیشاه قاجار
۶۳	کوئل، ای. بی.	۴	فرایت، جان کار
۶۴	کوپر، جان	۱۰۰، ۵۱، ۵۰، ۴۹، ۴۷، ۳۸، ۱۴، ۱۳	فردوسی، ۱۳، ۱۴، ۳۸، ۴۷، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۱۰۰
۷۷	کودریک، سوفی	۹۴	فرسی، بهمن
۴۵	کوستلو، ل. س.	۱۰۰، ۴۱	فروزانفر، بدیع الزمان
۵۰	کویاجی	۴	فریار، جان
۹۲	کیانوش، محمود	۵۵	فریزر، جیمس بیلی
۴۵	کینو، جان	۵۳	فوریز، وان کن
۷۶	کیلر، آنا بل	۵۵	فولرتون، اییس
۹	کینس، ویل	۵۹، ۵۳، ۲۶، ۲۴، ۲۳	فیتز جرالده، ادوارد
۵۳	کینگ، رن	۱۰۰	
۷۶	گاردنر، آنتونی جی.	۴۶	فیشر
۷۴، ۵۹	گرنی، جان	۵۳	فیلات، د.
۱۱، ۱۰	گریورز، جان	۵۲	فیلد، آ.
۵۲، ۴۳، ۹	گلاوین، فرانسیس	۶۳، ۳۸	قزوینی، میرزا محمد خان
۹۴	گلستان، ابراهیم	۱۸، ۱۷	فولونل خان
۷۳، ۶۶	گنجه‌ای، تورخان	۴۵	کاپیتان هنت
۲۷، ۲۶	گوه لی، ین، ریچارد	۵۵	کارس ول
۳۲	گیب، ای. جی. و.	۱۶	کارمک
۴۷	لا، ناماس	۵۴	کارول، مایکل
۶۹، ۳۹، ۲۳	لاهوری، علامه اقبال	۱۶، ۱۵، ۱۴	کاظم، محمد
۲۰	لرد چی چستر	۵	کالینز، ویلیام
۶۷	لفت		کاول ← کاول، ای. بی.
	لمبتون ← لمبتون، کانترین	۵۹، ۲۳	کاول، ای. بی.
۷۹، ۶۶، ۵۳، ۵۲	لمبتون، کانترین	۵۵	کدنیز، جان مکدانلدز

لمسدن، ماثیو	۵۰	مولوی، جلال الدین ← رومی، مولانا
لوگالی بن، ریچارد	۴۸	جلال الدین
لوی، روبن	۵۲، ۴۴	مهندس باشی
لیس، نیسان	۴۴	میثمی، جولیا
لیندسی	۱۷	میثمی، جولی اسکات
مارلو، جان	۴۶	میرزا ابوالحسن خان
مارلو، کریستوفر	۴	میرزا بزرگ
متینی، جلال	۹۳، ۹۲	میرزا تقی
محمد شاه	۲۷، ۱۷، ۱۶	میرزا رضا
محمد علی	۱۸	میرزا رضا سلطان توپخانه
محمد میرزا	۱۶	میرزا سید جعفر
مختار، تقی	۹۳	میرزا مهدی الله
مرینگ، گران	۴۸	میر صادقی، جمال
مرتون	۶۶	میس، جان
مسائی، آر. پی.	۵۳	میکن، تریز
مستوفی، حمدالله	۲۱	مینوی، مجتبی
مشیرالدوله	۱۷	مؤید، حشمت
مصدق	۷۵	نات، جان
مصدق، حمید	۹۶	نادر پور، نادر
معری، ابوالعلا	۳۸	نادر شاه ← نادر شاه افشار
معطر، ابراهیم جان	۲۹	نادر شاه افشار
مکارتی، جوس تین هانتلی	۴۸	ناصرالدین شاه
مک لاخلان	۷۴	ناصر خسرو
ملاح، حسینعلی	۱۸	نظامی عروضی
ملکم، سرجان	۲۷، ۲۲	نظامی گنجوی
ملویل، چارلز	۷۶، ۶۴	نوائی، عبدالحسین
ملویل، ریچارد	۹۶	نوربخش، جواد
مورتی، ویلیام	۴۵	نوری علاء، اسماعیل
مور، سر توماس	۵	نیکلسون، رینولد آلن
مورکاتن	۸	۳۹، ۳۸، ۳۷، ۳۶، ۳۵، ۳۴، ۳۳، ۳۲، ۳۱، ۳۰
مورگان	۷۸	واتسون، پولیور
موریه، جیمز	۴۵، ۱۸، ۱۶	واتسون، رابرت گرانت
مولوی ← رومی، مولانا جلال الدین	۵۴	وارد، فیلیپ

۴۸	والتریف
۴۴	وایت، سر لوکاس
۲۵	وردورث، ویلیام
۴۴	ولاستون، سر آرتور
۵۳	ویلسون، سی. ای.
۵۵	ویل وست، ویکتور یاسک
۲۶	وین فیلد، تی. اچ.
۵۲	هاکر، س. ال.
۷۸	هالیدی، فرد
۴۷	هاید، تاماس
۴	هربرت، توماس
۲۱	هرودوت
۶۷	هزریگ، ادموند ام.
۲۰	هستینگز، مارکوس اف.
۱۰	هستینگز، وارن
۶۲	هوس، پیتر
۴۵، ۳۴	هولدیج، توماس
۲۳	هومر
۵۸	هید، توماس
۷۵	هیلی براند، روبرت
۴۷	هیندلی، جان هدون
۶۲	یاحقی، محمد جعفر
۱۹	یورک، دوک آف

نام کتابها و مقالات

۶۴	اوستا	۳۵	آغاز دوره زندگی شاه اسماعیل
۶۶	ایران دوره قاجاریه	۵۲	آواز عشاق
	ایران دیکتاتوری و عمران و توسعه سال	۴۷	آوای نی
۷۸	۱۹۷۹	۲۲	احسن التواریخ
	ایرانشناسی در انگلستان، وضع کنونی و	۵۲، ۵۱	ادبیات ایران
۷۷	آینده آن	۷۷	ادبیات معاصر ایران
۷۷، ۴۶	ایران نوین	۶۳	ادوارد گرانویل ایرانی
۴۶	ایران و اسلام	۲۵	ادیان و آراء فلسفی در آسیای مرکزی
۳۲	ایران و مسئله ایران	۲۳	آدیسه
۷۵، ۸، ۶	ایرانیان در میان انگلیسیها	۵۴	از جای خانه ایرانی
۷۶	بازرگانی کاروانی در ایران صفوی	۳۹	اسرار خودی
۲۵	با سعدی در بوستان یا کتاب عشق	۵۱	اسکندر نامه
۲۱	بختیار نامه	۵۴	اشتران باید به حرکت درآیند
۴۴	بدایع سعدی	۶۱	اشعار ابوطالب اصفهانی
۷۸	بررسی تاریخ سیستان	۳۱	اشعار ایران جدید
۴۴، ۴۳	بوستان		اشعار شمس الدین محمد حافظ
۵۳	بهارستان	۴۸	شیرازی
۵۵	به جستجوی گل در ایران	۳۵	اشعار ظهیرالدین محمد بابر
	پژوهشی تاریخی در باب مبدأ و رشد	۳۵	اشعاری از دیوان حافظ
۳۸	تصوف		اصطلاحات و ضرب المثلهای زبان
۴۴، ۴۳	پندنامه سعدی	۵۲	فارسی
۷۵	پیر دلواله	۵۴	اصفهان، دُر ایران
۴۵	تاریخ اتابکان فارس		اصفهان و خاندان صفویه از دیدگاه
۳۵، ۳۱	تاریخ ادبیات ایران		نویسندگان و جهانگردان انگلیسی در
۳۸	تاریخ ادبیات عرب	۵	قرن ۱۶، ۱۷ و ۱۸ میلادی
۴۷	تاریخ ادیان باستانی ایران	۷۹، ۶۶، ۵۴	اصلاحات ارضی در ایران
۳۴	تاریخ افغانستان	۷۹	اقطاع و فتودالیت
۳۱	تاریخ انقلاب ایران	۳۹	اللمع
۶۵، ۴۶، ۴۵، ۲۲	تاریخ ایران	۷۶	امپرسیون و تخیل در نقاشیهای ایرانی
۴۶	تاریخ ایران جدید	۳۱	انقلاب ایران و جراید
۴۵	تاریخ پادشاهان قاجار	۷۵	انگلیسیها در میان ایرانیان

- | | | | |
|--------|---|--------|--|
| ۴۸ | تصویرهایی از ایران | ۴۵ | تاریخ پنج سلطنت بزرگ مشرق زمین |
| ۳۳ | تعالیم اسلام | ۴۶ | تاریخ جهانگشای جوینی |
| ۷۹ | تغزل فارسی | ۳۴ | تاریخچه کرمان |
| ۶۴ | تفسیر طبری | ۲۲ | تاریخ رشیدی |
| | تفکرات اقلیدسی در انتقال به زبان فارسی | ۱۸ | تاریخ روابط فرهنگی ایران |
| ۷۸ | | | تاریخ روابط فرهنگی ایران از حمله مغول تا پایان سلسله قاجار |
| ۶۶ | جامعه اسلامی در ایران | ۲ | |
| ۶۲ | جزیره بی آفتاب | ۳۱ | تاریخ سفالگری عثمانی |
| ۵۵ | جلفای جدید | ۲۲ | تاریخ طبری |
| ۴۵ | جنگ انگلیس و ایران بر سر هرات | ۲۲ | تاریخ ظفر نامه |
| ۵۵ | جنگ جهانی در ایران | ۷۴ | تاریخ فرهنگی دارالفنون در ایران |
| ۲۱ | جهان آرای غفاری | ۴۵ | تاریخ قدیم و جدید ایران |
| ۷۷ | چاپ و نشر | ۴۶ | تاریخ معاصر ایران |
| ۴۵ | حاجی بابای اصفهانی | ۳۴ | تاریخ مفصل ایران |
| ۴۹ | حافظ شیرازی | ۵۵ | تاریخ نادر شاه |
| ۲۲ | حبیب السیر | ۲۲ | تاریخ نادری |
| | حکام محلی مکران و قصدار در آغاز دوره اسلامی | ۴۵ | تاریخ نخستین پادشاهان ایران |
| ۷۸ | | ۴۵ | تاریخ و نژادنگاری مکران |
| ۴۹ | خاطرات بیشتری از حافظ | | تأثیر قصه‌ها و ادبیات عامیانه در ادبیات نوین ایران |
| ۲۳ | خلاصه‌ای از خاطرات ایران | ۴۱ | |
| ۳۱ | خلاصه‌ای از رویدادهای اخیر ایران | ۳۵ | تحقیقاتی درباره اشعار اسلامی |
| | خلاصه‌ای در شرح احوال و اشعار فردوسی | ۳۸، ۳۱ | تذکره الاولیاء |
| ۵۰ | | ۳۱ | تذکره دولتشاه سمرقندی |
| ۲۱ | خلاصه تاریخ ایران | ۳۹ | ترجمان الاشراف |
| ۳۱ | خلاصه تاریخ طبرستان | ۴۸ | ترجمه رباعیات حافظ |
| ۴۶ | خلیج فارس در سده بیستم | ۷۷ | ترجمه رباعیات خیام |
| ۵۱، ۱۴ | خمسه نظامی | ۳۵ | ترجمه مثنوی مولانا |
| ۵۲ | خود آموز دستور زبان فارسی | | ترجمه و شرح مثنوی مولانا جلال الدین |
| ۵۱ | خود آموز فارسی نو | ۳۶ | |
| | دامستان حضرت ابراهیم در کشف الاسرار | ۴۰ | ترجمه‌هایی از شعر و نثر مشرق زمین |
| ۷۷ | مبیدی | ۷۹ | تزیینات ایرانی ۱۹۷۷ |
| ۴۰ | داستانهای عرفانی | ۷۹ | تصاویر قدیمی از بناهای شوش ۱۹۵۹ |
| ۴۴ | داستانهایی از بوستان | ۷۳ | تصحیح دیوان شاه اسماعیل صفوی |

۵۰	زنان ایران باستان	۵۰	داستانهایی که در شاهنامه آمده
۷۴	زندگی و آثار ادوارد براون	۵۰	داستانهایی نقل از شاهنامه فردوسی
۳۳	سبک مینیاتور در ایران	۳۳	داستان هشت سال اقامت در ایران
۵۵	سرزمین صوفی بزرگ	۴۵	در ایران قدیم و جدید
۵۴	سفر در ایران	۴۴	در سیرت پادشاهان و اخلاق درویشان
۴۸	سفر نامه	۵۴	دره حشاشین
۵۵	سفری در زمستان از قسطنطنیه تا تهران	۵۳، ۴۶	دستور زبان فارسی
۴۵	سکه‌های شاهان ایران	۱۰	دستور زبان فارسی برای انگلیسیان
۵۳، ۲۳	سلامان و آبسال	۶۶	دستور زبان و روش تدریس فارسی
۴۴	سومین باب از بوستان سعدی	۵۳	دستور فارسی نو
۷۹	سیاستنامه	۵۳	دستور مختصر زبان فارسی
۶۴	سیر الملوک	۷۸	دو جلد تاریخ غزنویان
۱۱، ۹، ۵	سیر فرهنگ ایران در بریتانیا	۳۳	ده هزار مایل سفر
۵۵، ۳۲، ۲۷، ۲۲	شاهنامه	۳۵	دیوان اشعار ترکی و فارسی بایرام خان
۵۰، ۴۹، ۲۴، ۲۲، ۱۳	شرح حال ابوسعید ابوالخیر	۵۸، ۴۹، ۴۸، ۴۷، ۳۰، ۱۴	دیوان حافظ
۳۵	شرحی از سپاهان	۳۵	دیوان شمس تبریزی
۴	شرق و غرب	۵۲	راهنمای زبان فارسی
۲۶	شش رساله درباره شعر و ادب آسیایی	۴۶	راهنمای سیاسی
۵۱	شعری از اصل فارسی نظامی	۷۶	راهی که شاه عباس پیمود
۷۵	صحنه‌هایی از تاریخ مناسبات ایران و انگلیس	۵۲	رباعیات بابا طاهر
۳۱	طب اسلامی	۵۹، ۲۶، ۲۴، ۲۳	رباعیات خیام
۷۷	ظاهر و باطن در کشف الاسرار مبینی	۳۸	رساله الغفران
۵۳	عرفان اسلامی	۱۷	رساله سرحدیه
۳۹	عرفان در اسلام	۵۰	رستم و اکوان دیو
۳۵	عرفای اسلام	۴۹	رستم و سهراب
۴۴	عشق	۴۱	روابط خانوادگی در ادبیات عامه ایران
۵۳	عقاید متصوفه ایران	۴۵	روضة الصفاء
۴۹	غزلها و ابیاتی چند از حافظ	۴۰	رومی شاعر و عارف
۴۷	غزلهای فارسی	رومای استعماری اواخر قرن نوزدهم:	
۴۷	غزلهایی برگزیده از شاعر ایرانی حافظ	۷۴	میراث کرزن
۲۵، ۲۴	فرهنگ خاورشناسان	۵۳	زاری بابا طاهر
		۵۲	زبان فارسی
		۱۰	زبان و ادب فارسی در هند

- فرهنگ فارسی به انگلیسی ۶۶
فرهنگی از کلمات قصار شرقی به فارسی و عربی ۵۲
قرائت فارسی نو ۵۲
قصه‌های مشدی گلین خانم ۴۱
قلب آسیا ۳۵
قنات در خاور میانه و شمال آفریقا ۷۴
کتابشناسی آلتاریوس خاور شناس آلمانی و مأموریت اور در روسیه و ایران ۷۶
کتابشناسی جنگ عراق و ایران ۷۶
کتابهای خطی دربارهٔ بهائیان و شیخیه ۳۰
کردها در یک بررسی معاصر ۷۸
کُرسی‌های زبان و فرهنگ ایران در دانشگاه‌های انگلستان ۴۱، ۶۰، ۶۵
کشاورزی از خراسان ۳۴
کشاورزی ایران با باغ غفلت زده ۷۲
کشف المحجوب ۳۸
کشور و مردم ایران ۴۵
کلیات سعدی ۱۴
کلید دستور زبان فارسی ۵۲
کنفرانس پرندگان، تفسیر صوفیانه ۵۳
کنگاشستان پرندگان ۵۳
کیمیای سعادت ۷۹
گزارشی از سالهای مسافرت در آفریقا و آسیای کبیر بویژه سرزمینهای ایران و هند شرقی ۴
گزیده‌ای از رباعیات و غزلیهای حافظ ۴۸
گلچین ادب فارسی ۳۱
گلدان مقدس ایرانی ۱۹۶۵ ۷۹
گلزار ایران ۴۵
گلستان سعدی ۱۳، ۲۶، ۲۹، ۴۳، ۴۴
گل سرخ در نقاب ۴۹
گلشن راز ۲۶
گوشه‌های سه گانه ایرانی ۷۹، ۵۴
لاله سرخ ۵
لباب الالباب ۳۰
لغات ترکی در فارسی پیش از مغول ۷۳
لوايح ۲۶
لیلی و مجنون ۵۱، ۱۴
ماجرای حاتم طایی ۵۳
مالک و زارع در ایران ۷۹، ۶۶، ۵۴
ماهی سفید کور در ایران ۵۴
مأثر السلطانیه ۱۸
مثنوی ۲۳، ۲۶، ۴۰، ۴۹
مجموعه‌ای از داستانها و برگزیده‌ای از اشعار شعری عرب و ترک و فارسی زبان ۲۱
مجموعه‌ای از نوشته‌های فارسی ۲۰
مخزن الاسرار ۵۱
مرزهای ایران ۷۴
مسافرتهاى یک کشیش ۴
مسافر تهران ۵۵
مسالک و ممالک ۲۱
مسیر طالبی ۶۱
مطالعانی در شعر اسلامی ۴۰
مطالعانی در عرفان اسلامی ۴۰
مطبوعات ایران از سال ۱۳۲۶ تا ۱۳۳۰ ۴۱
معنای شخصیت در تصوف ۴۰
مغولها ۷۸
مقالات شرق شناسی ۴۱، ۶۳
مقالات شرق شناسی چهره هفت عالم ۶۲
مقالاتی تحقیقی و سیاسی ۳۱
ملاحظاتى در میان احوال و شرح زندگانی شعری ایران ۵۰
ملک الشعرا ۴۸
منابع ادبی تعزیه ۴۱

- منتخبی از آثار نویسندگان ایرانی ۵۴
- منتخبی از اشعار دیوان شمس تبریزی ۳۷
- منشی ایرانی ۵۲
- منطق الطیر ۵۳، ۲۳
- منظومه‌های نظامی ۵۱
- منظومه سهراب و رستم ۲۴
- موزه لوور و آثار عتیقه ایران ۷۹
- نامه اهل خراسان ۵۰
- نخستین رویاروییهای اندیشگران ایرانی ۷
- نخستین گام در راه فراگرفتن فارسی ۵۳
- نمونه‌ای از اشعار فارسی ۴۷
- نور در مشرق ۵۴
- نوشتن و سخن گفتن به فارسی ۵۲
- نیکمرد و گناهکار ۴۳
- واژه نامه جیبی انگلیسی و فارسی ۵۲
- هاتف ۱۴
- هرمان بیکنل ۲۸
- هفت پیکر ۵۱
- هفت قرن تاریخ ایران ۷۸
- یادداشت‌های سفر آکسفورد ۶۱
- یادداشتی جغرافیائی درباره کشور ایران ۵۵
- یک بهار ایران ۵۴
- یک سال در میان ایرانیان ۳۰

جایها

۸	بهشهر	۳، ۲	آراگن
۳، ۲	بیت المقدس	۱۳	آسیا
۲۵	بیرمنگام	۶۷، ۵۹، ۵۸، ۵۵، ۴۷	آکسفورد
۶	پرتغال	۳۲	آمریکا
۶۶، ۳۱، ۳۰، ۱۸، ۱۷، ۱۶	تبریز	۳	آوین یون
۲۷	تخت جمشید	۳	ارمنستان
۳۲	ترکستان	۳۳، ۱۹، ۱۴، ۷، ۶، ۳	اروپا
۵۸، ۲۹	ترکیه	۵۸	ازمیر
۶۲	ترینتی کالج	۶، ۲	اسپانیا
۷۵، ۶۲، ۵۴، ۳۰، ۲۴، ۱۵، ۱۰، ۷، ۶، ۲	تهران ۲	۲۹	استانبول
۳۲	چین	۶۹	اسکاتلند
۸۳	خانقاه نعمت الهی	۷۴، ۳۰، ۴	اصفهان
۳۴	خراسان	۳۲	افغانستان
۸، ۶	خلیج فارس	۱۶، ۱۴، ۱۱، ۹، ۸، ۷، ۶، ۴، ۳، ۲، ۱	انگلیس
۲۴	دانشکده اوریل	۲۸، ۲۶، ۲۵، ۲۴، ۲۳، ۲۲، ۲۰، ۱۹، ۱۸، ۱۷	
۲۵	دانشکده دکن	۶۳، ۶۲، ۶۰، ۵۷، ۵۴، ۴۴، ۴۳، ۳۶، ۳۳، ۳۱	
۳۳	دانشکده زبانهای شرقی لاهور	۱۰۱، ۱۰۰، ۹۹، ۹۱، ۸۷، ۸۵، ۸۲، ۸۱، ۷۵	
	دانشکده زبانهای شرقی و آفریقایی	۱۰۴، ۱۰۳، ۱۰۲	
۳۴	لندن	۱۸، ۱۷، ۱۶، ۱۴، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱	ایران
	دانشکده شرق شناسی دانشگاه کمبریج	۳۱، ۳۰، ۲۹، ۲۷، ۲۵، ۲۳، ۲۲، ۲۱، ۲۰، ۱۹	
۵۰	دانشکده فورت ویلیام	۶۰، ۵۹، ۵۸، ۵۵، ۵۴، ۴۵، ۳۵، ۳۴، ۳۳، ۳۲	
۷۹، ۵۳	دانشکده مطالعات شرقی لندن	۹۹، ۷۵، ۷۴، ۷۰، ۶۹، ۶۸، ۶۷، ۶۶، ۶۵	
۹	دانشکده هیلی بوری	۱۰۴، ۱۰۳، ۱۰۱، ۱۰۰	
	دانشگاه آکسفورد	۲۴	باشگاه خیام
۱۰۰		۲۴	بالیول کالج آکسفورد
۶۹، ۵۷، ۴۶	دانشگاه ادینبورگ	۶۳	برلین
۶۹	دانشگاه جان دیلاتندس منچستر	۱۵	بریتانیا
۷۰، ۶۷، ۵۷	دانشگاه دورهام	۳۳	بلوچستان
	دانشگاه کمبریج	۱۴	بمبئی
۷۰، ۶۶، ۶۵، ۶۴، ۶۳، ۶۲، ۶۱، ۵۹، ۵۸، ۵۷		۷	بندر پرتسموت
		۲۶	بنگال

کلکته	۱۰۳، ۱۰۰، ۷۷، ۷۶	۵۸، ۵۲، ۵۰، ۴۷، ۴۴، ۴۳، ۱۴، ۱۰
دانشگاه لندن	۷۸، ۷۴، ۷۰، ۵۷، ۳۷، ۳۵، ۳۴	۷۹، ۶۳، ۶۲، ۶۱، ۵۲، ۳۷، ۲۹
دانشگاه منچستر	۶۸، ۶۷، ۵۷، ۴۶	کنسولگری بریتانیا
روسیه	۳۲، ۱۶	کوه بیستون
ژاپن	۳۲	لاهور
سريلانکا (سیلان)	۳۲	لندن
سنت جان کالج	۶۲	۵۳، ۵۲، ۵۱، ۵۰، ۴۸، ۴۷، ۴۶، ۴۵، ۴۴، ۳۷
شیراز	۷۴، ۵۵، ۳۰، ۲۹، ۲۷	لیدن
طاق بستان	۲۷	لینگز کالج لندن
فارس	۳۴	مازندران
فرانسه	۳	مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه
فرهنگستان ایران	۳۶	لندن
قزوین	۸، ۵، ۳	موزه بریتانیا
فصر گلستان	۲۷	مؤسسه مطالعات شرقی
کالج پونا	۲۵	هلند
کالج ترینتی	۳۷	هند
کالج جراحان	۲۸	یزد
کالج سنت آنتونی	۶۰	یونیورسیتی کالج
کالج کلکته	۵۹، ۵۰	یونیورسیتی کالج آکسفورد
کانادا	۳۲	
کتابخانه اتحادیه هندو	۶۵	
کتابخانه بریتانیا	۶۰	
کتابخانه دانشگاه جان دیلاندس	۶۹	
منچستر	۶۵	
کتابخانه دانشگاه کمبریج	۶۵	
کتابخانه مدرسه مطالعات شرقی و	۶۶	
آفریقایی دانشگاه لندن	۶۰	
کتابخانه مرکز مطالعات خاور میانه	۶۰	
کتابخانه وادهام کولی	۶۰	
کتابخانه بادلیان	۶۰، ۵۹، ۵۸	
کتابخانه مؤسسه مطالعات شرقی	۶۰	
کرمان	۵۴، ۳۳، ۳۰، ۲۷	
کرمانشاه	۵۵	

مراکز و انجمنها

آموزشگاه ایران نوین	۸۵	کانون تربیت فارسی دانان انگلیس	۹
آموزشگاه پارس	۸۵	کانون کتاب	۸۳
آموزشگاه تحصیل مکاتبه‌ای	۸۴	کانون هنری حورا	۸۳
آموزشگاه حافظ	۸۵	کتابفروشی سهراب	۸۶
آموزشگاه رستم	۸۴	کمپانی هند شرقی، ۶، ۷، ۹، ۲۲، ۲۷، ۵۱، ۵۸	
انجمن آسیایی بنگال	۱۳، ۱۰	کمیته امداد امام	۶۰
انجمن اوقاف گیب	۳۲	کمیته ایران	۳۱
انجمن ایرانیان امپریال کالج	۸۳	کمیته ملی ایران	۶۳
انجمن دانشجویان ایرانی در بریتانیا	۸۳	کمیسیون تعیین مرز ایران و بلوچستان	۳۴
انجمن دوستداران زبان فارسی	۸۴، ۸۳	گروه افرا	۸۳
انجمن دوستداران زرتشت	۹۵، ۸۳	گروه بررسی مسائل روز ایران	۸۲
انجمن مطالعات معاصر ایران	۸۳	گروه تحقیق و نشر تاریخ فرهنگ ایران	۸۲
انجمن هنرمندان و نویسندگان ایرانی	۸۲	گروه شعر امروز	۸۴، ۸۳
انستیتو شرق شناسی دانشگاه آکسفورد	۷۴	گروه کُر رودکی	۸۳
بخش ایران در انجمن بین المللی قلم	۸۲	مدرسه السنه شرقی لندن	۷۳
بخش مطالعات خاورمیانه‌ای دانشگاه		مدرسه کینگ ادوارد	۲۵
منچستر	۶۷	مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه لندن	۷۳
بنیاد فرهنگی محوی	۹۳، ۹۲	مؤسسه تحقیقات ایرانی انگلستان	۷۵
جامعه ایرانیان	۸۳، ۸۲	مؤسسه کوک	۱۵
جامعه ایرانیان غرب لندن	۸۴، ۸۳	مؤسسه گسترش فرهنگ ایران	۸۵
خانه فرهنگ ایران	۸۴	هنرکده هنرهای زیبای ایران	۸۳
خانه فرهنگ و هنر	۸۳		
سازمان جهانی زرتشتیان	۸۲		
سازمان زنان ایرانی در بریتانیا	۸۳		
شورای فرهنگی ایرانیان	۸۳، ۸۲		
کارگاه شعر و هنر	۸۴، ۸۳		
کارگاه نقد	۸۲		
کانون ایرانیان	۸۳		
کانون ایرانیان لندن	۸۲		
کانون ایرانیان مقیم لندن	۸۳		

عناوین سخنرانیها و سمینارها

سخنرانیها

آثار ملک الشعراء بهار	۹۳	گردهمایی ادبیات نمایش ایرانیان	۹۳
ادبیات عرفانی ایران	۹۵	در غربت	۹۳
ادبیات نمایشی ایرانیان در غربت	۹۳	گردهمایی سرود جنگل	۹۷
اندیشه زرتشت	۹۵	گردهمایی سیزدهمین سال تأسیس کانون	
تثوری شعر، عنصر مفقود شده نقد ادبی	۹۴	ایران	۹۴
تحولات اخیر شعر و ادب فارسی در		گردهمایی قصه خوانی	۹۶
تاجیکستان	۹۵	یادواره م. امید	۹۳
تصحیح دیوان حافظ	۹۶		
زبان از فرهنگ بود یا فرهنگ از زبان			
بود؟	۹۲		
ساعتی با مولانا (طوطی نقل و شکر)	۹۵		
سنت انجمنهای ادبی ایران	۹۶		
شناخت شعر شاملو	۹۲		
فرهنگ ایران	۹۶		
مرزهای فرهنگی ایران	۹۲		
نظری بر سائوسیان شعر حافظ	۹۶		
نقاشی و هنر معاصر ایران	۹۲		
نگاهی دیگر به تجدد و نوآوری در شعر			
فارس	۹۴		
وضعیت زنان	۹۵		

سمینارها

برپایی آیین جشن نوروز	۹۶
بزرگداشت بزرگ علوی	۹۲
نصوف و عرفان در ایران	۹۲
جشن پاسداری از فرهنگ و هنر ایران	۹۵
جلسه شعرخوانی	۹۲
تنب شعر	۹۶
شعرخوانی	۹۴
کنگره نظامی گنجوی	۹۳

نام نشریات

۹۱	نیازمندیها	۹۰	ایران در تبعید
۹۱	نیمروز	۸۹	سرود رزم
۹۱	ورزش	۸۹	شوهاز
۹۱	ویژه نامه	۸۹	صدای دانشجوی
۹۱	هفت روز هفته	۸۹	صدای زن
		۸۹	صدای وحدت
		۹۰	صوفی
		۹۰	طاغوت
		۹۰	فانوس
		۹۰	فصل کتاب
		۹۰	فصلنامه ایران
		۹۰	فصل نامه (زنان)
		۹۰	فصلنامه کانون ایران
		۹۰	کارتون
		۹۰	کارگر سوسیالیست
		۹۰	کانون
		۹۰	کیهان لندن
		۹۰	گاهنامه
		۹۰	مردم خاور میانه
		۹۰	مسائل بین المللی
		۹۰	مشروعیت
		۹۰	مقاومت
		۹۰	ممنوعه ها
		۹۰	میدان
		۹۰	ناقوس
		۹۰	نامه کانون ایران
		۹۰	نامه کانون نویسندگان
		۹۱	نبرد برای دموکراسی
			نشریه اتحادیه انجمنهای اسلامی
		۹۱	دانشجویان خارج از کشور
		۱۰	نشریه انجمن آسیایی بنگال

نام ناشران

۷۹	بنگاه ترجمه و نشر	۶	انتشارات آشتیانی
۸۵	چاپخانه ایرانی	۶۱	انتشارات آینده
۸۶	چاپخانه پکا	۸۵	انتشارات ارس
۸۶	چاپخانه چاپار	۸۵	انتشارات اکباتان
۸۶	چاپخانه شادی	۸۵	انتشارات الساقی
۱۰	شورای گسترش زبان و ادب فارسی	۲	انتشارات امید
۸۶	مرکز چاپ و نشر پیام	۷	انتشارات امیرکبیر
۸۶	مرکز نشر کتاب	۸۶	انتشارات بنیاد عرفان مولانا
۱۴	مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی	۸۶	انتشارات بیداری ایرانیان
۸۷	مؤسسه واژه ساز	۸۶	انتشارات پاکا
۸۷	نشر هومن	۸۶	انتشارات جبهه
		۸۶	انتشارات جبهه ملیون ایران
		۸۶	انتشارات خانقاه نعمت اللهی
		۶۴	انتشارات دانشگاه آکسفورد
		۸۶	انتشارات دفتر خاک
		۸۶	انتشارات دوران
		۲	انتشارات روابط فرهنگی
		۸۶	انتشارات ساتراپ
		۸۶	انتشارات سوسیالیسم
		۸۶	انتشارات شما
		۸۶	انتشارات غزال
		۸۶	انتشارات کاسپین
		۸۶	انتشارات کانون کتاب ایران
		۸۶	انتشارات کتاب
		۶۶	انتشارات کمبریج
			انتشارات گروه تحقیق و نشر تاریخ و فرهنگ ایران
		۸۶	فرهنگ ایران
		۸۷	انتشارات نوآوران
		۸۶	انتشارات نوید
		۸۷	انتشارات واژه
		۴۴	بنگاه انتشارات هارتفورد

گزیده منابع و مآخذ

۱. امیری، کیومرث. *زبان و ادب فارسی در هند*. تهران: شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی، ۱۳۷۴.
۲. توتونی، پروین. *«اصفهان و خاندان صفویه از دیدگاه نویسندگان و جهانگردان انگلیسی در قرن ۱۶، ۱۷، و ۱۸»*. سیمرغ، سال دوم، شماره ۱ و ۲، ۱۳۷۴، ص ۴۳-۳۳۴.
۳. جلالی، احمد. *«کرسیهای زبان و فرهنگ ایران در دانشگاههای انگلستان»*. نامه فرهنگ، سال اول، ش اول، ص ۷۱-۶۹.
۴. حائری، عبدالهادی. *نخستین رویاروییهای اندیشگران ایرانی*. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۲.
۵. رایت، دنیس. *ایرانیان در میان انگلیسیها*. ترجمه منوچهر طاهرنیا. تهران: انتشارات آشتیانی، ۱۳۶۴.
۶. طاهری، ابوالقاسم. *سیر فرهنگ ایران در بریتانیا*. تهران: انتشارات دنیا، ۱۳۵۲.
۷. *فرهنگ خاورشناسان*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۲.
۸. نوایی، عبدالحسین. *تاریخ روابط فرهنگی ایران؛ از حمله مغول تا پایان سلسله قاجار*. تهران: انتشارات روابط فرهنگی، ۱۳۵۶.
۹. یاحقی، محمدجعفر. *جزیره بی آفتاب*. تهران: بی نا، ۱۳۷۱.
۱۰. شماره‌های مختلف؛ نشر دانش، آینده، کلک، ایران شناسی، سیمرغ.

